



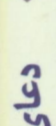
دعای

مکملات

در پرتو قرآن و حدیث چاپ ششم

دریافت‌هایی از دعای بیستم صحیفه سجادیه

حجت منگنه‌چی



پیش قدمی و اخلاق مکارم و سعادت

جنت منگنه چي

کتاب شریف صحیفه سجادیه، مجموعه‌ای از علوم و معارف الهی است که از ناحیه چهارمین نور امامت و ولایت، در قالب دعا و مناجات عرضه شده است. دعای بیستم این کتاب نورانی، دعای «مکارم الاخلاق» است که مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی فردی و اجتماعی را در خود جای داده است که پایبندی به آنها، رابطه انسان را با خداوند و انسان‌های دیگر تنظیم نموده و رسیدن به آرامش و سعادت را به دنبال دارد.

در این اثر، سعی شده است تا ضمن ترجمه دعای مکارم الاخلاق، مضامین آن با آیات و روایات تطبیق داده شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.



9 789641 953159

فآکس: (داخلی ۱۰۵) ۳۷۸۳۹۳۰۹ ۲۵ ۹۸+

Pub.miu.ac.ir

✉ miup@pub.miu.ac.ir

ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸

تلفن: ۳۷۸۳۹۳۰۵۹ ۲۵ ۹۸+

https://telegram.me/pub_almostafa

الشمس
السمسم
الشمس
الشمس

- سرشناسه:
عنوان قراردادی:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
شابک:
- منگنه‌چی، حجت، ۱۳۵۵ -
دعای مکارم الاخلاق، شرح
دعای مکارم الاخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)/ حجت منگنه‌چی.
قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۸۹.
۹-۳۱۵-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فاپا
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
شناسه افزوده:
- چاپ دوم: ۱۳۹۰ (فیبا).
چاپ سوم: ۱۳۹۴ (فیبا).
چاپ چهارم: ۱۳۹۴ (فیبا)؛ چاپ پنجم: ۱۳۹۴ (فیبا)
چاپ ششم: ۱۳۹۵ (فیبا)
کتابنامه: ص. [۲۴۵] - ۲۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
دعای مکارم الاخلاق -- نقد و تفسیر
اخلاق اسلامی
جامعة المصطفی ﷺ العالمية.
مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
۱۳۸۹ م/۷۰۴۲۲/م/ BP۲۷۰
۲۹۷/۷۷۴
شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۰۷۶۷
- رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)

حجت منگنه چی



مرکز بین المللی
ترجمه و نشر المصطفی

دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)

مؤلف: حجت منگنه‌چی

چاپ ششم: ۱۳۹۵ ش / ۱۴۳۸ ق

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: زلال کوثر ● قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۲۵۰۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش:

- ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نیش کوچه ۱۸
تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵-۹ دورنگار: داخلی ۱۰۵- +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۹
- ایران، قم، بلوار محمدامین، سه‌راه سالاریه. تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۲۱۳۳۱۰۶
- ایران، قم، ساختمان ناشران، طبقه سوم، پلاک ۳۰۸. تلفن: +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۴۲۴۰۲

pub.miu.ac.ir ✉ miup@pub.miu.ac.ir https://telegram.me/pub_almostafa

با سپاس از دست‌اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مرتضی محمدعلی نژاد شانی
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: محمدباقر شکری
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- ناظر چاپ: نعمت‌الله یزدانی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعه المصطفی ﷺ العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی ﷺ «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ» را تأسیس کرده است.

اثر حاضر با عنوان دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث) حاصل پژوهش فاضل گرامی جناب آقای حجت منگنه‌چی، کوششی است در به ثمر رساندن گوشه‌ای از این اهداف متعالی. در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۵
سخنی کوتاه دربارهٔ صحیفهٔ سجاده.....	۱۶
دربارهٔ این نوشتار.....	۱۸
تشکر و قدردانی.....	۱۹
فراز یکم.....	۲۱
۱- ۱. آغازی با صلوات.....	۲۱
۲- ۲. درخواست کامل‌ترین درجهٔ ایمان.....	۲۴
۳- ۱. درخواست کامل‌ترین درجهٔ یقین.....	۲۷
۴- ۱. رسیدن به نیکوترین نیت‌ها.....	۳۰
۵- ۱. رسیدن به نیکوترین اعمال.....	۳۲
فراز دوم.....	۳۵
۲- ۱. افزونی و فراوانی نیت.....	۳۵
۲- ۲. تصحیح یقین.....	۳۶
۲- ۳. اصلاح رفتارهای فاسد.....	۳۷
فراز سوم.....	۴۱
۳- ۱. بی‌نیاز شدن در کارها.....	۴۲
۳- ۲. عمل به امور مورد پرسش در قیامت.....	۴۳
۳- ۳. صرف وقت در عبادت.....	۴۵

- ۳-۴. بی‌نیاز شدن و فزونی رزق ۴۸
- ۳-۵. چشم‌پوشی از اموال دیگران ۴۹
- ۳-۶. عزّت و سربلندی بدون تکبر ۵۱
- ۳-۷. عبادت بدون عجب ۵۳
- ۳-۸. احسان به دیگران بدون منت نهادن ۵۵
- ۳-۹. برخورداری از اخلاق رفیع ۵۷
- ۳-۱۰. دور شدن از فخرفروشی ۵۸
- فراز چهارم** ۶۱
- سربلندی همراه با تواضع ۶۱
- فراز پنجم** ۶۵
- ۵-۱. هدایت شایسته ۶۵
- ۵-۲. استقامت در راه حق ۶۶
- ۵-۳. نیت استوار ۶۷
- ۵-۴. تقاضای عمر زیاد برای اطاعت الهی ۶۷
- فراز ششم** ۶۹
- ۶-۱. اصلاح صفات معیوب ۶۹
- ۶-۲. نیکو شدن مایه‌های سرزنش ۷۱
- ۶-۳. تکمیل نمودن نقائص ۷۱
- فراز هفتم** ۷۵
- ۷-۱. تبدیل دشمنی به محبت ۷۶
- ۷-۲. تبدیل حسادت به دوستی ۷۷
- ۷-۳. تبدیل بدگمانی به اطمینان ۷۹
- ۷-۴. تبدیل دشمنی نزدیکان به دوستی ۸۰
- ۷-۵. تبدیل جدایی به ارتباط ۸۱
- ۷-۶. تبدیل یاری نرساندن به حمایت ۸۲
- ۷-۷. تبدیل مدارا به محبت واقعی ۸۳
- ۷-۸. تبدیل اهانت به معاشرت نیکو ۸۴
- ۷-۹. تبدیل ترس از ستمکاران به آرامش ۸۵

فراز هشتم..... ۸۷

- ۸- ۱. توانمندی در برابر ظالم..... ۸۸
 ۸- ۲. زبانی گویا در برابر مخالف..... ۸۹
 ۸- ۳. پیروزی بر معاند..... ۹۰
 ۸- ۴. راه چاره در برابر مکرکنندگان..... ۹۰
 ۸- ۵. قدرت بر دفع سلطه‌گران..... ۹۱
 ۸- ۶. تکذیب عیب جویان..... ۹۲
 ۸- ۷. سالم ماندن از تهدید دشمنان..... ۹۴
 ۸- ۸. اطاعت و پیروی از راهنمایان هدایت..... ۹۴

فراز نهم..... ۹۷

- ۹- ۱. خلوص و خیرخواهی در برابر فریب..... ۹۸
 ۹- ۲. نیکی در مقابل قطع ارتباط..... ۹۹
 ۹- ۳. بخشش و عطا در برابر محرومیت..... ۱۰۰
 ۹- ۴. پیوند در برابر قطع ارتباط..... ۱۰۱
 ۹- ۵. به نیکی یاد کردن در برابر غیبت..... ۱۰۲
 ۹- ۶. تشکر در قبال نیکی..... ۱۰۴
 ۹- ۷. چشم‌پوشی از بدی..... ۱۰۵

فراز دهم..... ۱۰۷

- ۱۰- ۱. نوزده ویژگی انسان‌های صالح و متقی..... ۱۰۸
 ۱۰- ۱- ۱. گسترش عدل..... ۱۰۹
 ۱۰- ۱- ۲. فرو بردن خشم..... ۱۱۱
 ۱۰- ۱- ۳. خاموش کردن آتش دشمنی و فتنه..... ۱۱۲
 ۱۰- ۱- ۴. پیوند دادن مردم از هم گسسته..... ۱۱۳
 ۱۰- ۱- ۵. اصلاح میان مردم..... ۱۱۴
 ۱۰- ۱- ۶. آشکار نمودن کارهای خوب..... ۱۱۵
 ۱۰- ۱- ۷. پنهان نمودن کارهای زشت..... ۱۱۵
 ۱۰- ۱- ۸. نرم‌خویی..... ۱۱۵
 ۱۰- ۱- ۹. فروتنی..... ۱۱۶
 ۱۰- ۱- ۱۰. نیک‌سیرتی..... ۱۱۶

۱۰ دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)

- ۱۰-۱. سنگینی و وقار..... ۱۱-۱. ۱۱۶
- ۱۰-۱. خوش برخوردی در معاشرت با مردم..... ۱۲-۱. ۱۱۷
- ۱۰-۱. سبقت جستن در انجام فضیلت..... ۱۳-۱. ۱۱۷
- ۱۰-۱. برگزیدن تفضل و احسان..... ۱۴-۱. ۱۱۸
- ۱۰-۱. ترک سرزنش..... ۱۵-۱. ۱۱۸
- ۱۰-۱. احسان کردن به کسی که مستحق آن نیست..... ۱۶-۱. ۱۱۹
- ۱۰-۱. به حق سخن گفتن، اگرچه سنگین و سخت باشد..... ۱۷-۱. ۱۱۹
- ۱۰-۱. اندک شمردن گفتارها و کردارهای نیک خود..... ۱۸-۱. ۱۱۹
- ۱۰-۱. بسیار شمردن زشتی‌های خود..... ۱۹-۱. ۱۱۹
- ۱۰-۲. مداومت بر طاعت خداوند..... ۱۲۰
- ۱۰-۳. همراهی با جماعت مسلمانان..... ۱۲۰
- ۱۰-۴. کناره‌گیری از اهل بدعت..... ۱۲۰
- ۱۰-۵. کناره‌گیری از اندیشه‌های از خود ساخته و اختراعی..... ۱۲۱
- فراز یازدهم..... ۱۲۳
- ۱۱-۱. رزق وسیع..... ۱۲۴
- ۱۱-۲. درخواست توانایی..... ۱۲۴
- ۱۱-۳. سستی در عبادت..... ۱۲۵
- ۱۱-۴. ناپینایی در راه حق..... ۱۲۶
- ۱۱-۵. حرکت در مسیر محبت خداوند..... ۱۲۷
- ۱۱-۶. هم‌نشین نبودن با دشمنان خدا..... ۱۲۸
- ۱۱-۷. هم‌نشینی با دوستان خدا..... ۱۲۹
- فراز دوازدهم..... ۱۳۱
- ۱۲-۱. یاری طلبیدن از خدا به هنگام سختی‌ها..... ۱۳۲
- ۱۲-۲. درخواست نمودن از خدا به هنگام نیاز..... ۱۳۲
- ۱۲-۳. تضرع فقط به سوی خدا..... ۱۳۳
- ۱۲-۴. سرافراز شدن در سه آزمایش الهی..... ۱۳۴
- فراز سیزدهم..... ۱۳۷
- ۱۳-۱. دوری از گناهان قلبی..... ۱۳۸
- ۱۳-۲. اجتناب از گناهان زبان..... ۱۴۰

۱۴۵	فراز چهاردهم.....
۱۴۵	۱-۱۴. مورد ستم واقع نشدن.....
۱۴۶	۲-۱۴. به کسی ستم نکردن.....
۱۴۷	۳-۱۴. گمراه نشدن.....
۱۴۸	۴-۱۴. تهی دست نشدن.....
۱۴۸	۵-۱۴. سرکشی نکردن.....
۱۵۱	فراز پانزدهم.....
۱۵۲	۱-۱۵. به سوی مغفرت خداوند.....
۱۵۳	۲-۱۵. قصد بخشش خداوند.....
۱۵۳	۳-۱۵. مشتاق گذشت خداوند.....
۱۵۴	۴-۱۵. اطمینان به فضل خداوند.....
۱۵۵	۵-۱۵. درخواست تفضل از خداوند.....
۱۵۷	فراز شانزدهم.....
۱۵۷	۱-۱۶. زبان گشودن به هدایت مردم.....
۱۵۸	۲-۱۶. الهام شدن پرهیزکاری بر قلب.....
۱۶۰	۳-۱۶. توفیق برای انجام امور پاکیزه تر.....
۱۶۱	۴-۱۶. فعالیت در امور رضایت بخش تر.....
۱۶۳	فراز هفدهم.....
۱۶۳	۱-۱۷. قرار گرفتن در بهترین مسیر.....
۱۶۵	۲-۱۷. زندگی و مرگ بر دین الهی.....
۱۶۷	فراز هجدهم.....
۱۶۷	۱-۱۸. میانه روی در زندگی.....
۱۶۹	۲-۱۸. از اهل سداد شدن.....
۱۷۰	۳-۱۸. هدایت گری.....
۱۷۱	۴-۱۸. از بندگان شایسته شدن.....
۱۷۲	۵-۱۸. پیروزی در آخرت.....
۱۷۳	۶-۱۸. به سلامت گذشتن از صراط.....
۱۷۵	فراز نوزدهم.....
۱۷۵	خلاصی از عذاب و نجات نفس.....

- فراز بیستم ۱۷۷
- ۲۰-۱. خداوند، بهترین پناه انسان ۱۷۸
- ۲۰-۲. خداوند، بهترین امید انسان ۱۷۹
- ۲۰-۳. خداوند، بهترین یاری کننده ۱۸۱
- ۲۰-۴. قدرت بی پایان خداوند و سه درخواست از او ۱۸۲
- ۲۰-۵. پناه به خداوند از عیب جویی و آزار دیگران ۱۸۵
- ۲۰-۶. آرامش در قیامت ۱۸۵
- ۲۰-۷. توفیق در هدایت مردم ۱۸۶
- فراز بیست و یکم ۱۸۷
- ۲۱-۱. درخواست دفع آفات و زیان ها ۱۸۸
- ۲۱-۲. درخواست پرورش با نعمت دادن ۱۸۸
- ۲۱-۳. درخواست اصلاح از خداوند ۱۸۹
- ۲۱-۴. معالجه امراض جسمی و روحی ۱۹۰
- ۲۱-۵. قرار گرفتن در سایه رحمت خداوند ۱۹۰
- ۲۱-۶. پوشیدن لباس خشنودی خداوند ۱۹۱
- ۲۱-۷. کسب توفیق برای دور شدن از شبهات ۱۹۲
- ۲۱-۸. کسب توفیق برای انجام بهترین عمل ۱۹۳
- ۲۱-۹. کسب توفیق برای پیروی از بهترین عقیده ۱۹۳
- فراز بیست و دوم ۱۹۵
- ۲۲-۱. برخوردار شدن از تاج بی نیازی ۱۹۵
- ۲۲-۲. سرپرستی نیکو ۱۹۷
- ۲۲-۳. هدایت راستین ۱۹۷
- ۲۲-۴. توانگری، صحنه ای برای آزمایش ۱۹۸
- ۲۲-۵. آسایش نیکو ۱۹۹
- ۲۲-۶. درخواست زندگی بدون سختی ۲۰۰
- ۲۲-۷. درخواست اجابت دعا ۲۰۰
- فراز بیست و سوم ۲۰۳
- ۲۳-۱. میانه روی نه اسراف ۲۰۳

۲۰۵	۲۳-۲. حفظ روزی از تلف
۲۰۵	۲۳-۳. برکت در دارایی
۲۰۶	۲۳-۴. نشان دادن مسیر هدایت در انفاق
۲۰۹	فراز بیست و چهارم
۲۰۹	۲۴-۱. بی‌نیازی در رنج به دست آوردن روزی
۲۱۰	۲۴-۲. درخواست روزی بدون حساب
۲۱۳	فراز بیست و پنجم
۲۱۳	۲۵-۱. استمداد از خداوند برای تحقّق خواسته‌ها
۲۱۴	۲۵-۲. پناه بردن به خدا به هنگام ترس
۲۱۷	فراز بیست و ششم
۲۱۸	۲۶-۱. بی‌نیازی و حفظ آبرو
۲۱۹	۲۶-۲. تنگدستی و بی‌آبرو شدن
۲۲۱	فراز بیست و هفتم
۲۲۱	۲۷-۱. تندرستی برای عبادت
۲۲۲	۲۷-۲. زهد و بی‌اعتنایی به دنیا
۲۲۴	۲۷-۳. علم همراه با عمل
۲۲۵	۲۷-۴. میانه‌روی در پارسایی
۲۲۷	فراز بیست و هشتم
۲۲۷	۲۸-۱. عاقبت به خیر شدن
۲۲۹	۲۸-۲. امید به رحمت خداوند
۲۲۹	۲۸-۳. به دست آوردن راه‌های جلب رضایت خداوند
۲۳۱	۲۸-۴. نیکو شدن اعمال
۲۳۳	فراز بیست و نهم
۲۳۳	۲۹-۱. یاد خدا
۲۳۵	۲۹-۲. اطاعت از خدا در دوران زندگی
۲۳۶	۲۹-۳. محبّت به خداوند
۲۳۷	۲۹-۴. خیر دنیا و آخرت

۱۴ دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)

فراز سی‌ام.....	۲۴۱
۳۰- ۱. برترین درود بر پیامبر ﷺ و خاندانش.....	۲۴۱
۳۰- ۲. درخواست نیکی در دنیا و آخرت.....	۲۴۲
۳۰- ۳. حفظ شدن از عذاب آتش.....	۲۴۴
کتابنامه.....	۲۴۵

پیش‌گفتار

در یک تقسیم، دین و حیانی دارای سه بخش است:

۱. عقاید: مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات درباره جهان هستی و واقعیت‌های آن. مانند: اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به وحی و نبوت، اعتقاد به معاد، اعتقاد به بهشت و دوزخ و ...

۲. اخلاقیات: مجموعه‌ای از آموزه‌ها که فضایل و رذایل اخلاقی را معرفی کرده و با شناساندن آنها به انسان، راه تهذیب نفس و پرورش فضایل را بیان می‌کنند.

۳. مناسک و احکام و مقررات: تعالیمی که برای تنظیم روابط هر انسانی با خداوند و نیز با انسان‌های دیگر در ابعاد اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... آمده و اصطلاحاً «احکام شرعی» گفته می‌شود.

براساس آیات قرآن، تهذیب، تزکیه، پرورش روح اخلاقی و آراستن مردم به فضایل اخلاقی و دور کردن آنها از رذایل اخلاقی، از اهداف اساسی بعثت پیامبران بوده است.^۱ این مسئله در روایات نیز مورد توجه

۱. جمعه: ۲؛ آل عمران: ۱۶۴؛ بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱.

قرار گرفته است. اخلاق و پای‌بندی به اصول آن، در رسیدن انسان به سعادت و کمال، نقشی محوری و بنیادین دارد و از این‌رو، اگر نگوییم دانش اخلاق، برترین دانش است، دست‌کم باید بپذیریم که یکی از برترین دانش‌ها می‌باشد. امام کاظم علیه السلام فرمود: «لازم‌ترین دانش برای تو، دانشی است که تو را به صلاح قلبت راهنمایی کند و فساد آن را برایت آشکار سازد».^۱

سخنی کوتاه دربارهٔ صحیفه سجادیه

از آن‌جا که پس از واقعهٔ خونین کربلا، شرایط خاصی حاکم شده بود امام سجاده علیه السلام بسیاری از آموزه‌های دینی را در قالب دعا و مناجات بیان می‌فرمود که صحیفه سجادیه نام گرفته است. صحیفه سجادیه، پس از قرآن و نهج البلاغه، از ارزنده‌ترین آثار اسلامی است. مرحوم سید علی نقی فیض الاسلام، مترجم و شارح این اثر ارزشمند می‌گوید: صحیفه کامله سجادیه را، امام زین‌العابدین علیه السلام ... انشا فرموده و فرزند ارجمندش، حضرت امام محمدباقر علیه السلام نوشته و امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام می‌شنیده ...^۲

این کتاب گران‌بها، به دلیل ارزش والای محتوایی آن در موضوعات و مسائل گوناگون، از زمان‌های گذشته، در میان علما و بزرگان به «أخت القرآن»، «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت علیهم السلام» لقب گرفته است.^۳ با این‌که صحیفه سجادیه، در قالب دعا و مناجات عرضه شده

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، باب ۱۰۱، ح ۱۳۷۹۲.

۲. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه (فیض الاسلام)، ص ۳.

۳. سیره پیشوایان، ص ۲۷۰.

است، اما به حق می‌توان آن را مجموعه‌ای از علوم و معارف الهی - اسلامی دانست که جمله جمله آن در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام قابل پیگیری است.

در سال ۱۳۵۳ هجری قمری، آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی رحمته‌الله، نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای نویسنده تفسیر طنطاوی (مفتی اسکندریه) به قاهره فرستاد. وی پس از تشکر از دریافت این هدیه گران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت: «این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گران‌بهای جاوید که از موارث نبوت است، دست نیافته بودیم، من هرچه در آن می‌نگرم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق پایین‌تر می‌یابم».^۱

روایت مفصلی را «متوکل بن هارون» (از اصحاب امام صادق علیه‌السلام) روایت نموده و درباره این کتاب و تعداد دعا‌های آن مطالبی را بیان کرده است.^۲ با این حال، صحیفه سجادیه‌ای که اکنون در اختیار داریم، دارای پنجاه و چهار دعاست که ترجمه‌ها، شرح‌ها و حاشیه‌های مختلفی بر آن نگاشته شده است.^۳ کتاب الدلیل إلی موضوعات الصحیفه السجادیة (محمّدحسین مظفر) و کتاب المعجم المفهرس لألفاظ الصحیفه الکامله السجادیة (سید علی اکبر قرشی) دو پژوهش مرجع درباره این کتاب ارزشمند به شمار می‌روند.

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. ر.ک: صحیفه کامله سجادیه (ترجمه و شرح، میرزا ابوالحسن شعرانی)، ص ۲۵.

۳. شیخ آغا بزرگ تهرانی، حدود پنجاه شرح و حاشیه را نام برده است. ر.ک: الذریعه، ج ۱۳، ص ۳۴۵ - و نیز ر.ک: صحیفه کامله سجادیه (ترجمه و شرح، میرزا ابوالحسن شعرانی)، ص ۱۹.

درباره این نوشتار

۱. برای رسیدن به رحمت الهی و دستیابی به سعادت و رستگاری، باید آیین بندگی را آموخت و آیین بندگی، به طور گسترده، در آموزهای قرآنی و روایی شیعه عرضه شده است. با توجه به این مطلب، تصمیم گرفته شد که دعای «مکارم الأخلاق» صحیفه سجادیه به عنوان محور قرار گرفته و آموزه‌های اخلاقی آن پیگیری شود. دلیل این گزینش را می‌توان چنین برشمرد:

یکم: گوینده این دعا، معصوم است و کلام معصوم همانند کردار و تقریر او، دارای اعتبار است.

دوم: در این دعا، هم مسائل مربوط به اخلاق ایمانی مطرح شده است و هم از مسائل مربوط به اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی سخن به میان آمده است.

سوم: بزرگان علمی و اخلاقی، نسبت به این دعا اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. از باب نمونه، شهید مطهری رحمته‌الله درباره دعای مکارم الأخلاق می‌نویسد: «از جمله آرزوهایی که من سال‌هاست دارم، این است که یک وقتی توفیق پیدا بکنم این دعا را به فارسی ترجمه و مخصوصاً شرح بکنم. فلسفه‌ها و نکاتی را که در این دعا شریف هست، تشریح کنم و در اختیار فارسی زبانان خودمان قرار بدهم. این جزو آرزوهای من است»^۱.

۲. کتاب حاضر، شرح و تفسیر کامل جمله‌ها و فرازهای دعای مکارم الأخلاق نیست بلکه تلاش شد که علاوه بر ترجمه دعا، جمله‌ها و درخواست‌های امام سجاده علیه‌السلام در آیات قرآن و روایت معصومین علیهم‌السلام

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۳۱۰.

پیگیری شود تا فهم بهتر دعا و مضامین آن میسر گردد. برای تحقق این منظور، ابتدا، به سی فراز مستقل تقسیم شد. سپس، جمله‌های هر فراز به صورت جداگانه ترجمه گردید و در ادامه، برای هر یک از جمله‌ها، عنوانی که بهتر به نظر می‌رسید، قرار داده شد و در نهایت، ذیل هر عنوان، مطالبی از آیات و روایت ارائه گردید.

۳. واژگانی که به هنگام ترجمه، برای درک بهتر دعا افزوده شد، در بین این نشانه [] قرار گرفت.

۴. به منظور هماهنگ‌سازی، از ترجمه «آیه‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی» استفاده گردید.

تشکر و قدردانی

پس از سپاس و ستایش بی‌نهایت از خداوند متعال که توفیق انجام این اثر را به این حقیر عنایت فرمود، لازم می‌دانم موارد زیر را یادآور شوم:

۱. به روان پاک مرحوم «حجة الاسلام محمد تقی فلسفی (رحمه‌الله)» درود می‌فرستم؛ زیرا کتاب ارزشمند ایشان که مجموعه‌ای سه جلدی از سخنرانی‌های آن بزرگوار درباره دعای مکارم الأخلاق است، در راهیابی به مفاهیم این دعا بسیار مفید و مؤثر بود. برای آن عالم ربّانی، طلب مغفرت نموده و علو درجات را آرزو می‌کنم.

۲. از جناب آقای حسین اسدی (مدیر کل امور قرآن و حدیث جامعه المصطفی (ع) العالمیه) و برادر عزیز جناب حجة الاسلام و المسلمین حمید رضا کریمی (مدیر گروه فعالیت‌های حدیث و ادعیه) که پشتیبانی لازم را در اجرای مراحل مختلف این طرح عهده‌دار شدند، قدردانی می‌کنم.

۲۰ دعای مکارم الأخلاق (در پرتو قرآن و حدیث)

۳. مراتب امتنان خود را نثار همسر گرامی و شایسته‌ام می‌نمایم که آرام و صبور در این مسیر، همراهی‌ام نمود. ارتقای علمی و معنوی ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

حجّت منگنه‌چی

قم - تیر ۱۳۸۹، پنجم شعبان المعظم ۱۴۳۱؛ میلاد امام سجاد علیه السلام

فراز یکم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ: و ایمانم را به کامل ترین [درجه]
ایمان برسان

وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ: و یقین و باورم را [نسبت به متعلقات
ایمان و حقایق دینی]، برترین [درجه] یقین قرار بده

وَأَنْتَ بَنَيْتَنِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ: و نیتم را به نیکوترین نیتها منتهی ساز
وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ: و عملم را به نیکوترین اعمال
پایان بخش

۱- ۱. آغازی با صلوات

بیشتر فرازهای دعای مکارم الأخلاق با صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندان
پاکش آغاز شده است. درود و صلوات بر پیامبر ﷺ از جمله آدابی
است که اهل ایمان به آن سفارش شده و یکی از حقوقی است که
خداوند بر عهده آنان نهاده و می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱

اگرچه در این آیه فقط به صلوات بر شخص پیامبر ﷺ دستور داده شده، اما صلوات بر خاندان معصومش نیز در روایات مورد تصریح قرار گرفته است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

پیامبر ﷺ فرمود: «هرگز بر من صلوات ناقص نفرستید. عرض کردند: صلوات ناقص چیست؟ فرمود: این که فقط بگویید: «اللهم صلّ علی محمد» و ادامه ندهید. بلکه باید بگویید: اللهم صلّ علی محمد و آل محمد».^۲

امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «هر دعایی از اجابت دور است، مگر آن که بر محمد و خاندانش صلوات فرستاده شود».^۳

امام رضا ﷺ فرمود: «بر محمد و خاندان او بسیار درود فرستید و برای مردان و زنان مؤمن در لحظه‌های شب و روز بسیار دعا کنید؛ پس همانا درود بر محمد و خاندانش، برترین اعمال نیک است ...».^۴

و نیز فرمود: «صلوات بر محمد و خاندان او نزد خداوند عزوجل با تسبیح (سبحان الله) و تهلیل (لا إله إلا الله) و تکبیر (الله اکبر) برابر است».^۵ و نیز فرمود: «کسی که قدرت بر انجام کاری که کفاره گناهانش شود

۱. الأحزاب: ۵۶. «همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید».

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۰. به نقل از: الصواعق المحرقة، ص ۱۴۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۶۰، ح ۱۵.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۳۴۷.

۵. همان، ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲.

ندارد، زیاد بر محمد و خاندان او صلوات بفرستد. به حقیقت که صلوات نابودکننده گناهان است، چه نابود کردنی.^۱

پیامدهای مثبت صلوات: در میان روایاتی که از ناحیه معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده است، برای کسانی که نسبت به صلوات اهتمام می‌ورزند، آثار و پیامدهای نیکویی در دنیا و آخرت بیان شده است. برخی از آن آثار عبارتند از:

«خشنودی خدا»، «نزدیکی به خدا و رسولش»، «اجابت دعا»، «از بین برنده نفاق»، «پاکیزگی و رشد اعمال»، «وسعت در روزی»، «درود خدا و فرشتگان»، «باز شدن دری از عافیت»، «سنگین‌ترین عمل در ترازوی اعمال»، «بشارت در هنگام مرگ»، «روشنایی قبر و قیامت»، «ثبت حسنات بسیار»، «نابودی گناهان ثبت شده»، «ورود به بهشت»، «برخوررداری از شفاعت»، «نور صراط در قیامت»، «دوری از آتش جهنم» و ...^۲

نشانه‌ها و پیامدهای صلوات ندادن: اهمیت صلوات تا به آن‌جاست که امور زیر درباره کسانی که نسبت به صلوات رغبت نداشته و یا به آن بی‌اعتنایی می‌کنند، گفته شده است:

«نادان و مغرور بودن چنین اشخاصی و بیزار بودن خدا و رسول و خاندانش از آنها»^۳، «جفا نمودن در حق پیامبر و خاندانش»^۴، «دوری از رحمت خداوند»^۵، «نشانه بخیل بودن»^۱.

۱. همان.

۲. درباره آثار صلوات رک: اخلاق الهی، ص ۱۸۱ - ۱۹۸. و نیز: ص ۳۲۰ - ۳۳۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۷، ح ۹۱۲۸.

۵. همان، ص ۲۰۶، ح ۹۱۲۳.

۱-۲. درخواست کامل‌ترین درجه ایمان

اولین و مهم‌ترین شرط برای قرار گرفتن در مسیر حیات اخلاقی، برخورداری از «ایمان» است. ایمان از اصلی‌ترین مفاهیم و صفات نفسانی نیکو به شمار رفته و دارای ارزشی والا در نظام اخلاقی می‌باشد. نقش ایمان در سعادت و کمال انسان تا اندازه‌ای است که مبدأ همه صفات پسندیده نفسانی و نیکی‌های رفتاری به شمار می‌رود.

«ایمان» از نظر لغوی، در معنای «تصدیق و اذعان نمودن چیزی یا کسی» به کار می‌رود که نوعی صفت و حالت نفسانی است. در اصطلاح دینی، ایمان به معنای تصدیق مفاهیم و گزاره‌های دینی است.

خداوند درباره مهم‌ترین متعلقات ایمان می‌فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾؛ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را با همه علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند و نماز را برپا می‌دارد و

۱. همان، ح ۹۱۲۴.

۲. البقرة: ۱۷۷.

زکات را می‌پردازد و (هم‌چنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند. اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها هستند پرهیزکاران.

خداوند در این آیه شریفه، مصادیقی را برای «نیکی» بیان فرموده است. برخی از آنها به «ایمان» و برخی از آنها به «عمل» انسان مربوط می‌شوند. متعلقات ایمان، براساس این آیه عبارتند از: ایمان به خداوند، ایمان به روز قیامت، ایمان به فرشتگان، ایمان به کتاب آسمانی، ایمان به پیامبران. و در ادامه آیه، اموری که باید مورد عمل قرار گیرند، بیان شده است.

رابطه ایمان با عمل: ایمان، امری قلبی و درونی است. این امر قلبی، نشانه‌هایی دارد که در آثار گفتاری و رفتاری انسان جلوه می‌کند. براساس آیات قرآن، «عمل صالح»، شرط سلامت ایمان است. به دلیل همین رابطه تنگاتنگ میان ایمان و عمل صالح، مشاهده می‌کنیم که در حدود ۵۰ آیه از آیات قرآن، عمل صالح به دنبال ایمان قرار گرفته است.^۱ می‌توان گفت: دو نشانه مهم ایمان عبارتند از: ۱. انجام دستورات الهی؛ ۲. معصیت نکردن.^۲

از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایمان درختی است که ریشه آن یقین و شاخه آن خویشتن داری (تقوا) و شکوفه آن حیا و میوه آن سخاوت است».^۳

۱. رک: البقرة: ۲۵ و ۸۲ و ۲۷۷؛ آل عمران: ۵۷؛ النساء: ۵۷ و ۱۲۲ و ۱۷۳؛ المائدة: ۹ و ۹۳؛ ...

۲. رک: الکافی، ج ۲، ص ۳۸، ح ۴ و ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۰.

۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۱۷۸۶.

درجات ایمان: از قرآن و روایات استفاده می‌شود که ایمان، دارای مراتب و درجات بوده و قابل زیاد شدن و کم شدن است:

۱. قرآن: خداوند می‌فرماید: «مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هاشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند».^۱

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این آیه از زیاد شدن ایمان سخن گفته شده است و این نشانگر آن است که ایمان، امر ثابتی نیست.

۲. سنت: امام صادق علیه السلام فرمود: «به‌راستی که برخی مؤمنان از برخی دیگر برترند و برخی از آنها، بیشتر از برخی دیگر نماز می‌گزارند و برخی از آنها تیز بین‌تر از برخی دیگرند. اینهاست آن درجات».^۲
به نظر می‌رسد که واژه «درجات»، در کلام امام به آیه «هُنَّ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» اشاره داشته باشد.^۳

براساس روایاتی که در تفسیر آیه ۹۸ سوره انعام رسیده است، ایمان در یک تقسیم بر دو گونه است: ۱. ایمان مستقر و ثابت ۲. ایمان مستودع و عاریه‌ای.^۴

نشانه‌های ایمان کامل در روایات: درباره ایمان کامل، روایات زیادی وارد شده است و هر یک از آنها برای برخورداری انسان از ایمان کامل، ویژگی‌هایی را بیان نموده‌اند. برخی از آن ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. الانفال: ۲. و نیز رک: التوبه: ۱۲۴؛ المدثر: ۳۱؛ آل عمران: ۱۷۱-۱۷۳؛ الأحزاب: ۲۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۵، ح ۴.

۳. آل عمران: ۱۶۳. «هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند».

۴. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۱۳. و نیز رک: احادیث شماره ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴.

«اخلاق نیکو»، «برخورداری از عقل و دانش»، «فهم در دین»، «حُسن اندازه در معیشت»، «بردباری و صبر در مصائب»، «انفاق در سختی»، «انصاف دادن نسبت به مردم»، «تعلیم دادن»، «ترسیدن از حق در شوخی و جدی»، «مقدم داشتن دین بر شهوت» و

رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی! هفت خصلت در هر کس باشد حقیقت ایمان خود را کامل کرده و درهای بهشت به رویش باز شده است: ۱. کسی که وضویش را کامل کند، ۲. نمازش را نیکو به جا آورد، ۳. زکات مالش را پردازد، ۴. خشمش را نگاه دارد، ۵. زبانش را از کلام حرام حبس نماید، ۶. از گناهش استغفار کند، ۷. نسبت به اهل بیت پیامبرش خیرخواه باشد».^۱

و نیز فرمود: «سه چیز از لوازم ایمان است: ۱. وقتی خشمگین شد، خشمش او را به کار ناحق وادار نکند، ۲. وقتی راضی شد، رضایتش او را از حق دور نسازد، ۳. وقتی قدرت داشت، به آن چه حق ندارد، دست نبرد».^۲

۱-۳. درخواست کامل ترین درجه یقین

سخن درباره «یقین» و درخواست برترین درجه آن است. یقین، همانند ایمان، یکی از پسندیده ترین صفات انسان بوده و در نگاه اسلامی، خدمت گزار ایمان است؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۳. در این آیه، خشیت و ترس از خدا، که از لوازم ایمان به شمار می روند، بر علم و معرفت مبتنی شده اند و این مسئله، نشانگر

۱. الخصال، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. نهج الفصاحة، ص ۴۱۷، ج ۱۲۶۷.

۳. الفاطر: ۲۸.

اهمیت معرفت و آگاهی در رشد و تعالی ایمان و لوازم و متعلقات آن است. وقتی آگاهی و شناخت به حدی برسد که مطابق با واقع بوده و هیچ شک و تردیدی در آن راه نیابد، معرفت به مرحله یقین رسیده است. بنابراین، یقین به معنای جزم مطابق با واقع است. با این که یقین، بالاترین مرتبه معرفت و شناخت است اما خود، دارای مراتبی است که امام سجاده علیه السلام برترین و کامل ترین درجه آن را از خداوند متعال درخواست می نماید.

یقین و مراتب آن در قرآن: «یقین» و مشتقات آن ۲۸ بار در قرآن به کار رفته اند. در آیات قرآن از سه گونه یقین سخن گفته شده است:

۱ و ۲. «علم الیقین» و «عین الیقین»: ﴿كَأَلَّوْا تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ﴾^۱.

۳. حق الیقین: ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ﴾^۲.

مثال زیر می تواند تفاوت اقسام سه گانه یقین را روشن سازد:

وقتی انسان به وجود آتش یقین داشته باشد، این یقین می تواند به سه صورت ایجاد شود:

الف) از طریق دودی که مشاهده می کند، یقین دارد که آتشی روشن است، اگرچه آتش را نمی بیند (علم الیقین).

ب) به وجود آتش یقین دارد؛ چون آن را می بیند (عین الیقین).

ج) به وجود آتش یقین دارد؛ چون در آتش افتاده و در حال سوختن است (حق الیقین).

۱. التکاثیر: ۵ و ۶ و ۷.

۲. الواقعة: ۹۵.

از میان سه گونه یاد شده، برترین درجه یقین که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، مرحله حق‌الیقین است.^۱

براساس آیات قرآن، یقین به آخرت «نشانه پرهیزکاران»^۲، «نشانه اهل ایمان»^۳، «نشانه نیکوکاران»^۴ و از ویژگی‌های رهبران الهی است.^۵ هم‌چنین در یکی از آیات، هدف از عبادت، رسیدن به مقام یقین دانسته شده و خداوند می‌فرماید: ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾.^۶

یقین در روایات: رسول‌خدا ﷺ درباره ارزش یقین فرمود: «بهترین چیزی که در قلب نهاده‌اند، یقین است».^۷

امام علی علیه السلام، یقین را بهترین عبادت دانسته و «کوتاهی آرزو»، «اخلاص در عمل» و «بی‌رغبتی به دنیا» را از نشانه‌های آن می‌داند.^۸

امام صادق علیه السلام درباره همراه بودن عمل با یقین فرمود: «عمل پیوسته اندک مبتنی بر یقین، نزد خداوند، برتر از عمل بسیار است که بدون یقین انجام شود».^۹ و نیز فرمود: «از نشانه‌های صحت یقین انسان مسلمان آن است که برای خشنود نمودن مردم، خداوند را به خشم نیاورد ...».^{۱۰}

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۴.

۲. البقرة: ۲ - ۴.

۳. النمل: ۲ - ۳.

۴. لقمان: ۱ - ۴.

۵. السجدة: ۲۴.

۶. الحجر: ۹۹.

۷. نهج الفصاحة، ص ۴۷۴، ح ۱۵۳۰ - بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۷۳، ح ۲۵.

۸. رک: غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۵۹۲ - ۱۵۹۹.

۹. الکافی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۳.

۱۰. همان، ح ۲.

- رسول خدا ﷺ درباره نشانه‌های اهل یقین فرمود: «علامت اهل یقین شش چیز است:
۱. یقین داشته باشد که خداوند حق است، پس به او ایمان آورده باشد.
 ۲. یقین داشته باشد که مرگ حق است، پس از آن بر حذر باشد.
 ۳. یقین داشته باشد که برانگیخته شدن در قیامت حق است، پس از رسوایی آن بترسد.
 ۴. یقین داشته باشد که بهشت حق است، پس به سوی آن شوق داشته باشد.
 ۵. یقین داشته باشد که آتش حق است، پس برای نجات از آن بکوشد.
 ۶. یقین داشته باشد که حساب حق است، پس نفس خویش را مورد محاسبه قرار دهد.^۱

در میان روایات، تعبیر زیر را درباره یقین می‌بینیم:

«بهترین چیز در قلب»، «ثروت کفایت کننده»، «پیروزی»، «وسیله‌ای برای رسیدن به اوج واقعیت»، «رأس دین»، «برترین دین»، «ستون ایمان»، «همه ایمان»، «برتر از ایمان»، «تمام شدن عبادت با یقین»، «برترین عبادت».

۱-۴. رسیدن به نیکوترین نیت‌ها

نیت، قصد، تصمیم، الفاظی هستند که تقریباً برای یک معنا به کار رفته و با هم مترادفند. وقتی نفس انسان، نسبت به چیزی که موافق مطلوب او بوده و می‌تواند مقصود او باشد، برانگیخته شده و به سوی آن توجه پیدا کند، نیت تحقق یافته است.

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۲۰.

تأثیر نیت بر عمل: به دلیل روشن نبودن نیت و انگیزه اشخاص در روابط اجتماعی، ارزیابی هر عملی به لحاظ چگونگی انجام آن عمل صورت می‌گیرد؛ زیرا نیت، امری معنوی و درونی است و کسی از نیت دیگران آگاهی ندارد. بر این اساس، اگر عمل، دارای شکلی پسندیده بوده و به درستی انجام گرفته باشد (حُسن فعلی)، مطلوب بوده و در غیر این صورت پذیرفته نمی‌شود. اما در ارزش گذاری رفتارهای انسان به لحاظ دینی و الهی، نیت و انگیزه، نقش اساسی و محوری را در پذیرش عمل ایفا می‌کنند. معنای این سخن آن است که عمل ارزشمند به نیت نیکو نیاز دارد و نیت قبیح و ناپسند به عمل نیز سرایت کرده و آن را بی‌ارزش می‌کند، هر چند که ممکن است عمل، ظاهری زیبا داشته باشد.

مطلب دیگر آن‌که در روابط دنیوی، اگر انسان نیت نیکو داشته باشد ولی به انجام عمل مطابق با آن نیت موفق نشود، چیزی دریافت نمی‌کند اما از نظرگاه اسلامی، همین که انسان، نیت نیکو داشته باشد، پاداش گرفته و کمالی برای او به شمار می‌رود، هر چند به انجام عمل، موفق نشده باشد.

نیت نیکو چه نیتی است؟ با توجه به آیات و روایات، نیت نیکو، نیتی است که تأمین رضایت الهی در آن مورد توجه قرار گرفته باشد؛ توضیح این‌که هر عملی به یکی از سه نیت زیر می‌تواند از انسان صادر شود:

۱. فقط برای تأمین رضایت خداوند انجام گیرد.
۲. فقط برای تأمین رضایت غیر خداوند انجام شود.
۳. به‌طور مستقیم، هم تأمین رضایت الهی و هم تأمین رضایت غیر خداوند مدّ نظر باشد.

از نظر اخلاق دینی، فقط قسم اول دارای ارزش بوده و به وصف «نیکو» متّصف می‌شود. روشن است که چنین نیتی در راستای دستورات

و خواسته‌های خداوند متعال از انسان است.

امام سجاده علیه السلام می‌فرمود: «دوست ندارم خدا را برای اهداف خویش و رسیدن به ثواب او عبادت کنم ... و دوست ندارم که او را برای ترس از عقاب و کیفر عبادت کنم ... عرضه داشتند: پس هدف شما از عبادت خداوند چیست؟ فرمود: به خاطر نعمت‌هایی که به من داده است، سزاوار پرستش و عبادت است».^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین عمل، نیت صادق است».^۲

امام علی علیه السلام فرمود: «چه بسا نیتی که از عمل، سودمندتر است».^۳

و نیز فرمود: «نیت نیکو، سبب رسیدن به آرمان و آرزوست».^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم در روز قیامت براساس نیت‌های خود محشور می‌شوند».^۵

براساس روایات، نیت نیکو موجب افزایش روزی^۶ و نیت فاسد موجب برداشته شدن برکت است.^۷

۱-۵. رسیدن به نیکوترین اعمال

الف) عمل از دیدگاه قرآن: «عمل صالح» و نقش آن در رسیدن به سعادت و کمال، از معارف قرآنی است. در این نگاه، عمل برای تکمیل

۱. همان، ج ۶۷، ص ۱۹۸.

۲. نهج الفصاحة، ص ۲۳۲، ح ۴۱۱.

۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۵۰۱، ح ۵۲۹۷.

۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۹۲، ح ۱۵۹۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۰۹، ح ۲۹.

۶. الکافی، ج ۸، ص ۲۱۹، ح ۲۶۹.

۷. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۵۰۱، ح ۶۲۲۸.

ایمان لازم است. در آیات قرآن، تعبیر مختلفی را درباره «عمل» مشاهده می‌کنیم، از قبیل: «دعوت به عمل شایسته»^۱، «از بین نرفتن عمل شایسته»^۲، «مسئولیت انسان در برابر عمل»^۳، «پاداش عمل شایسته»^۴، «صعود و سقوط در قیامت در پرتو عمل»^۵ و ... در یکی از آیات می‌خوانیم: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾^۶. خداوند متعال در چهار آیه از آیات قرآن کریم، تعبیر «أَحْسَنَ عَمَلًا» را به کار برده است. در سه آیه از این آیات، از آزمایش انسان سخن گفته شده است؛ آزمایشی که می‌خواهد روشن سازد چه کسانی نیکوکارترند.^۷ خداوند در چهارمین آیه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾^۸.

ب) عمل در روایات: ارزش و اهمیت عمل در رشد و تعالی انسان تا اندازه‌ای است که در کلمات معصومین علیهم‌السلام به آن توجه داده شده و ویژگی‌هایی که در عمل باید مورد توجه قرار گیرد، بیان شده است. در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. المؤمنون: ۵۱.

۲. الأنبياء: ۹۴.

۳. النحل: ۹۳.

۴. همان: ۹۷.

۵. الأنعام: ۱۳۲.

۶. النجم: ۳۹ و ۴۰. «برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد».

۷. هود: ۷؛ الکهف: ۷؛ الملک: ۲.

۸. الکهف: ۳۰. «مسلمانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد».

امام علی علیه السلام فرمود: «انسان را چیزی جز عمل همراهی نمی‌کند».^۱
 امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ‌کس به آن‌چه نزد خداوند برایش فراهم شده نایل نمی‌گردد، مگر با عمل».^۲
 و نیز فرمود: «هیچ چیزی نزد خداوند از عملی که بر آن مداومت شود، محبوب‌تر نیست، اگرچه اندک باشد».^۳
 امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه: ﴿لِيُثَبِّتُكُمْ فِيكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ فرمود: «منظور، زیادی عمل نیست بلکه درست‌تر انجام دادن عمل، مقصود است؛ و درستی عمل با ترس از خدا و نیت صادق و نیکو تحقق می‌پذیرد».^۴
 ویژگی‌های دیگری را که روایات اسلامی، درباره «عمل» مورد توجه قرار داده‌اند، عبارتند از: «ضرورت عمل»، «مداومت بر عمل»، «تلاش در عمل»، «ابقای در عمل»، «دعوت به عمل»، «بهره‌وری از عمل بعد از مرگ»، «پرهیز از اعمال زیان‌آور»، «عدم اعتماد به عمل جز به فضل خدا»، «اتقان در عمل».^۵

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۰۴۰، ح ۹۹۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳، ح ۲۱۹.

۳. همان، ص ۹۴، ح ۲۲۲.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴.

۵. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۸۶.

فراز دوم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي: پروردگارا! به لطف خود، نیتِ [نیکو] را در من
افزون نموده و کامل گردان
وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي: و یقینم را [درباره متعلقات ایمان،] مطابق با
آنچه در علم تو محفوظ است، تصحیح فرما
وَأَسْطَلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي: و به واسطه قدرت خود، رفتارهایی را
که از ناحیه من دچار فساد و تباهی شده‌اند، اصلاح فرما.

۲-۱. افزونی و فراوانی نیت

در یکی از جملات فراز اول (۱-۴)، درباره نیت سخن گفته شد.
خواسته امام سجاد علیه السلام در آن جمله این بود که نیتش به بهترین و
نیکوترین نیت منتهی شود. ویژگی نیت نیکو آن است که در راستای
تأمین و جلب رضایت خداوند بوده و اهداف غیر الهی با آن همراه
نشود. چنین نیتی، خواه به عمل منتهی شود و یا توفیق انجام عمل
فراهم نگردد، موجب خشنودی خداوند بوده و اجر و پاداش را به
دنبال دارد.

درباره معنای اولین جمله فراز دوم، دو گونه می توان سخن گفت:

۱. مقصود امام علیه السلام، افزایش نیت به لحاظ کمی است؛ به این معنا که با استمداد از خداوند، نیت های نیکو و پسندیده، بیش از پیش افزایش یابد؛ زیرا چنین نیت هایی، مورد رضایت خداوند است.
۲. مقصود امام علیه السلام، افزایش نیت به لحاظ کیفی است؛ یعنی نیت ها از جهت رنگ و بوی الهی داشتن، کامل و خالص بوده و هیچ نقصی نداشته باشند.

با توجه به دو معنای یاد شده، به نظر می رسد که معنای اول، ترجیح داشته باشد؛ زیرا چنان که قبلاً گفته شد نیتی ارزشمند است که فقط برای جلب رضایت الهی بوده و خالص باشد و امام علیه السلام نیز خواستار افزایش این گونه نیت ها است.

۲-۲. تصحیح یقین

دومین درخواست این فراز، تصحیح یقین است. در دومین جمله از فراز اول (۱-۳)، درباره یقین و ارزش آن در رشد و تعالی ایمان و متعلقات آن سخن گفتیم. با این حال، در برخی موارد ممکن است یقین انسان درباره متعلقات ایمان، یقین سالم و صحیح نبوده و با پیروی از امیال و هواهای نفسانی و یا القائنات شیطانی به وجود آمده باشد. چنین یقینی، از سنخ معرفت و شناخت نبوده و در واقع، جهل مرکب است.^۱ با این که انسان، در ظاهر، نسبت به موضوع مورد نظر خویش یقین دارد اما بدون این که بداند در جهل و نادانی قرار گرفته

۱. مقصود از جهل مرکب آن است که انسان از چیزی آگاهی نداشته باشد و از آگاه نبودن خویش نیز اطلاع نداشته باشد.

است و این یقین نمی‌تواند ایمان حقیقی را برای او به دنبال داشته باشد. از این رو، امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد که یقینش را تصحیح فرماید تا با در اختیار داشتن یقین شایسته و مطابق با واقع، از ایمان حقیقی برخوردار شود. ویژگی چنین یقینی را می‌توان در کلام امام علی علیه السلام جست‌وجو نمود، آن‌جا که فرمود: «اگر تمام پرده‌ها از برابر دیدگانم کنار بروند، بر یقینم افزوده نمی‌شود»^۱. چنین نگاهی، حاکی از صحت یقین است.

۲-۳. اصلاح رفتارهای فاسد

سومین درخواست امام سجاد علیه السلام، اصلاح رفتارها و گفتارهایی است که از مسیر صحیح خود منحرف گشته و نتیجه‌ای جز ضرر برای انسان ندارند. توضیح این‌که هر رفتاری که انسان انجام می‌دهد و هر گفتاری که از او صادر می‌شود از منظر الهی، یا شایسته و در مسیر هدایت بوده و مقبول است و یا ناشایسته و مردود. در این میان، آنچه برای انسان، کمال محسوب شده و در رسیدن به سعادت نقش دارد، رفتار و گفتار شایسته است که فلسفه وجودی پیامبران، کتاب‌های آسمانی، امامان علیهم السلام و به‌طور کلی، مجموعه تعالیم دینی، در راستای تحقق چنین رفتارهایی بوده است. با این حال، عواملی هم‌چون اراده و اختیار، فطرت و غریزه، قوای غضبانی و شهوانی، هم‌نشین بد، القائنات شیطانی و ... گاه موجب صدور رفتار ناشایست شده و فساد و تباهی را برای انسان به ارمغان می‌آورند.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹.

باید توجه داشت که درخواست اصلاح رفتارها و گفتارها از خداوند به این معنا نیست که انسان هیچ نقشی در اصلاح آنها ندارد بلکه نقش اصلی را انسان بازی کرده و خداوند نیز با قدرت نامتناهی خویش، آثار زیان‌بار آن را از بین برده و به آثار نیکو تبدیل می‌کند. درباره نقش انسان در اصلاح رفتارها به دو آیه توجه می‌کنیم:

۱. ﴿فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱.

۲. ﴿فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲.
خداوند، در باره پوشاندن گناهان انسان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ﴾^۳.

در این آیه، از پوشاندن گناهان و مغفرت خداوند سخن گفته شده است اما مشروط به شرطی است که باید انسان آن را محقق سازد و آن شرط، پیش گرفتن تقوا و پرهیزکاری است.

امام علی علیه السلام، «توجه به خداوند» را موجب اصلاح مفاسد دانسته و

۱. المائدة: ۳۹. «اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد (و از این مجازات معاف می‌شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است».

۲. الأنعام: ۴۸. «آنها که ایمان بیاورند و (خوشتن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند».

۳. الأنفال: ۲۹. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد».

می‌فرماید: «اگر مردم به هنگام نزول بلاها و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت در پیشگاه خدا زاری کنند و با قلب‌های پراز محبت، از خداوند درخواست عفو نمایند، آنچه از دستشان رفته باز خواهد گشت و هرگونه فسادی اصلاح خواهد شد».^۱

۱. نهج البلاغه، ص ۲۴۳، خطبه ۱۷۸.

فراز سوم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
دروود فرست

وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ: و نسبت به کاری که پرداختن به آن مرا
به خود مشغول می‌سازد [و از عبادت باز می‌دارد،] بی‌نیازم گردان
وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ: و به کاری که فردای قیامت، درباره
آن از من پرسش خواهی نمود، به کارم گیر

وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ: و روزهای زندگی‌ام را به‌طور کامل در
اموری صرف نما که مرا برای آنها آفریده‌ای

وَ اغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ: و مرا بی‌نیاز نموده و روزیِ خود را
بر من وسعت بخش

وَ لَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ: و با نگریستن [به آن‌چه در دست مردم است] مرا
مورد آزمایش قرار مده

وَ اعِزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبَرِ: و عزیز و سربلندم نما و به تکبر و غرور
مبتلایم نساز

وَعَبَّدَنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ: و مرا بنده خود ساز و عبادتم را با عُجْبِ باطل مکن
وَأَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنِّ: و نیکی و احسان به مردم را بر دستانم جاری ساز و آن را با مَنِّ نهدان بر آنها باطل و تباه مگردان
وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ: و اخلاق والا و رفیع را به من عطا فرما
وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ: و مرا از فخر فروشی حفظ نما

۳-۱. بی‌نیاز شدن در کارها

نیروی اراده و اختیار موجب شده است تا هر انسانی با توجه به آموزه‌ها، تمایلات و علایق خویش راهی را برگزیند و برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود تلاش کند. انسان‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:
۱. کسانی که تمام توجه خود را به امور مادی و دنیایی منحصر نموده و برای رسیدن به اهداف مادی خویش کوشش می‌کنند و چه‌بسا توفیقات بزرگی را نیز به دست می‌آورند.
۲. کسانی که به این جهان به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به سعادت اصیل اخروی نگریسته و هر تلاشی که می‌کنند در مسیر تحقق خواسته‌های الهی است.

از نگاه دین، تلاش گروه دوم از ارزش والایی برخوردار بوده و مطلوب خداوند متعال است. با این حال، رفع برخی نیازها که برای زندگی در دنیا لازم است، موجب می‌شود که مقداری از وقت خویش را در برآوردن آن نیازها صرف نمایند. گاهی اتفاق می‌افتد که شرایط زندگی به گونه‌ای است که بیشتر وقت انسان در این گونه امور مصرف می‌شود درحالی‌که امور مهم‌تری نیز وجود دارد که انسان باید به دنبال

تحقق آنها باشد. در چنین وضعیتی، انسان به کسی نیاز دارد که او را در این گونه امور کفایت نموده و نیازهای دنیوی او را برطرف سازد تا زمینه لازم برای پرداختن به امور مهم تر فراهم شود و آن کسی نیست جز خداوند متعال. از این رو، امام سجاده علیه السلام کفایت امور خویش را از خداوند طلب نموده و خواهان آن است که مشغول شدن به این امور موجب نشود که از ادای حق خداوند و برپاداشتن اوامر او باز ماند.

آیاتی در قرآن وجود دارد که نشان می دهد خداوند برای برآوردن خواسته های انسان های مؤمن کافی است. برخی از آنها عبارتند از:

۱. ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾^۱.
۲. ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا﴾^۲.
۳. ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾^۳.
۴. ﴿كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾^۴. این جمله پنج بار در قرآن به کار رفته است که سه بار آن به صورت ﴿وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ می باشد.

۳-۲. عمل به امور مورد پرسش در قیامت

فلسفه وجودی معاد آن است که انسان با رعایت حقوق الهی و حقوق مردم، از حد و مرزی که برای او مشخص شده است، پا را فراتر ننهد و معلوم شود چه کسی نیکوکارتر بوده است تا پاداش گرفته و در جوار

۱. النساء: ۴۵. «کافی است که خدا ولی شما باشد و کافی است که خدا یاور شما باشد».

۲. الإسراء: ۶۵. «(اما بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار نمی شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد».

۳. الزمر: ۳۶. «آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟!».

۴. النساء: ۸۱ و ۱۳۲ و ۱۷۱؛ الأحزاب: ۳ و ۴۸. «همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است».

رحمت الهی قرار گیرد و چه کسی بدکار بوده است تا به کیفر برسد. بدین منظور، محکمه‌ای الهی در نظر گرفته شده است تا همگان در آن محکمه حاضر شده و مورد بازخواست قرار گیرند. در این محکمه، همانند سایر محکمه‌ها، از امور مشخصی پرسش خواهد شد که به رفتارها و گفتارهای اختیاری انسان مربوط بوده و انجام برخی از آنها واجب و انجام برخی از آنها حرام بوده است. در چنین شرایطی، انسان عاقل باید تلاش و کوشش خود را در دنیا به گونه‌ای سامان دهد که برای آن پرسش‌ها پاسخی صحیح و در خور پاداش داشته باشد. چرخش‌های مختلف زندگی گاهی به گونه‌ای رقم می‌خورد که انسان، خواسته و ناخواسته به اموری مشغول می‌شود که یا پاسخی برای آن پرسش‌ها ندارد و یا پاسخی شایسته عذاب آماده کرده است. این جاست که امام سجاده علیه السلام از خداوند، خواهان توفیق برای انجام اموری است که در روز قیامت از آنها پرسش خواهد شد. آیاتی در قرآن وجود دارد که از پرسش شدن انسان در قیامت سخن می‌گویند. آیاتی از قبیل:

۱. ﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۱.
۲. ﴿وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾^۲.
۳. ﴿وَلَنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۳.
۴. ﴿ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۴.

۱. الحجر: ۹۲. «به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد».

۲. الصافات: ۲۴. «آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند».

۳. النحل: ۹۳. «و یقیناً شما از آنچه انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد».

۴. التکاثر: ۸. «پس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد».

اینک، پرسش آن است که امور مورد سؤال در قیامت چه اموری هستند؟ در یک جمله کوتاه می توان تمام خواسته های خداوند متعال را به عنوان اموری دانست که مورد پرسش قرار می گیرند. این امور، در قرآن و روایاتی که از ناحیه معصومین علیهم السلام وارد شده است، بیان گردیده و به طور کلی، در سه حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام شرعی تقسیم می شوند. دسته ای از آنها حقوقی است که انسان در ارتباط با خداوند، در ارتباط با انسان های دیگر (پدر و مادر، همسر، فرزندان، دوستان و ...)، در ارتباط با نعمت های الهی و ... به رعایت آنها دستور داده شده است.^۱ به طور مشخص، جوانی، عمر، ثروت، از امور مورد پرسش هستند.

۳-۳. صرف وقت در عبادت

طبق برخی از آیات قرآن، خداوند از آفرینش موجودات، هدفی داشته و آفرینش آنها بیهوده و عبث نبوده است.^۲ اما این پرسش مطرح است که آن هدف چه بوده است؟ پاسخ این پرسش را می توان در برخی از آیات قرآن یافت نمود. خداوند در یکی از آیات می فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...﴾^۳

۱. برای آگاهی از حقوق به رساله حقوق امام سجاد علیه السلام مراجعه کنید.

۲. در این باره ر.ک: المؤمنون: ۱۱۶؛ ص: ۲۷؛ آل عمران: ۱۹۱؛ الأنبياء: ۱۶؛ الدخان: ۳۸.

۳. هود: ۷. «او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است» - در جای دیگر می فرماید: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (الکهف: ۷). یعنی: ما آن چه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامین آنها بهتر عمل می کنند.

براساس این آیه، هدف از آفرینش جهان هستی، فراهم نمودن زمینه مناسب برای آزمایش انسان معرفی شده است و چنانکه روشن است «آزمایش» پس از «آفرینش» معنا دارد بنابراین، هدف از آفرینش جهان هستی، آفرینش انسان بوده است.

اینک باید پرسید: هدف از خلقت انسان چه بوده است؟

با توجه به آیه پیشین، پاسخ این پرسش روشن است و آن این‌که هدف از آفرینش انسان آن است که با اراده و اختیاری که در او قرار داده شده است، مورد آزمایش قرار گرفته و افراد نیکوکار از افراد بدکار تمیز داده شده به گونه‌ای که گروه اول شایستگی دریافت رحمت الهی و گروه دوم مستحق عذاب و کیفر گردند.

و آخرین پرسش این‌که: انسان چگونه می‌تواند خود را به این هدف الهی برساند؟

پاسخ این پرسش نیز در قرآن آمده است. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱. در جایی دیگر، این خواسته را به‌طور صریح از انسان طلب نموده و می‌فرماید: ﴿وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۲.

با توجه به این آیات، هدف خداوند از خلقت انسان، رسیدن او به سعادت و کمال ابدی اخروی است. رسیدن به چنین جایگاهی فقط یک راه دارد و آن عبادت و بندگی خداوند متعال و اطاعت از دستورات او است. بنابراین، انسان باید در زندگی به اموری خود را مشغول نماید که مصداقی از مصادیق عبادت و اطاعت خداوند به شمار می‌روند.

۱. آل عمران: ۵۶. «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای این‌که عبادتم کنند».

۲. یس: ۶۱. «و این‌که مرا بپرستید که راه مستقیم این است».

ماده «ع ب د» ۲۷۵ بار و در ۵۷ سوره و ۲۵۱ آیه از قرآن به کار رفته است. خداوند در این آیات، همگان را بنده خویش دانسته^۱ و به عبادت خود^۲ و نهی از عبادت غیر خود^۳ دستور داده و عاقبت بدی را برای کسانی که تکبر ورزیده و او را نمی پرستند، وعده کرده^۴ و از همگان، عبادت و توکل بر خویش را خواستار شده است.^۵ در قرآن، تعبیری هم چون: ﴿وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾، ﴿وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾، ﴿إِنَّهُ كَانَ بَعْبَادَهُ خَيْرًا بَصِيرًا﴾ و ... درباره عباد و بندگان خداوند به کار رفته است.

در روایات اسلامی، آثاری هم چون «برخورداری از نعمت های جاوید»، «بی نیازی دل» و «پُرشدن دست از رزق» برای اهل عبادت بیان شده است. پیامدهای دیگر عبادت عبارتند از: «عزت و سربلندی و کرامت»، «رشد و کمال معنوی»، «رساندن انسان به درجات رفیع تقوا»، «حفظ نمودن انسان از عذاب»، «رساندن او به نعمت های بهشتی»، «تأمین رضایت الهی»، «قُرب الهی»، «آمزش گناهان و معاصی».

رسول خدا ﷺ می فرماید: «برترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد، پس آن را در آغوش کشد و با قلبش نسبت به آن مهر و محبت بورزد و با جسم و جسدش با آن برخورد نماید و خود را برای آن از همه چیز خالی کند. چنین کسی نباید نسبت به دنیا باکی داشته باشد که با سختی با آن روبه روست یا به آسانی».^۶

۱. مریم: ۹۳.

۲. البقرة: ۲۱؛ آل عمران: ۵۱.

۳. غافر: ۶۶.

۴. النساء: ۱۷۲.

۵. هود: ۱۲۳.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۸۳ ح ۳.

۳-۴. بی‌نیاز شدن و فزونی رزق^۱

هیچ انسانی نیست که از بی‌نیازی فرار کرده و به دنبال فقر باشد. تردیدی وجود ندارد که زندگی در دنیا و استفاده از نعمت‌های الهی خواهان آن است که انسان توانایی لازم را برای دسترسی به آنها فراهم نماید. اساساً انگیزه انسان برای کار و تلاش این است که با به دست آوردن مال و دارایی، نیازهای خود و خانواده‌اش را برطرف ساخته و محتاج دیگران نباشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۲.

کلمه «رزق» و مشتقات آن ۱۲۳ بار در قرآن به‌کار رفته است. در آیات قرآن، تعبیرات مختلفی درباره رزق انسان آمده است که از باب نمونه تعدادی از آنها را یادآور می‌شویم:

۱. خداوند، رازق انسان است: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ﴾^۳ و دیگران قدرت تأمین رزق او را ندارند: ﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رَزْقَهُ﴾^۴.
۲. وسعت و تنگی رزق به دست خداوند است: ﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ﴾^۵.
۳. پیامد پرهیزکاری، رزق بی‌گمان است: ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۶.

۱. رک: فراز ۲۳-۲.

۲. فاطر: ۱۵. «ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است».

۳. الروم: ۴۰.

۴. الملک: ۲۱.

۵. الرعد: ۲۶.

۶. الطلاق: ۳.

و ...

- برخی از عوامل توسعه رزق که در روایات بیان شده است از این قرارند:
۱. نیکی به خانواده: امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به خانواده اش نیکی و احسان کند، رزقش زیاد می شود»^۱.
 ۲. صدقه: امام علی علیه السلام فرمود: «روزی را با صدقه دادن فرود آورید»^۲.
 - در مقابل، «گناه» و «نیت گناه» از اموری است که محرومیت را در پی دارد.^۳

۳-۵. چشم پوشی از اموال دیگران

انسان در روابط اجتماعی با افراد مختلفی سروکار دارد. برخی از آنها فقیر بوده و با سختی زندگی را می گذرانند. برخی دیگر، بی نیاز بوده و محتاج دیگران نیستند. وضع این گونه افراد نیز به یکسان نیست. بعضی از آنها از نظر مال و ثروت، یا از نظر شهرت، یا از نظر مقامات دنیوی در حدّ بالایی بوده و سر و گردنی با دیگران فاصله دارند. در این میان، علاقه ذاتی و فطری انسان به مال و دارایی، گاه موجب می شود که در برخورد با افراد متمول، مشهور و ... حالت خاصی به خود گرفته و عکس العملی از خود نشان دهد که به عنوان مانعی در رسیدن به سعادت و پیمودن درجات اخلاقی بوده و به صورت صفات ناپسندی هم چون حسادت، طمع، حرص و ... جلوه می کند که این اخلاق و گناهان ناپسند، منشأ و زمینه ای برای گناهان دیگر شده و اگر انسان به خود نیاید چیزی جز خسران و هلاکت و عذاب دستگیر او نخواهد شد.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴.

۲. نهج البلاغه، ص ۴۶۹، حکمت ۱۳۷.

۳. رک: فراز: ۲-۲۳.

انسان نباید دارایی خویش را با دارایی‌های دیگران مقایسه کند بلکه باید دارایی خویش را با هدف خویش، تلاش خویش و شایستگی خویش مقایسه نماید. چشم‌داشت به اموال دیگران وقتی اتفاق می‌کند که انسان به غلط دچار مقایسه می‌شود. توضیح این که گاهی هدفی را که انسان برای آن تلاش می‌کند به گونه‌ای است که ارزش مالی ندارد اما ارزش دینی و معنوی آن به اندازه‌ای بس والاست و این‌جا جای مقایسه نیست. گاهی تلاش فرد به اندازه‌ای است که او را به حد مطلوبی از ثروت نمی‌رساند و باز جای مقایسه نیست.

اگر انسان به جایی برسد که «قناعت ورزی» را در خود تقویت نموده و به آن‌چه خداوند به او ارزانی داشته، قانع شود جایی برای چشم‌داشت به دارایی‌های دیگران وجود نداشته و در گودال انواع گناهان و صفات ناپسند نخواهد افتاد. یکی از بدترین آثار چشم‌داشت به وضعیت مالی و شغلی دیگران آن است که انسان با قرار گرفتن در چنین موقعیتی، زبان به اعتراض گشوده و خواسته و ناخواسته خداوند متعال را مورد عتاب قرار می‌دهد.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْثَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که آیه ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا...﴾ نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست، سپس فرمود: کسی که

۱. طه: ۱۳۱. «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میافکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است».

تسلیت و توصیه خداوند را گوش ندهد با حسرت و اندوه از دنیا جدا خواهد شد و کسی که به مال و ثروتی که در دست مردم است، چشم بدوزد همیشه اندوهناک و در حال خشم و ناراحتی خواهد بود ...»^۱.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: «به هرکس سه چیز روزی شود، به سه چیز رسیده است و آن سه چیز، بی‌نیازی بزرگ‌تر است: ۱. قناعت به آنچه به او عطا شده است. ۲. یأس و دل بردن از آنچه در دست مردم است. ۳. رها کردن چیزهای زائد»^۲.

۳-۶. عزّت و سربلندی بدون تکبر

انسان دارای فطرت کمال جو بوده و همواره به دنبال آن است که کمالات انسانی را به دست آورد. یکی از کمالات انسانی، عزّت و سربلندی در مقابل ذلّت، حقارت و پستی است. ارزش این مفهوم کمالی تا آنجاست که خداوند آن را برای خود اثبات نموده و می‌فرماید: ﴿فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۳.

فهم و درک انسان‌ها از «عزّت» متفاوت است و این اختلاف به نوع نگاه آنها به امور عزّت بخش مربوط می‌شود. برخی فقط به دنیا و عناصر مادی آن توجه نموده و عزّت خویش را در همین امور می‌بینند. اما عزّت در نگاه دینی، تفسیری متمایز داشته و عناصری که انسان را عزّت‌مند می‌کنند، متفاوتند. در نگاه دینی، «ایمان و عمل صالح»، «آراسته شدن به فضایل اخلاقی»، «دور شدن از رذایل اخلاقی» موجب عزّت انسان شده و

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۱۷، ح ۲۵.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۲۳۱.

۳. النساء: ۱۳۹. (همه عزّت‌ها از آن خداست). و نیز رک: یونس: ۶۵؛ فاطر: ۱۰؛

المنافقون: ۸

هر رفتار دیگری، ذلّت و حقارت را برای او به دنبال دارد. خداوند متعال که برای هدایت انسان از چیزی فروگذار نکرده و ابزارهای متعددی را در اختیار او نهاده است، در کتاب هدایت خویش، راه به دست آوردن عزّت را این گونه معرفی می‌کند:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ﴾^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن‌که در برابر حضرت حق بندگی نکند، عزّت ندارد و هر کس نسبت به وجود مقدّس خداوند و دستورات سعادت‌بخش او تواضع ننماید، بلندی و سرفرازی برای او نیست»^۲.

مطلب قابل توجه این است که وقتی انسان به عزّت ظاهری دنیایی که در واقع عزّت نیستند، دست یابد و یا با بندگی و اجرای دستورهای الهی به عزّت حقیقی از جانب خداوند متعال رسیده و در میان مردم، عزیز و سربلند شود، به خاطر دستیابی به این حالت ممکن است احساس تفوّق و برتری کند که این حالت، «کبر» نام داشته و از صفات ناپسند اخلاقی بوده و عذاب الهی را در عالم آخرت به دنبال دارد. اموری هم چون علم، عمل، عبادت، اصل و نسب، جمال، قدرت، ثروت، دوستان و ... را می‌توان از عوامل تکبّر نمودن برشمرد.

۱. فاطر: ۱۰. «کسی که خواهان عزّت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزّت برای خداست سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می‌شود (و به جایی نمی‌رسد)».

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۴۳، ح ۳۳۷.

خداوند، درباره متکبران می فرماید: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾^۱

و نیز می فرماید: ﴿فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا قُلُوبُكُم مَّثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾^۲

پیامبر ﷺ فرمود: «از تکبر پرهیزید؛ زیرا بنده همین که به تکبر خو گرفت، خداوند متعال می گوید: این بنده ام را در شمار زورگویان بنویسد»^۳
امام علی علیه السلام فرمود: «از تکبر دوری نما؛ زیرا سر منشأ طغیان و نافرمانی پروردگار مهربان است»^۴

در روایات اسلامی، آثاری از قبیل: «ظهور رذایل نفسانی»، «بدترین آفت عقل»، «دوست نیافتن»، «اساس نابودی»، «ذلت و خواری»، «از دست دادن شرافت»، «از بزرگ ترین گناهان و پست ترین عیوب»، «لباس ابلیس»، «وارد نشدن در بهشت» برای تکبر نمودن بیان شده است.^۵

۳-۷. عبادت بدون عجب

چنان که پیش از این گفته شد، هدف از خلقت انسان، عبادت است و همین حقیقت است که انسان را به فوز، فلاح، صلاح، رستگاری و سعادت ابدی اخروی می رساند.^۶

۱. الأعراف: ۱۴۶. «به زودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبر می ورزند، از

(ایمان به) آیات خود، منحرف می سازم».

۲. النحل: ۲۹. «اکنون از درهای جهنم وارد شوید درحالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران!».

۳. نهج الفصاحة، ص ۱۶۶، ح ۶۰.

۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۲۳۴، ح ۲۶۰۹.

۵. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲۵.

۶. ر.ک: فراز ۳ - ۳.

نکته‌ای که همواره باید دربارهٔ عبادت مورد توجه قرار گیرد، این است که عبادت ارزشمند عبادتی است که با گناه و معصیت خداوند همراه نشود. یکی از گناهان بزرگ که موجب می‌شود عبادت، هیچ فایده‌ای برای انسان نداشته باشد، عجب (خودخواهی و خودپسندی) در عبادت است. عجب در عبادت به این معناست که انسان، عبادت و بندگی خویش را عالی و کامل دانسته و بپندارد آنچه را که خداوند از او خواسته است، به‌جا آورده و از هیچ چیزی فروگذار نکرده و بندگی خویش را به اتمام رسانده است. در نگاه دینی، چنین حالتی موجب فساد و بطلان عبادت شده و زاد و توشه‌ای را برای انسان فراهم نخواهد نمود. براساس روایات، عجب موجب هلاکت انسان خواهد شد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز هلاک‌کننده است: ۱. حرصی که از آن اطاعت شود. ۲. هوای نفسی که از آن پیروی گردد. ۳. راضی بودن انسان از خویش (عجب) که عمل را از بین می‌برد و سبب خشم خدای سبحان می‌گردد».^۱

در حدیثی دیگر، آن حضرت فرمود: «بنده‌ای نیست که نسبت به حسناش دچار عجب شود، مگر این‌که به هلاکت برسد».^۲

امام علی علیه السلام، «ظاهر شدن بدی‌ها و عیب‌ها»، «شدت دشمنی»، «مسخره شدن»، «خوار شدن»، «گمراه شدن»، «فاسد شدن عقل» و ... را از پیامدهای زیان‌بار عجب می‌شمارد.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۳۲۱، ح ۳۷ - الحیاء، ج ۱، ص ۵۳۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۳۲۱.

۳. ر.ک: غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۱۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که برای هیچ کس، فضیلتی قائل نباشد، دارای عجب است».^۱

۳-۸. احسان به دیگران بدون منت نهادن

احسان و نیکی به مردم، یکی از آموزه‌های دینی در زندگی اجتماعی است. در پنج آیه از آیات قرآن با تعبیر: «اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ مواجه می‌شویم.

در یکی از این آیات می‌خوانیم: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».^۳

این مسئله، به امور مادی منحصر نشده و شامل امور معنوی نیز می‌گردد. نیکی‌های مادی و معنوی، همانند سایر رفتارها، وقتی با اخلاص همراه شوند و با رنگ و بوی خدایی گرفتن، از انگیزه‌های غیر خدایی جدا شوند، به عنوان زاد و توشه برای انسان ذخیره شده و در روز حساب، آثار و نتایج نیکوی اخروی را به دنبال دارند؛ زیرا در نگاه قرآنی، اعمال انسان از بین نرفته و در قیامت مجسم خواهند شد.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: «برآوردن حاجت یک مؤمن، نزد خدا از بیست حجّی که در هر یک از آنها صد هزار (دینار یا درهم) خرج شود، بهتر است».^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۳۱۶، ح ۲۳.

۲. البقرة: ۱۹۵؛ آل عمران: ۱۳۴ و ۱۴۸؛ المائدة: ۱۳ و ۹۳.

۳. آل عمران: ۱۳۴. «همان‌ها که در توانگری و تنگ‌دستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

۴. رک: آل عمران: ۳۰؛ النحل: ۱۱۱؛ الزمر: ۷۰.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۴.

از رسول خدا ﷺ پرسیده شد: چه کسی نزد خدا محبوب‌تر است؟ فرمود: «کسی که برای مردم سودمندتر باشد».^۱

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «بهشت را دروازه‌ای است به نام باب المعروف (دروازه خوبی) که جز اهل احسان و نیکی از آن وارد نمی‌شوند».^۲

نکته‌ای که باید درباره انجام عمل خیر و احسان به دیگران مورد توجه قرار گیرد، آن است که این‌گونه رفتارها هنگامی نزد خداوند دارای ارزش بوده و برای انسان حفظ خواهد شد که با «مَنّت» همراه نشود؛ زیرا مَنّت، اجر معنوی عمل نیک را باطل نموده و آن را فاسد می‌کند. خداوند در قرآن به این مسئله مهم توجه داده و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنّت نهادن، کار نیک انسان را نابود می‌کند».^۴

۱. همان، ص ۱۶۴، ح ۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۴۰۸، ح ۳.

۳. البقرة: ۲۶۴. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با مَنّت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) هم چون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشاندن شود) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید)، و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند».

۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۲، ح ۲.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که برای برادر دینی خود کار نیکی انجام دهد، سپس به خاطر انجام آن کار بر او مَنّت گذارد، خداوند عملش را محو و نابود می‌کند و بار سنگین آن عمل را بر دوشش به‌جا می‌گزارد و از عمل نیکش بهره‌ای نمی‌برد».^۱

۳-۹. برخورداری از اخلاق رفیع

از برجسته‌ترین تعالیم اسلامی که اساس رسالت پیامبران الهی نیز بوده است، تهذیب و تزکیه نفس از رذایل اخلاقی و متصف شدن انسان به فضایل اخلاقی است تا جایی که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «من مبعوث شدم تا فضایل اخلاقی را به کمال برسانم».^۲

و نیز فرمود: «خداوند، بخشنده است و بخشش و اخلاق عالی را دوست داشته و اخلاق پست را دوست ندارد».^۳ و این در حالی است که خود آن حضرت از بالاترین درجه اخلاقی برخوردار بود و خداوند در تمجید ایشان می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾.^۴

امام علی علیه السلام فرمود: «مکارم اخلاق را در خود ایجاد کنید که موجب رفعت و سربلندی است و از اخلاق پست بپرهیزید که موجب خوار شدن اشخاص با شخصیت و نابودی شرافت می‌شود».^۵

با این‌که در آیات و روایات، فضایل اخلاقی متعدد بیان شده است اما در برخی از آنها، تعداد مشخصی از اخلاق پسندیده، به عنوان مکارم

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷.

۲. نهج الفصاحه، ص ۳۴۵، ح ۹۴۴.

۳. همان، ص ۲۹۳، ح ۶۹۱.

۴. القلم: ۴. «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری».

۵. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۳، ح ۸۹.

الأخلاق شمرده شده و بر آنها تأکید گردیده است. به عنوان نمونه، به یک روایت توجه می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل، پیامبرانش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، شما خود را بیازمایید، اگر در شما هم بود، خدا را سپاس گویند و بدانید که بودن آنها در شما خیر است و اگر در شما نبود، آنها را از خدا بخواهید و نسبت به آنها رغبت جویند. (سپس آنها را ده چیز شمرد): یقین، قناعت، صبر، شکر، خویشتن داری، خلق نیکو، سخاوت، غیرت، شجاعت، مروت».^۱

۳- ۱۰. دور شدن از فخرفروشی

برخورداری از اخلاق رفیع و والا که در جمله پیشین درخواست شد، گاهی ممکن است موجب شود که انسان نسبت به دیگران فخر فروخته و به داشتن چنین اخلاقی مباهات کند. فخرفروشی و مباهات، از صفات ناپسندیده اخلاقی بوده و به شدت مورد نهی قرار گرفته است. در جایی که شخصیت بزرگی هم چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام از تعابیر هم چون «وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ»^۲ استفاده می‌کند آیا جای دارد که مؤمن در برابر دیگران فخر فروشی کند؟!

خداوند، از زبان لقمان به فرزندش، می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَغِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾.^۳

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۲.

۲. دعای کمیل.

۳. لقمان: ۱۸. «با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد» - و نیز رک: الحديد: ۲۳.

جهل انسان به حقیقت خود یکی از عوامل فخرفروشی است. اگر انسان به حقیقت خویش بنگرد مشاهده خواهد کرد که از خود هیچ استقلالی نداشته و در مقابل خداوند متعال که بی نیاز محض است، او چیزی جز فقر محض نیست. موجودی که در ابتدا نطفه‌ای بیش نبوده و در نهایت نیز مرداری بیش نخواهد بود و در هر دو حالت، همگان از بوی بد او گریزانند. در چنین حالتی، فخر فروشی چه معنایی دارد؟! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «دو چیز مردم را هلاک کرد: ۱. ترس از فقر؛ ۲. در طلب فخرفروشی بودن».^۱

و نیز فرمود: «حماقتی بزرگ‌تر از فخر کردن نیست».^۲ تواضع و فروتنی نسبت به مردم از خواسته‌های خداوند است به طوری که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند متعال به من وحی فرمود که نسبت به هم متواضع و فروتن باشید، تا کسی بر کسی فخر و مباهات نکند و کسی بر کسی ظلم ننماید».^۳

۱. الخصال، ج ۱، ص ۶۹.

۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۱۳۲، ح ۱۰۶۵۵.

۳. نهج الفصاحة، ص ۲۹۰، ح ۶۷۸.

فراز چهارم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا: و مرا در نزد
مردم درجه‌ای بالا مبر، مگر آن‌که به همان اندازه در نزد خودم پایین
آورده باشی

وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذَلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا: و
عزت و سربلندی آشکار [در میان مردم] برایم پدید میاور مگر این‌که به
همان اندازه در نزد خودم ذلت و خواری درونی پدید آورده باشی

سربلندی همراه با تواضع

بالا رفتن درجه و مرتبه مؤمن در میان مردم که موهبتی از جانب خداوند
متعال است، زمینه را برای بروز صفات زشتی مانند تکبر و فخر فروشی
فراهم می‌کند و چنان‌که پیش از این توضیح داده شد یکی از مهم‌ترین
عوامل تکبر و فخر فروشی، جهل انسان نسبت به حقیقت غیر مستقل
خویش است. آن‌گاه که انسان این حقیقت را فراموش کند در ورطه

چنین گناهانی خواهد افتاد. در چنین حالتی، تنها چیزی که می‌تواند موجب نجات انسان شود آن است که خداوند او را از حقیقتش آگاه سازد و این آگاهی وقتی تحقق پیدا می‌کند که انسان در درون خویش به این مطلب توجه یابد که در برابر خداوند بزرگ، هیچ شأنی ندارد. رسیدن به این آگاهی موجب خواهد شد که در مقابل دیگران، به تواضع و فروتنی اهتمام نموده و اهل فخر و تکبر نشود.

واژه «تواضع» در قرآن به کار نرفته است اما الفاظ دیگری که بیانگر معنای تواضع می‌باشند، استعمال شده‌اند. خداوند در توصیف «عباد الرحمن» می‌فرماید:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۱

در آیات قرآن با مصادیق مختلفی از تواضع روبه‌رو می‌شویم: «تواضع در برابر خداوند سبحان»^۲، «تواضع در برابر مؤمنان»^۳، «تواضع در برابر مستمندان»^۴، «تواضع در برابر والدین»^۵، «تواضع در راه رفتن»^۶، «تواضع در سخن گفتن»^۷ و

۱. الفرقان: ۶۳. «بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنائی و بزرگواری می‌گذرند)».

۲. هود: ۲۳.

۳. حجر: ۸۸.

۴. الأنعام: ۵۲.

۵. الإسراء: ۲۴.

۶. الإسراء: ۳۷.

۷. طه: ۴۴.

درباره اهمیت تواضع به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، کسی است که اخلاق او نیکوتر و تواضع وی بیشتر باشد و دورترین افراد نسبت به من در روز قیامت کسی است که اهل تکبر باشد».^۱
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «... فروتنی کنید نسبت به کسی که به او تعلیم می‌دهید و فروتنی نمایید نسبت به کسی که از او علم می‌آموزید...».^۲
- در روایات اسلامی، آثاری از قبیل «سربلندی»، «منظم شدن امور»، «رشد»، «خسته نشدن از طاعت خداوند»، «محبت» و ... برای تواضع بیان شده است.^۳
- باید توجه داشت که در چند مورد نباید تواضع نمود که از میان آنها به یک نمونه بسنده می‌کنیم و آن تواضع در برابر ثروتمندان است. امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که نزد ثروتمندی رفته و به خاطر اموالش در برابر او تواضع کند، دو سوم دین خود را از دست داده است».^۴
- تواضع و فروتنی در برابر مردم وقتی دارای ارزش است که انسان با برخورداری از موقعیت و جایگاه رفیع، متواضع باشد. رسول خدا ﷺ در این باره فرمود: «برترین مردم کسی است که در حالت رفعت و بزرگی فروتنی کند...».^۵
- تواضع و فروتنی برای چنین انسانی نه تنها عیب محسوب نمی‌شود بلکه منزلت او را در نزد مردم بالاتر می‌برد. فراموش نکنیم که این حالت در صورتی دارای ارزش دینی است که به منظور تأمین رضایت الهی باشد نه از روی ریا.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵، ح ۲۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۶، ح ۱.

۳. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲۰.

۴. نهج البلاغه، ص ۴۸۳، حکمت ۲۲۸.

۵. نهج الفصاحة، ص ۲۳۳، ح ۱۱۹.

فراز پنجم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش درود فرست

وَمَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَطَرِيقَةَ حَقٍّ لَا أَزِیغُ عَنْهَا، وَنَبِيَّةَ رُشْدٍ لَا أَشْكُ فِيهَا: و مرا از «هدایتی شایسته» که چیزی را جایگزین آن قرار ندهم، و «راهی حق» که از آن راه [به راه باطل] منحرف نشوم و «نبی محکم و استوار» که در آن شک نکنم، بهره‌مند ساز

وَعَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ: و تا وقتی که عمرم در اطاعت [و عبادت] تو صرف می‌شود، به من عمر ارزانی فرما

فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتَلِي إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكَمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ: بنابراین، هرگاه عمرم چراگاه شیطان گردید، جانم را بگیر پیش از آن‌که خشم [با پیشی گرفتن بر مرگم،] به سوی من آید و یا خشم و غضبت بر من محکم و استوار شود

۵ - ۱. هدایت شایسته

خداوند انسان را آفرید و او را از دوگونه هدایت برخوردار ساخت:

۱. هدایت تکوینی: در این گونه هدایت، انسان را از قوه عقل و نیروی فطرت برخوردار نمود تا بتواند راه صحیح را از راه نادرست تشخیص بدهد. شاید بتوان گفت آیه: ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۱ بیانگر همین نوع از هدایت است.
 ۲. هدایت تشریعی: در این قسم از هدایت، با مبعوث نمودن پیامبران و فرستادن کتاب‌های آسمانی، انسان را هدایت نمود.
- امام کاظم (علیه السلام) به هشام فرمود: «خداوند در بین مردم دو حجت دارد: حجت ظاهری (آشکار) و حجت باطنی (پنهان). رسولان و انبیا و امامان (علیهم السلام)، حجت ظاهری خداوند هستند و عقل، حجت باطنی خداوند می باشد»^۲.

۵ - ۲. استقامت در راه حق

به راه راست هدایت شدن و مسیر صحیح را یافتن، قسمتی از تلاش انسان در زندگی است. مهم‌تر از این، استقامت و پایداری در راه حق و صحیح است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۳

۱. طه: ۵۰. «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده سپس هدایت کرده است».

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

۳. فصلت: ۳۰. به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است».

و نیز می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

امام علی علیه السلام در قسمتی از وصیت خویش به امام حسین علیه السلام فرمود: «چه بسا افرادی که در محیط گناه مقیم بوده اند و کارشان به خوبی پایان یافته و چه بسا اشخاصی که به خوبی و درست کاری روی آورده بودند و در آخر عمر به فساد گراییدند و جهنمی شدند، پناه به خداوند از این گروه»^۲.

۵ - ۳. نیت استوار

در اولین فراز دعای مکارم الأخلاق، درباره نیت و ارزش آن سخن گفتیم (۱ - ۴).

۵ - ۴. تقاضای عمر زیاد برای اطاعت الهی

مدّت زمانی را که انسان در دنیا زندگی می کند، عمر او نامیده می شود. این مدّت، هر قدر هم که زیاد باشد در مقایسه با زندگی جاوید و ابدی انسان در جهان آخرت، اندکی بیش نیست. با این حال، چگونگی زندگی و سپری نمودن عمر در این دنیا، جایگاه انسان را در آخرت رقم می زند. در چندین آیه از آیات قرآن به مسئله عمر اشاره شده است. در یکی از این آیات می خوانیم: ﴿وَهُمْ يَصْطَرِّحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾^۳.

۱. الأحقاف: ۱۳. «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند».

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۴۱.

۳. فاطر: ۳۷. «آنها در دوزخ فریاد می زنند: پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته

براساس این آیه، انسان باید دوران زندگی خویش را در انجام عمل صالح سپری کند و عمل صالح عملی است که در راه اطاعت از دستورات الهی باشد؛ زیرا خداوند از زبان کسانی که در روز قیامت افسوس می‌خورند، چنین می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ﴾^۱

برخی از عوامل زیاد شدن عمر، براساس آنچه در روایات آمده است، چنین است: «با طهارت بودن»، «خوشحال نمودن پدر و مادر»، «نیکی به خانواده»، «حُسن نیت»، «زیارت امام حسین»، «صله رحم»^۲.

برخورداری از عمری که در مسیر اطاعت الهی باشد به اندازه‌ای برای مؤمن با اهمیت است که حضرت زهرا (علیها السلام) در مناجات با خداوند متعال چنین می‌گفت: «بار خدایا! تو را به علم غیبت و تواناییات بر آفرینش، سوگند می‌دهم که مرا تا وقتی می‌دانی زنده بودن برایم بهتر است، زنده بداری و هرگاه مرگ برایم بهتر بود، بمیرانی»^۳.

می‌شود: آیا شما را به اندازه‌ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عمر ندادیم و اندازکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بپشید که برای ظالمان هیچ یاوری نیست».

۱. الزمر: ۵۶. «(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم».

۲. رک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، ص ۳۸۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۲۵، ح ۱.

فراز ششم

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ خَصْلَةَ تَعَابٍ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا: پروردگارا! صفتی را که برایم عیب شمرده می‌شود، در من قرار مده مگر این که آن را اصلاح نموده باشی
وَلَا عَائِبَةً أَوْتُبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتُهَا: و عیبی را که به‌خاطر آن توبیخ و سرزنش می‌شوم، در من باقی مگذار مگر این که آن را نیکو کرده باشی
وَلَا أُكْرِمُهُ فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا: و بزرگواری و کرامتی را در من به‌طور ناقص قرار مده مگر این که آن را کامل نموده باشی

۶- ۱. اصلاح صفات معیوب

یکی از تمایلات فطری انسان، حبّ ذات و علاقه به خویشتن است. این علاقه ذاتی سبب می‌شود که گاه رفتارها و کردارهای معیوب خویش را تشخیص ندهد. وجود چنین رفتارهایی موجب می‌شود که در برخورد با مردم، مورد سرزنش و عیب‌جویی قرار گرفته و ارج و منزلتش پایین بیاید. برخی از راه‌های برون رفت از این وضعیّت عبارتند از:

۱. عنایت و لطف خداوند در آگاه شدن از عیوب: رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: «وقتی خداوند، خیر بنده‌ای را بخواهد، او را در دین دانا می‌کند،

نسبت به دنیا، زاهد و بی‌اعتناش می‌نماید و وی را به عیوبش بینا می‌سازد.^۱

۲. تلاش برای آگاهی از خوبی‌ها و بدی‌ها: انسان با مراجعه به دین و محاسبه رفتارهای لحظه‌به‌لحظه خویش، خوبی‌ها و بدی‌ها را فراگرفته و می‌تواند پیش از آن‌که دیگران او را آگاه سازند، خودش از عیوب خویش آگاه شود.

امام علی علیه السلام فرمود: «جهل و بی‌خبری انسان از عیوب اخلاقی‌اش، در ردیف بزرگ‌ترین گناهان او است».^۲

۳. درخواست از دیگران برای گوش‌زد نمودن عیوب: امام صادق علیه السلام فرمود: «محبوب‌ترین برادر دینی من کسی است که عیوبم را به من هدیه کند».^۳

امام علی علیه السلام فرمود: «باید برگزیده‌ترین مردم در نزد تو کسی باشد که عیبت را به سوی تو هدیه آورده و تو را بر [اصلاح] نفست یاری نماید».^۴

۴. هم‌نشین شایسته: امام رضا علیه السلام فرمود: «... یکی از ساعات زندگی، برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد است؛ کسانی که عیوب شما را به شما بشناسانند...».^۵

امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که عیبت را به تو نشان دهد و پشت‌سر، آبرویت را حفظ کند، در خیرخواهی و یک‌رنگی از هیچ کوششی فروگذار نکرده است».^۶

۱. همان، ج ۷۴، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۴۲۱.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۹، ح ۵.

۴. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۷۸، ح ۷۳۷۳.

۵. بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۱.

۶. تصنیف غررالحکم، ص ۲۲۶، ح ۴۵۹۵.

۶-۲. نیکو شدن مایه‌های سرزنش

یکی از رفتارهای ناشایست، ملامت و سرزنش دیگران است و پیامد زیان‌بار آن این است که خود انسان گرفتار سرزنش دیگران خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که مؤمنی را مورد سرزنش قرار دهد، خداوند او را در دنیا و آخرت به ملامت و سرزنش مبتلا می‌سازد».^۱ و نیز فرمود: «عامل بزرگی که می‌تواند آدمی را از خداوند دورتر کند، آن است که مردی با مرد دیگر طرح برادری ریخته و لغزش‌های او را به ذهن بسپارد تا روزی او را با آن لغزش‌ها مورد ملامت و سرزنش قرار دهد».^۲ و نیز فرمود: «انسانی نیست که مؤمنی را مورد طعن قرار دهد مگر آن که با بدترین مرگ‌ها می‌میرد و آرزو می‌کند [به دنیا] بازگشته و کار نیک انجام دهد».^۳

مؤمن باید گفتار و رفتار خویش را به گونه‌ای سامان دهد که زمینه ملامت و سرزنش را فراهم نکند.

امام علی علیه السلام فرمود: «زبان خود را به گفتن سخن نیک و زیبا عادت ده، تا از ملامت شدن محفوظ بمانی».^۴

۶-۳. تکمیل نمودن نقائص

برخورداری انسان از صفات کریمانه و بزرگوارانیه، موجب خشنودی خداوند خواهد شد. از آن‌جا که هدف نهایی خداوند از خلقت انسان،

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۱.

۲. همان، ص ۳۵۵، ح ۷.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۹.

۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۱۰، ح ۴۰۵۶.

رسیدن او به سعادت و کمال ابدی است بنابراین برای رساندن انسان به این هدف عالی، برنامه‌هایی را برای ایجاد و تقویت فضایل و سجایای اخلاقی بیان فرموده است؛ زیرا به وجود آمدن هر صفت شایسته‌ای در انسان، رشد و تعالی او را به دنبال داشته و وی را یک‌گام به جلو می‌برد. با این حال، برخی از صفات شایسته اخلاقی دارای درجات و مراتبی هستند که مؤمن باید برای رسیدن به بالاترین درجه آنها تلاش نموده و از خداوند بخواهد که او را برای این هدف یاری رساند. به عنوان نمونه، یکی از رفتارهای اخلاقی و خداپسندانه، «عفو» و «بخشش» دیگران است که طبق آیات قرآن، عفو و بخشش خداوند و اجر و پاداش الهی را به دنبال دارد.^۱ اما باید توجه داشت که همگان در برخورداری از این صفت پسندیده یکسان عمل نمی‌کنند؛ زیرا عکس‌العمل انسان در قبال رفتار ناپسند دیگران می‌تواند به صورت‌های زیر باشد:

۱. خشمگین شدن و عکس‌العمل مشابه را انجام دادن: با این‌که چنین حالتی، حالت طبیعی انسان است اما عفو و بخشش، رضایت خداوند را جلب می‌کند؛ زیرا می‌فرماید: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۲.

۲. خشمگین شدن: در برخورد ابتدایی، خشمگین می‌شود ولی مقابله به مثل نمی‌کند.

۳. خشمگین شدن و بخشش: در ابتدا، خشمگین می‌شود ولی نه تنها مقابله به مثل نمی‌کند بلکه می‌بخشد.

۱. رک: النور: ۲۲؛ شوری: ۴۰.

۲. شوری: ۴۰. «کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست خداوند ظالمان را دوست ندارد».

۴. فرو نشاندن خشم و بخشش: نه تنها خشمگین نمی‌شود بلکه هم خشم خود را فرو می‌برد و هم از شخص مقابل گذشته و او را می‌بخشد.

۵. بخشش همراه با احسان: علاوه بر بخشش، احسان هم می‌کند. این حالت، حالتی پسندیده و مورد رضایت خداوند است؛ زیرا می‌فرماید: ﴿الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱.

روشن است که صورت اخیر، نشانه تعالی معنوی و تکامل روحی انسان در بالاترین حد ممکن است.

۱. آل عمران: ۱۳۴. «خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

فراز هفتم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و
خاندانش درود فرست
وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّيْءِ الْمَحْبَّةِ: و دشمنی دشمنان را نسبت به
من به محبت تبدیل فرما
وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةِ: و حسادت اهل ستم را درباره من به
دوستی تبدیل فرما
وَمِنْ ظَنَةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَةِ: و بد گمانی افراد صالح را نسبت به من به
اعتماد و اطمینان تبدیل فرما
وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنِ الْوَلَايَةِ: و دشمنی نزدیکان را به دوستی و یاری
تبدیل فرما
وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةِ: و قطع ارتباط خویشاوندان را به
نیکی تبدیل فرما
وَمِنْ خَذَلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةِ: و یاری نرساندن نزدیکان را به یاری و
حمایت تبدیل فرما

وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِينَ تَصْحِيحُ الْمَقَّةِ: و دوستی اهل ملاطفت و مدارا را
به محبت صحیح و واقعی تبدیل فرما
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابَسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ: و اهانت هم‌نشینان را به معاشرت نیکو
تبدیل فرما
وَمِنْ مَرَاةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَمْنَةِ: و تلخی ترس از انسان‌های
ستمکار را به شیرینی امنیت و آرامش تبدیل فرما

۷- ۱. تبدیل دشمنی به محبت

پیوند محبت و دوستی اگر در راستای عدل و تأمین خشنودی خداوند
باشد، مطلوب بوده و از توصیه‌های دینی است. خداوند دربارهٔ ایجاد
پیوند دوستی می‌فرماید:

﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که روز
قیامت می‌شود نداکننده‌ای ندا می‌کند: کجایند کسانی که با دوستان من
مخالفت می‌کردند؟ پس گروهی که در صورتشان گوشت نیست بر
می‌خیزند. آن‌گاه منادی می‌گوید: اینان کسانی بودند که به مؤمنان آزار
می‌رساندند و با آنان دشمنی و مخالفت می‌کردند و آنان را در دینشان
سرزنش می‌نمودند. پس فرمان صادر می‌شود که آنان را به دوزخ برند.
امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، اینان کسانی بودند که با مؤمنان

۱. الأنفال: ۶۳. «و دل‌های آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است
صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان
آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.»

هم عقیده بودند، ولی حقوق آنان را ادا نمی‌کردند و اسرارشان را بر ضدشان فاش می‌ساختند.^۱

امام علی علیه السلام فرمود: «دشمنی با مردم، اوج نادانی است».^۲

۷-۲. تبدیل حسادت به دوستی

حسد به این معناست که انسان از بین رفتن نعمتی را که خداوند به دیگری داده است، آرزو کند و حتی گاهی برای از بین رفتن آن نعمت، تلاش نماید. این صفت از صفات ناپسند اخلاقی است. در قرآن از مواردی یاد شده است که در اثر جوشش این صفت بوده است از قبیل: حسادت قابیل نسبت به برادرش هابیل^۳، حسادت فرزندان یعقوب نسبت به حضرت یوسف^۴ و ...

خداوند درباره حسادتی که در صدر اسلام از سوی مخالفین وجود داشت، می‌فرماید:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۵

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۵۷.

۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۴۶۱، ح ۱۰۵۷۰.

۳. المائدة: ۲۷ - ۳۰.

۴. یوسف: ۸ - ۹.

۵. البقرة: ۱۰۹. «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند با این که حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد خداوند بر هر چیزی تواناست».

رسول خدا ﷺ فرمود: «نعمت‌های خدا، دشمنانی دارد. پرسیده شد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که به مردم به خاطر آن‌چه خداوند از فضل خود به آنها داده است، حسد می‌ورزند».^۱

و نیز فرمود: «لقمان به فرزندش گفت: حسود سه نشانه دارد: ۱. در غیاب شخص غیبت می‌کند؛ ۲. در هنگام حضور او چاپلوسی می‌کند؛ ۳. به هنگام مصیبت، شماتت می‌کند».^۲

امام علی علیه السلام فرمود: «حسود، چنین می‌بیند که از بین رفتن نعمتی که در اختیار محسود است، برای او نعمتی است».^۳

در روایات اسلامی، آثاری برای صفت ناپسند حسد بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱. از بین بردن ارزش اعمال نیکو: امام علی علیه السلام فرمود: «حسد رفتارهای پسندیده انسان را می‌خورد [و از میان می‌برد]، چنان‌که آتش هیزم را می‌خورد [و نابود می‌کند]».^۴

۲. آفت دین: امام صادق علیه السلام فرمود: «حسد و خود بزرگ‌بینی (عجب) و فخر فروشی، آفت دین هستند».^۵

در مقابل حسد، صفت «غبطه» قرار می‌گیرد. معنای غبطه آن است که شخص، خواهان از بین رفتن نعمتی که خداوند به دیگران داده است، نیست بلکه می‌خواهد خودش نیز از آن نعمت برخوردار باشد. از این‌رو،

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۵۱، ح ۱۱.

۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۱۸۳۲.

۴. همان، ص ۲۶۰، ح ۱۸۹۱.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۵.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن [از مشاهده نعمت در دست دیگران] غبطه می خورد ولی حسد نمی ورزد. منافق حسد می ورزد و غبطه نمی برد».^۱

۷-۳. تبدیل بدگمانی به اطمینان

بدگمانی و سوءظن، یکی از صفات ناپسند اخلاقی است که گاه موجب اختلال در روابط خانوادگی، همسایگی و ... شده و زمینه را برای ارتکاب برخی گناهان دیگر فراهم می سازد. اولین و مهم ترین اثر ناگوار این صفت اخلاقی، عدم اعتماد و اطمینان افراد به یک دیگر است. از این رو، در آموزه های اخلاقی اسلام، به شدت از بدگمانی نسبت به یک دیگر نهی شده و در مقابل، به حسن ظن سفارش گردیده است. شاخص ترین آیه قرآن در این باره چنین است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾.^۲

نمونه هایی از روایات اسلامی درباره گمان بد از این قرار است:
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از گمان بد پرهیزید که گمان بد، بدترین نوع دروغ است».^۳

امام علی علیه السلام فرمود: «ایمان با بدگمانی همراه نمی شود».^۴
امام علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، خداوند سبحان مؤمنی را بعد از ایمان عذاب نمی کند، مگر به خاطر بدگمانی او [به خدا و یا به مردم] و به خاطر بداخلاقی او».^۵

۱. همان، ح ۷.

۲. الحجرات: ۱۲. «ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است».

۳. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹۵، ح ۸.

۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۶۱ ح ۱۰۵۳۴.

۵. همان، ص ۸۵۷ ح ۱۰۱۴۰.

در روایات، آثاری از قبیل: «فاسد شدن عبادت»، «سنگین شدن پشت انسان از گناه»، «سبب انواع شر»، «برقرار نشدن صلح و صفا میان دوستان» و ... برای این صفت بیان شده است. باید توجه داشت که سوءظن^۱ به دوگونه می‌تواند باشد: ۱. سوء ظن نسبت به خداوند^۲، ۲. سوء ظن نسبت به دیگران.

۷-۴. تبدیل دشمنی نزدیکان به دوستی

عوامل مختلفی در زندگی وجود دارد که پیوند دوستی را برهم زده و موجب دشمنی می‌شود. انسان با شناسایی این عوامل و توجه به دستورات دینی می‌تواند پیوندهای دوستی را حفظ نماید. در روایات اسلامی، نکته‌های فراوانی درباره دوستی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تقوا، معیار دوستی: امام علی علیه السلام فرمود: «برادران دینی را به اندازه پرهیزکاری آنان دوست بدار».^۱
۲. اعلام دوستی: امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شخصی را دوست داری او را به این امر آگاه کن؛ زیرا دوستی را بین شما محکم می‌کند».^۲
۳. بهترین دوست: امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین برادر دینی تو کسی است که تو را به راه راست هدایت نموده و لباس تقوا را بر تو بپوشاند و تو را از پیروی هوای نفس باز دارد».^۳

۱. ر.ک: الفتح: ۶؛ الأحزاب: ۱۰؛ آل عمران: ۱۵۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۹۸، ح ۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۲، ح ۵۰۲۹.

۴. اسباب دوستی: امام علی علیه السلام فرمود: «سه چیز است که موجب محبت و دوستی می شود: حسن خلق، مدارا و همراهی نیکو، تواضع»^۱.

۷-۵. تبدیل جدایی به ارتباط

«صله رحم» و ارتباط با خویشاوندان و برادران دینی از جمله اموری است که در آموزه های اسلامی، بسیار بر آن تأکید شده است. خداوند در این باره می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^۲.

اهمیت این مسئله تا به آن جاست که در میان روایات، آثار مهمی برای آن بیان شده است. در روایات زیر، مجموعه ای از این آثار را مشاهده می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صله رحم، موجب زیادی عمر و باعث از بین رفتن فقر می شود»^۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: «صله رحم، موجب پاکیزه شدن اعمال و رشد ثروت ها و آسان شدن حساب و از بین رفتن گرفتاری ها و زیاد شدن عمر می شود»^۴.

مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شد. عرض کرد: من خویشاوندانی دارم و آنها را صله و ملاقات می کنم ولی آنان مرا آزار

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵۰۶، ح ۴۶۸۴.

۲. النساء: ۱. «از خدایی بهره یزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یک دیگر می خواهید، نام او را می برید!» (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست».

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۸، ح ۲.

۴. همان، ص ۱۰۰، ح ۴۹.

می‌دهند، می‌خواهم ترکشان گویم. حضرت فرمود: «در این صورت خداوند همه شما را ترک خواهد گفت...»^۱

رسول اکرم ﷺ فرمود: «اجر صدقه ده برابر، پاداش قرض دادن هجده برابر، مزد صله برادران دینی بیست برابر و اجر صله رحم بیست و چهار برابر است».^۲

۷-۶. تبدیل یاری رساندن به حمایت

یاری رساندن به خویشاوندان و برادران دینی از مصادیق احسان است و احسان به دیگران در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. پیش از این درباره ارزش احسان بدون منت سخن گفتیم.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمنان، برادر و فرزندان یک پدر و مادر هستند. هرگاه یکی از آنها دچار درد و رنجی شود دیگران نیز به خواب نمی‌روند».^۴

از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «مردم عیال خداوند هستند و محبوب‌ترین آنها نزد خدا کسی است که برای عیال خدا سودمندتر است و خانواده‌ای را خشنود می‌کند».^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که به فریاد برادر غمگین و درمانده خود در اوج درماندگی و ناراحتی برسد و مشکل او را برطرف کند و او را در برآوردن نیاز خود یاری نماید خداوند برای او بدین سبب هفتاد و دو رحمت الهی می‌نویسد: یکی از اینها در دنیا شامل حال او می‌شود و

۱. همان، ح ۵۰.

۲. همان، ص ۱۰۴.

۳. ربک: فراز: ۳-۸.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱.

۵. همان، ص ۱۶۴، ح ۶.

دنیای او را اصلاح می‌کند و هفتاد و یک رحمت دیگر برای روز رستاخیز و سختی‌های آن ذخیره می‌شود»^۱.

۷-۷. تبدیل مدارا به محبت واقعی

«مدارا» به معنای ملاطفت و ملایمت است. کسی که می‌خواهد با دیگری مدارا کند در مواجهه با او به گشاده‌رویی برخورد می‌نماید و به نرمی و ملاطفت سخن می‌گوید. دربارهٔ مدارا نمودن با یک‌دیگر، روایات زیادی در اختیار است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام علی علیه السلام فرمود: «با مردم مدارا نما تا از برادری آنان بهره‌مند شوی و با روی گشاده با آنان مواجه شو تا کینه‌های آنان بمیرد»^۲.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با مردم مدارا می‌کند و خوارترین مردم کسی است که دیگران را مورد تحقیر و توهین قرار می‌دهد»^۳.

براساس روایاتی از این دست، مدارا نمودن با دیگران یکی از صفات پسندیده است اما آنچه مطلوب است این است که وقتی کسی با ما مدارا می‌کند این مدارا، به منظور احترام و تکریم واقعی به شخصیت ما باشد که مایهٔ محبوبیت است نه این‌که از روی اجبار و ناچاری، اهل مدارا شده باشد و در ظاهر، خود را دوستار ما نشان دهد.

امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که به مدارا کردن با او نیاز داشته باشی، برای تو برادر نیست»^۴.

۱. همان، ص ۱۹۹، ح ۱.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۵۱۲۹.

۳. بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۵۲، ح ۵.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۵۰، ح ۷۵۰۳.

۷-۸. تبدیل اهانت به معاشرت نیکو

در زندگی اجتماعی با انواعی از معاشرتها از قبیل: معاشرت‌های خانوادگی، معاشرت‌های همسایگی، معاشرت‌های کاری، معاشرت‌های علمی و ... مواجهیم. هر مسلمانی وظیفه دارد در این معاشرت‌ها احترام طرف مقابل را حفظ کرده و از اهانت و تحقیر دوری کند. اهانت و تحقیر مؤمن، موجب خشم خداوند متعال می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «جبرئیل به محضر رسول اکرم شرفیاب شد و عرض کرد: خدایت می‌گوید: هر کس بنده مؤمن مرا اهانت نماید با ستیز و جنگ به استقبال من آمده است»^۲.

امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را به معراج بردند، عرض کرد: پروردگارا! جایگاه مؤمن در نزد تو چگونه است؟ فرمود: ای محمد! هر که به یکی از دوستان من اهانت کند، آشکارا به جنگ من برخاسته و من به یاری دوستانم از همه شتابانترم ...»^۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: «با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت کنید و آنان را در کارها یاری نمایید، منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید و همواره در معاشرت‌های اجتماعی دستور خداوند را به کار بندید که فرموده است: با مردم به خوبی سخن بگویید و برخورد نیکو داشته باشید»^۴.

۱. البقرة: ۸۳ «و به مردم نیک بگویید».

۲. الحدیث، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۸.

۴. الحدیث، ج ۳، ص ۲۲۹.

امام رضا علیه السلام فرمود: «لازم است با تمام کودکان و بزرگسالان مؤدب و با احترام برخورد نمایی».^۱

امام علی علیه السلام فرمود: «با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن بگویند تا او نیز به شما با احترام جواب گوید».^۲

نادانی، شوخی، جلب توجه اشخاص ثروتمند و ... می‌تواند از عوامل اهانت به دیگران باشد.

۷-۹. تبدیل ترس از ستمکاران به آرامش

خارج شدن از حدّ و مرزی را که خداوند برای انسان قرار داده است، ظلم به خود و یا ظلم به دیگران را در پی دارد. از نظر قرآن، تجاوزکاران از حدود الهی، ظالم‌اند.^۳ امام علی علیه السلام ستم را به سه گونه تقسیم نموده و می‌فرماید:

«آگاه باشید که ظلم بر سه قسم است: ۱. ظلمی که نابخشودنی است. ۲. ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند. ۳. ظلمی که بخشودنی و جبران شدنی است. اما ظلمی که نابخشودنی است شرک به خدای سبحان است که در قرآن فرمود: "خداوند هیچ‌گاه از شرک به خود در نمی‌گذرد". و اما ظلمی که بخشودنی است، ستمی است که بنده با گناهان بر خویشان روا داشته است. و ظلمی که بدون مجازات نیست، ستمگری بعضی از بندگان بر بعض دیگر است».^۴

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. همان.

۳. البقرة: ۲۲۹. ﴿مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾.

۴. نهج البلاغه، ص ۲۴۱، خطبه ۱۷۶.

رسول خدا ﷺ فرمود: «وای بر حال کسی که از ترس شرش تمجید می‌شود. وای بر حال کسی که از ترس ستمگریش مورد اطاعت باشد. وای بر حال کسی که از ترس آزارش او را احترام کنند»^۱.
در روایات اسلامی آثار زیر برای ظلم بیان شده است:^۲
۱. بدترین زاد و توشه برای قیامت. ۲. تاریکی در قیامت. ۳. از بین رفتن نعمت‌ها. ۴. نابودی.

۱. الحدیث، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۶۹.

فراز هشتم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي: و نیرویی برایم قرار ده تا بر کسی که
به من ستم کرده است، توانا باشم

وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي: و زبانی برایم قرار ده تا بر [تجاوزات
زبانی] کسی که با من دشمنی کرده است، گویا شوم

و ظَفَرًا بِمَنْ عَانَدَنِي: و کاری کن تا بر کسی که با من [آگاهانه]
مخالفت نموده است، پیروز شوم

و هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي: و در برابر کسی که با حيله و نیرنگ،
کاری کرده است که از مقصودم دور شوم، راه چاره‌ای به من عطا فرما

و قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي: و در برابر کسی که ستم نموده و آزارم
داده است، به من نیرویی عطا فرما

و تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي: و در برابر کسی که بر من عیب گرفته است،
توان تکذیب نمودن او را به من عطا فرما

وَسَلَامَةً مِّمَّنْ تَوَعَّدَنِي: و در برابر کسی که مرا تهدید نموده است، سلامتی و تندرستی به من عطا فرما
وَوَفَّقَنِي لَطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي: و به من توفیق ده تا از کسی که مرا به درستی و راستی وامی‌دارد، اطاعت کنم و از کسی که مرا راهنمایی نموده، پیروی نمایم

۸ - ۱. توانمندی در برابر ظالم

در اولین جمله فراز هشتم، امام سجاده علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند که قدرتی به او عنایت فرماید تا بتواند در مقابل ظالم ایستادگی نماید. تسلیم ظلم نشدن و یاری و استمداد از خداوند، یکی از ویژگی‌هایی است که خداوند برای مؤمنان شمرده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾^۱

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس که خداوند یاری کننده او باشد بر دشمن خود پیروز گشته و برایش گروهی خواهد بود»^۲. معنای این حدیث آن است که وقتی انسان، مورد ظلم و ستم واقع شده و توانایی لازم را برای برخورد با ظالم نداشته باشد به‌طور طبیعی، خواهان آن است که مجموعه و گروهی از افراد به او کمک نموده و او را از دست ظالم برهانند. با توجه به این مطلب، اگر در حدیثی که از امام علی علیه السلام نقل شد، دَقَّتْ کنیم خواهیم دید که یاری کردن خداوند، به‌گونه‌ای است که جای یک مجموعه و گروه را برای انسان پر نموده و این چنین او را یاری می‌کند.

۱. الشوری: ۳۰. «و کسانی که هر گاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند».

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۱۸، ص ۸۱۸.

۸ - ۲. زبانی گویا در برابر مخالف

عوامل مختلفی وجود دارد که می‌تواند زمینه را برای ایجاد مخالفت و دشمنی فراهم سازد. باید تا جایی که ممکن است زمینه‌های دشمنی و مخالفت را از میان برد؛^۱ زیرا دشمن چه عاقل باشد و چه جاهل، چیزی جز ضرر را برای انسان به دنبال ندارد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «جبرئیل علیه السلام مرا به هیچ تعهدی همانند تعهد اجتناب از دشمنی مردان مقید ننمود».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «از دشمنی و خصومت پرهیزید که خصومت، دل را به خود مشغول می‌کند، نفاق و دورویی به وجود می‌آورد و مایه حقد و کینه می‌گردد».^۳

یکی از ابزارها برای ابراز مخالفت با دیگران، زبان است که در آموزه‌های اسلامی نسبت به حفظ آن و گوشزد نمودن آفات آن روایات بسیاری وارد شده است.^۴ انسان در مقام سخن‌گویی با دیگران باید آداب سخن گفتن و بحث را رعایت کرده و با جملات عالمانه و حکیمانه تلاش کند که بر مخالف خود پیروز شود، هم‌چنان که خداوند همین روش را به رسول خویش توصیه نموده و می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾.^۵

۱. ر.ک: فراز: ۷ - ۴.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱۱.

۳. همان، ص ۳۰۱، ح ۸.

۴. ر.ک: فراز: ۱۳ - ۲.

۵. النحل: ۱۲۵. «با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن».

امام علی علیه السلام فرمود: «به آن چه که بر زبان انسان جاری می شود بر میزان عقل او استدلال می شود».^۱
در روایات، آثاری از قبیل: «سلامتی»، «تکریم خویشتن»، «نجات»، «پوشاندن عیب»، «عزت میان مردم»، «تسلط بر شیطان» و ... برای حفظ زبان بیان شده است.^۲

۸ - ۳. پیروزی بر معاند

کسی که از روی آگاهی، حقیقتی را انکار می کند، «مُعانَد» نامیده می شود. عوامل مختلفی هم چون پیروی از هوای نفس، برتری طلبی علمی، برتری طلبی مالی، شهرت طلبی، ریاست طلبی و ... می تواند انسان را به این وضعیت مبتلا سازد.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «هیچ انسان عزیزی، حق را ترک نگفت مگر آن که خوار و ذلیل شد و هیچ ذلیلی از حق طرفداری ننمود مگر آن که به عزت و آبرومندی رسید».^۳

۸ - ۴. راه چاره در برابر مکرکنندگان

درجایی که عمل انسان، اغفال نمودن و گمراه ساختن دیگران را به دنبال داشته باشد واژه های مکر، خدعه، حيله و نیرنگ به کار برده می شود. برخی افراد، از این روش استفاده کرده و با نیرنگ زدن به دیگران، به اهداف خود دست می یابند. از نظر اسلام، چنین رفتاری، ناپسند است.

۱. غررالحکم، ج ۱، ص ۹۶۷، ح ۱۰۹۵۷.

۲. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۳۳.

۳. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص ۲۳۲، ح ۳.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ﴾^۱.
 امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از ما نیست کسی که با مسلمانی، مکر و نیرنگ کند»^۲.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که مسلمان است مکر و خدعه نمی‌کند؛ زیرا شنیدم که جبرئیل می‌گفت: مکر و خدعه در آتش است...»^۳.
 و نیز فرمود: «کسی که مسلمانی را فریب دهد، یا به او زیان برساند، یا با او مکر کند، از ما [مسلمانان] نیست»^۴.
 امام علی علیه السلام، مکر را «دور کننده ایمان»، «خصلت سرکشان» و «روش افراد پست» به شمار آورده است.^۵

۸ - ۵. قدرت بر دفع سلطه‌گران

در طول تاریخ، همواره کسانی بوده‌اند که هدفشان تسلط فکری و یا فیزیکی بر انسان‌ها بود درحالی‌که خداوند، انسان را آزاد آفریده و بر خورداری از نعمت‌ها و مواهب دنیوی را دلیلی بر برتری برخی بر برخی دیگر ندانسته است. از نظر قرآن، «تقوا»، ملاک برتری است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾^۶. با این حال، برخی افراد

۱. فاطر: ۱۰. «آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می‌شود» و به جایی نمی‌رسد.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۳.

۳. بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۲۸۴، ح ۲.

۴. الحیة، ج ۵، ص ۵۸۷.

۵. رک: غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۳۴۶، باب المکر.

۶. الحجرات: ۱۳. «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

با قدرت بدنی، مالی، موقعیت اجتماعی و ... تلاش می‌کنند تا دیگران را فرمانبر خویش سازند.

امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید».^۱

امام سجاد علیه السلام در چند جمله پیش‌تر (۸ - ۱)، توانمند شدن خویش را در برابر افراد ظالم از خداوند خواستار شد و از آن‌جا که انسان‌های سلطه‌گر نیز از همین افراد هستند، در این قسمت، توانایی بر دفع آنها را خواستار شده است.

۸ - ۶. تکذیب عیب جویان

انسان به‌طور طبیعی، به خود علاقه داشته و خواهان آن است که دیگران نیز او را دوست بدارند و به خوبی از او یاد کنند. آزار و اذیت دیگران برای او ناخوشایند بوده و از آن گریزان است. از جمله اموری که موجب رنجش انسان می‌شود آن است که دیگران او را مورد عیب‌جویی خویش قرار دهند. در آموزه‌های اسلامی، از عیب‌جویی نهی گردیده و از همگان خواسته شده است که با این عمل زشت، موجبات ناراحتی دیگران را فراهم نکنند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾^۲.
و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْقَابِ﴾^۳.

۱. نهج البلاغه، ص ۳۷۹، نامه ۳۱.

۲. الهمزة: ۱. «وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده‌ای».

۳. الحجرات: ۱۱. «و یک‌دیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یک‌دیگر را یاد نکنید».

در میان روایات نیز به این مسئله توجه داده شده است:
 امام علی علیه السلام فرمود: «آن کس که زشتی‌های مردم را بنگرد و آن را زشت بشمارد، سپس همان زشتی‌ها را مرتکب شود پس او احمق واقعی است».^۱
 امام صادق علیه السلام فرمود: «نزدیک‌ترین حالت بنده به کفر وقتی است که مواظب کار برادر خود باشد و لغزش‌های او را بشمارد تا روزی او را سرزنش کند».^۲

از جمله اموری که انسان را در آگاهی از عیوب خویش توانمند ساخته و راه را برای عیب‌جویان می‌بندد، محاسبه نفس است. امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که نفس خود را مورد محاسبه قرار بدهد، بر عیوب خود آگاه می‌شود و به گناهانش احاطه می‌یابد و از خدا عفو از گناهان را طلب می‌کند و عیبها را اصلاح می‌نماید».^۳

لطف الهی و هم‌نشین خوب و مورد اعتماد نیز می‌تواند یاریگر انسان برای آگاهی از عیوب باشد.

نکته‌ای که در این قسمت باید مورد توجه قرار گیرد آن است که برخی افراد به دلایل مختلف در صدد بر می‌آیند که به دروغ، عیب‌هایی را به دیگران وارد کنند که گاه تکذیب آنها برای انسان دشوار است. یکی از این دلایل می‌تواند آن باشد که با مطرح نمودن عیب دیگران، عیوب خویش را پوشانده و از فاش شدن آن جلوگیری نمایند. این افراد، به جای آن‌که در صدد برطرف نمودن عیوب خویش باشند به دروغ از دیگران عیب‌جویی کرده و با تهمت و افترا، اذهان عمومی را به سمت

۱. نهج البلاغه، ص ۵۰۹، حکمت ۳۴۹.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۳.

۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۴۹، ح ۱۹۲۷.

آنها نشانه رفته و می‌کوشند ارج و منزلت آنها را بکاهند. قدرت مطلق خداوند می‌تواند در چنین حالاتی بندگان مؤمن را حمایت نموده و با تکذیب چنین افرادی، آنها را زمین‌گیر سازد.

۸ - ۷. سالم ماندن از تهدید دشمنان

تهدید و ترساندن دیگران یکی از رفتارهای ناپسند است که برخی برای پیشبرد اهداف غیر اخلاقی از آن استفاده می‌کنند. این عمل، موجب سلب آرامش و امنیت فکری شده و ممکن است آثار روحی و جسمی ناگواری را در پی داشته باشد.

امام علی علیه السلام فرمود: «انسان با کرامت، هنگامی که وعده دهد، به وعده خویش وفا می‌کند و هنگامی که بیم داده و تهدید کند، می‌بخشد».^۱

۸ - ۸. اطاعت و پیروی از راهنمایان هدایت

با وجود هدایت تکوینی و تشریعی از ناحیه خداوند^۲، اما این گونه نیست که همه انسان‌ها از اندیشه‌های عقلانی صحیح برخوردار بوده و از آموزه‌های دینی، خود را آگاه نموده و برای رشد و تعالی به راهنما و هدایتگر نیاز نداشته باشند. در این راستا، قرآن و روایاتی که از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام وارد شده، بهترین راهنما برای هدایت انسان است.

خداوند درباره قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾.^۳

۱. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۵۲، ح ۵۲۶۹.

۲. رک: فراز: «۵ - ۱».

۳. الإسراء: ۹. «این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند».

رسول خدا ﷺ فرمود: «شما را ترک می‌گویم و دو چیز گران‌بها (کتاب خدا و عترتم اهل‌بیت) را در میان شما باقی می‌گذارم. تا وقتی که به آن دو چنگ زنید هیچ‌گاه پس از من گمراه نخواهید شد...»^۱

هم‌نشین و دوست خیرخواه نیز می‌تواند نقش مؤثری در زندگی دینی و معنوی انسان داشته باشد. آنچه مهم است این است که انسان از راهنمایی‌های چنین هم‌نشینی استفاده کرده و به راه صلاح هدایت شود.

امام علی علیه‌السلام فرمود: «مهربان‌ترین مردم نسبت به تو کسی است که بیش از دیگران تو را در اصلاح نفست یاری کند و بیش از دیگران نسبت به دین تو خیرخواه باشد».^۲

و نیز فرمود: «موفق نمی‌شود کسی که بدی را نیکو به شمار آورد و از گفته دوست خیرخواه و ناصح، اعراض نماید».^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸، ح ۱۱.

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۹۵، ح ۳۷۳.

۳. همان، ص ۱۵۳۹، ح ۷۵۶۳.

فراز نهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَسَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ: و محکم و استوارم ساز تا در
برابر کسی که به من خیانت کرده و فریبم داده است، با رفتار خالصانه و
خیرخواهانه مقابله نمایم

وَأَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ: و [استوارم سازم تا] در برابر کسی که از من
بریده و مرا ترک نموده است، با خوبی و نیکی تلافی کنم

وَأُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ: و [استوارم سازم تا] در برابر کسی که مرا
[از عطا] محروم نموده است از بخشش خویش برخوردار سازم

وَأُكَافِيَ مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ: و [استوارم سازم تا] در برابر کسی که با
من قطع ارتباط نموده است، با پیوند و ارتباط پاداش دهم

وَأُخَالَفَ مَنْ عَتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ: و [استوارم سازم تا] درباره
کسی که غیبت مرا کرده است، به نیکی یاد کنم

وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُغْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ: و [استوارم سازم تا] نیکی و
خوبی را مورد تشکر قرار دهم و از بدی چشم‌پوشی نمایم

۹- ۱. خلوص و خیرخواهی در برابر فریب

مقصود از «غش»، ناخالصی و فریب و خیانت به دیگران است که از صفات ناپسند اخلاقی به شمار می‌رود. این رفتار ناشایست در موارد مختلفی می‌تواند انجام پذیرد که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. در معامله:

پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس مسلمانی را در خرید یا فروش فریب دهد، از ما نیست و روز قیامت، با یهودیان محشور خواهد شد؛ زیرا آنان فریبکارترین مردمانند نسبت به مسلمانان».^۱

و نیز فرمود: «آگاه باشید! هر کس نسبت به ما [مسلمانان] غش کند از ما نیست (و این سخن را سه بار فرمود). و هر کس نسبت به برادر مسلمان خود غش کند، خدا برکت را از روزی او بر می‌دارد و زندگی را بر او تباه می‌سازد و او را به خودش وامی‌گذارد (و از نظر لطف خویش می‌اندازد)».^۲

۲. در مشورت:

امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که با مسلمانان، غش در مشورت نماید، من از او بیزارم».^۳

و نیز فرمود: «کسی که با مشورت‌کننده خود غش و خیانت نماید، تدبیر از وی سلب می‌شود».^۴

در مقابل، رفتار خالصانه نسبت به دیگران و خیرخواهی و نصیحت آنها، از صفات پسندیده بوده و موجب رشد و تعالی معنوی انسان می‌شود.

۱. الحیاء، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۹۹، ح ۸.

۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۳۳، ح ۸۰۵۵.

امام علی علیه السلام فرمود: «از اندرز دادن به برادرت خودداری مکن، خواه این اندرز خوشایند او باشد و خواه ناخوشایند».^۱

و نیز فرمود: «شش چیز از پایه‌های دین است: یقین ناب، خیر خواهی برای مسلمانان، بر پاداشتن نماز، پرداختن زکات، حج خانه خدا و بی‌رغبتی به دنیا».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «نصیحت مؤمن نسبت به مؤمن، در حضور و در غیاب، واجب است».^۳

۹-۲. نیکی در مقابل قطع ارتباط

پیوند دوستی و ارتباط محبت‌آمیز، از رفتارهای مورد رضایت خداوند بوده و از قطع ارتباط نهی شده است. قهر و جدایی در آیین اسلام، مورد سرزنش قرار گرفته و در آموزه‌های دینی، برای ایجاد پیوند و ارتباط میان مسلمانان تلاش شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر یک از دو مسلمان که از هم جدا شدند و سه روز گذشت و با هم آشتی نکردند از اسلام خارج شده‌اند و بین آن دو، ولایت و محبتی برقرار نیست. هر یک از آن دو نفر که از دیگری پیشی گرفت و با برادرش سخن گفت، در قیامت، در رفتن به بهشت [از دیگری] پیشی می‌گیرد».^۴

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ دو مؤمنی، بیش از سه روز از هم جدا نمی‌شوند مگر آن‌که من در سومین روز از هر دو بیزارم. گفته شد: ای

۱. الحیاء، ج ۱، ص ۲۷۸ - نهج البلاغه، ص ۳۸۰، نامه ۳۱.

۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۸۵، ح ۱۳۹۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۲.

۴. همان، ص ۳۴۵، ح ۵.

فرزند رسول خدا ﷺ! این بیزاری، شایسته ظالم است، مظلوم چه گناهی دارد؟ فرمود: چرا مظلوم به نزد ظالم نرفته که بگوید: تقصیر با من بود تا با یکدیگر صلح و سازش نمایند.^۱

پیامبر ﷺ به ابوذر غفاری فرمود: «بپرهیز از جدایی و هجران برادرت؛ زیرا عمل مسلمانی که از برادرش جدا شده و او را ترک گفته است، مقبول واقع نمی‌شود».^۲

۹-۳. بخشش و عطا در برابر محرومیت

کسی که دیگران را از عطای خویش محروم می‌کند، کار خوب و شایسته‌ای انجام نداده است. اما این پرسش مطرح است که دیگران در مقابل او باید چه عکس‌العملی داشته باشند؟ پاسخ ابتدایی و طبیعی این پرسش شاید آن باشد که اگر دیگران نیز همانند او رفتار کنند، نباید سرزنش شوند؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾.^۳ اما مسئله در همین جا پایان نیافته و در ادامه آیه مطلبی بیان می‌شود که نزد خداوند، رضایت بخش‌تر است. خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾.^۴ براساس این آیه، گذشتن از بدی دیگران، مورد رضایت خداوند است. از همین رو، امام سجاد علیه السلام خواهان آن است که با کسی که او را از عطای خویش محروم نموده است، مقابله به مثل نکند.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۸۸، ح ۱۰.

۲. همان، ج ۷۴، ص ۹۱.

۳. الشوری: ۴۰. «کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن».

۴. همان. «هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست».

رسول خدا ﷺ فرمود: «پس از دینداری و ایمان، سرآمد تمام اعمال عاقلانه، دوستی با مردم و نیکی به آنهاست، خواه درست کار باشند و خواه بدکار».^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم - علی بن الحسین - دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم! هر کس که از تو درخواست نیکی کرد به او نیکی کن. اگر اهل نیکی بود [و استحقاق آن را داشت] کار به جایی انجام داده‌ای و اگر شایسته آن نیکی نبود، تو خود شایسته آن هستی».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «... هیچ مؤمنی نیست که از یاری برادر خود دست بکشد با آن که قدرت دارد که او را یاری نماید مگر آن که خداوند او را در دنیا و آخرت مخدول می‌کند و از نصرت خود محروم می‌نماید».^۳

۹-۴. پیوند در برابر قطع ارتباط

پیش از این درباره اهمیت ارتباط با خویشاوندان و برادران دینی سخن گفتیم.^۴ اکنون به نقل چند روایت دیگر بسنده می‌کنیم:

«هنگامی که رسول خدا ﷺ یکی از برادران خود را سه روز نمی‌دید درباره او پرسش می‌نمود، اگر سفر رفته بود درباره اش دعا می‌کرد، اگر در سفر نبود به ملاقاتش می‌رفت و اگر بیمار بود، عیادتش می‌نمود».^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۲، ح ۱۲.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۱۵۲، ح ۱۴۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲، ح ۶۷.

۴. ر.ک: فراز: ۷ - ۵.

۵. سنن النبی، ج ۱، ص ۵۱.

راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسانی با من خویشاوند می‌باشند اما با من هم عقیده نیستند، آیا برای آنان به عهده‌ام حقّی است؟ فرمود: آری؛ حقّ خویشاوندی را چیزی قطع نمی‌کند و اگر با تو، هم عقیده باشند برای آنان دو حق است: یکی: حقّ خویشاوندی و دیگری: حق اسلام.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «صله و ارتباط با خویشاوندان موجب حسن خلق می‌شود، دست را در بخشندگی و عطا باز می‌کند، مایه پاکدلی و صفای ضمیر می‌گردد، رزق را افزایش می‌دهد و مرگ را به تأخیر می‌اندازد».^۲

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هیچ قدمی نزد خداوند از دو قدم محبوبتر نیست: ۱. قدمی که مؤمن برمی‌دارد تا صف نظامیان اسلام را در راه خدا محکم نموده و راه دشمن را سدّ نماید. ۲. قدمی که در راه ملاقات خویشاوند برمی‌دارد، خویشاوندی که با او قطع رابطه نموده است».^۳

۹-۵. به نیکی یاد کردن در برابر غیبت

یکی از گناهان بزرگ زبان، «غیبت» است که قرآن به شدّت از آن نهی کرده و می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ»^۴.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «پرهیز از غیبت که گناه غیبت، شدیدتر از گناه زناست. ابوذر عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۳۱، ح ۹۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۹، ح ۷.

۴. الحجرات: ۱۲. «و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید».

فدایت، چرا چنین است؟ فرمود: زناکار از گناه خود توبه می‌کند و خداوند او را می‌آمرزد و غیبت‌کننده از گناه خود توبه می‌کند ولی بخشیده نمی‌شود تا آن‌که غیبت شده از او راضی گردد و او را ببخشد.^۱

در حدیث دیگری از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: «کسی که غیبت مرد مسلمان یا زن مسلمانی را بکند خداوند نماز و روزه او را چهل شبانه روز قبول نمی‌کند مگر این‌که صاحب غیبت از او راضی گردد».^۲

و نیز آن حضرت فرمود: «نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است مادامی که عملی را انجام ندهد. عرض شد یا رسول‌الله! چه عملی؟ فرمود: غیبت».^۳

در روایات، برای افراد غیبت‌کننده، آثاری از قبیل: «ایمن نبودن از غیبت»، «قبول نشدن عبادت»، «از بین رفتن کارهای خوب»، «خروج از ولایت خداوند» و ... بیان شده است.^۴

برخی از انگیزه‌های غیبت عبارت است از: حسد، خودخواهی، غرور، کینه توزی، دنیا پرستی و ...^۵

با این حال، عفو و بخشش یکی از مکارم اخلاقی بوده و در قرآن و روایات به آن سفارش شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾^۶ و نیز دربارهٔ ویژگی مؤمنان می‌فرماید:

-
۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۱.
 ۲. همان، ج ۷۲، ص ۲۵۸، ح ۵۳.
 ۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷.
 ۴. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۰۵.
 ۵. ر.ک: اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۱۱.
 ۶. النور: ۲۲. «آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد».

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَآظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

در روایات اسلامی، آثاری هم چون: «اجر و پاداش الهی»، «از میان رفتن کینه‌ها»، «عزت و سرافرازی»، «طول عمر» و ... برای اهل بخشش بیان شده است.

۹-۶. تشکر در قبال نیکی

شکرگزاری خداوند متعال، در قبال نعمت‌هایی که به ما داده است، یکی از فضایل ایمانی است که در جای خود از آن سخن خواهیم گفت. تشکر از کسی که در رسیدن نعمت به انسان واسطه شده است نیز از صفات پسندیده است. خداوند تشکر از پدر و مادر را در کنار تشکر از خود قرار داده و می‌فرماید: ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾^۲.

امام سجاده علیه السلام در رساله حقوق خویش فرمود:

«اما حق کسی که دربارہات کار نیکی را انجام داده و به تو نعمتی رسانده، این است که او را شکر نمایی و خوبی او را یاد داشته باشی و آن را بگویی و نشر دهی و دربارۀ او بین خود و خداوند دعا نمایی و اگر چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار به جا آورده‌ای. سپس، اگر می‌توانی نعمت او را تلافی کن و اگر قدرت نداری و نمی‌توانی منتظر فرصت باش و دل را برای تلافی کردن آن نعمت آماده و مهیا ساز»^۳.

۱. آل عمران: ۱۳۴. «همان‌ها که در توانگری و تنگ‌دستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

۲. لقمان: ۱۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۷.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «بنده‌ای را در قیامت به پیشگاه الهی می‌آورند و خداوند درباره او فرمان عذاب می‌دهد. عرض می‌کند بار الها! درباره‌ام به دوزخ دستور دادی با آن‌که من در دنیا مسلمان و قاری قرآن بودم. خداوند می‌فرماید: بنده من! نعمت‌هایی را به تو دادم و شکر آنها را به جا نیاوردی. عرض می‌کند: بار الها! فلان نعمت را دادی تو را شکر کردم، فلان نعمت را دادی تو را شکر نمودم، یک به یک نعمت‌ها را می‌شمرد و از شکرها نام می‌برد. خداوند می‌فرماید: بنده من! راست می‌گویی، جز آن‌که کسی را که من به دست او نعمت خود را به تو رساندم شکر نکردی و من با خود عهد نموده‌ام شکر نعمت‌هایی را که به بنده‌ای داده‌ام نپذیرم تا شکر کند کسی را که نعمت من توسط او به وی رسیده است».^۱

۹-۷. چشم‌پوشی از بدی

چشم‌پوشی از بدی‌های دیگران در حق خود، بخشش و گذشت از آنها، از پسندیده‌ترین صفات اخلاقی است که در قرآن و روایات مورد سفارش قرار گرفته است.

خداوند در قرآن، پیامبر ﷺ را به گذشت از آزارهای اهل کتاب فرا خوانده^۲ و به عفو فرمان می‌دهد.^۳ هم‌چنین، مؤمنان را به عفو و بخشش دیگران توصیف نموده^۴ و در جایی دیگر، بخشش را به آنها دستور

۱. همان، ج ۶، ص ۷۰.

۲. البقرة: ۱۰۹.

۳. الأعراف: ۱۹۹.

۴. آل عمران: ۱۳۴.

می‌دهد.^۱ نکته قابل توجه این است که مهمترین اثر عفو و چشم‌پوشی از بدی دیگران، اجر و پاداش الهی است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾.^۲

آثار دیگر بخشش براساس آنچه در روایات آمده است، عبارت است از: «از میان رفتن کینه‌ها»، «عزت و سرافرازی»، «طول عمر»، «جذب مردم و اصلاح آنان»، «جلب حمایت مردم».^۳

امام علی علیه السلام ویژگی‌های زیر را درباره «چشم‌پوشی از بدی دیگران» می‌فرماید:^۴

«از نشانه‌های مروّت و مردانگی»، «از برترین پارسایی»، «کمال زیرکی»، «در آسایش بودن دل»، «کم شدن تأسّف»، «در امان بودن از هلاکت».

۱. النور: ۲۲.

۲. الشوری: ۴۰. «کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست».

۳. ر.ک: اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، ص ۱۵۷.

۴. ر.ک: غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۰۸۶.

فراز دهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَ حَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ: و مرا به زینت انسان‌های شایسته آراسته فرما
وَ اَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ اِطْقَاءِ النَّائِرَةِ، وَ
ضَمِّ اَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ اِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ اِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ
الْعَرِيكََةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سَكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَقَةِ،
وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ اِيْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَ الْاِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ
الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ اِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَ اِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ
فَعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ اِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فَعْلِي: و زینت انسان‌های با تقوا
را به من بپوشان در گسترش عدل، و فرو بردن خشم، و خاموش کردن
آتش [دشمنی و فتنه]، و به هم پیوستن کسانی که از هم پراکنده شده‌اند،
و اصلاح میان مردم، و آشکار نمودن کارهای خوب، و پنهان نمودن
کارهای زشت [و عیب]، و نرم‌خویی، و فروتنی، و نیک سیرتی، و
سنگینی و وقار، و خوش برخوردی در معاشرت با مردم، و پیشی گرفتن

[از دیگران] در [انجام] فضیلت، و برگزیدن احسان، و ترک سرزنش، و احسان کردن به کسی که مستحق آن نیست، و گفتن سخن حق اگرچه سنگین باشد، و اندک شمردن گفتارها و کردارهای نیکم، اگرچه گفتار و رفتار نیکم زیاد باشد، و زیاد شمردن کار بد و زشتم، اگرچه گفتار و رفتار زشتم کم باشد.

وَ اكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لَزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرِعِ: و اموری را [که شمارش کرده و طلب نمودم] برایم کامل گردان با مداومت بر طاعت، و همراهی با جماعت، و ترک اهل بدعت، و رها نمودن کسی که اندیشه خودساخته و اختراعی را به کار می‌گیرد.

۱۰ - ۱. نوزده ویژگی انسان‌های صالح و متقی

فطرت و طبیعت انسان به گونه‌ای است که همواره به دنبال جلب منفعت و دفع ضرر از خویشتن است. این امر فطری و طبیعی، گاه موجب بروز اختلاف و منازعه در زندگی اجتماعی و تعامل با دیگران می‌شود. از این رو، در آموزه‌های اخلاقی اسلام دستوراتی داده شده است تا با رعایت آنها زمینه اختلاف و منازعه فراهم نشده و مانعی برای نیل به سعادت انسان به وجود نیاید.

امام سجاده علیه السلام در دهمین فراز این دعا، پس از درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش، آراسته شدن به زیور انسان‌های شایسته (الصالحین) و پوشیدن لباس انسان‌های با تقوا (المتقین) را از خداوند متعال طلب نموده و از میان آنها، ویژگی‌هایی را به طور مشخص بر شمرده است. ویژگی‌های مورد نظر، صفاتی هستند که در زندگی اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرند.

از آن جا که ارائه آیات و روایات مرتبط با این ویژگی ها، مجالِ مستقل را می طلبد بنابراین فقط به برخی از آنها اشاره ای می کنیم. ویژگی های اخلاقی مورد نظر امام علیه السلام عبارتند از:

۱۰- ۱- ۱. گسترش عدل

خداوند در قرآن، همگان را به عدالت ورزی فرا خوانده و درباره عدل و عدالت می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۱

معرفی عدل به عنوان یکی از مأموریت های پیامبران^۲، دستور به پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر رعایت عدل میان مردم^۳، از دیگر آیات قرآن درباره عدل است.^۴ در مقابل، درباره انسان های ظالم با جملاتی مثل: ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾؛ خداوند ستمگران را دوست ندارد، ﴿إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ﴾؛ به حقیقت که ستمکاران روی فلاح و رستگاری را نخواهند دید، ﴿بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾؛ آری ستمکاران در گمراهی آشکارند، روبه رو می شویم.

در روایات اسلامی، بر صفت اخلاقی — اجتماعی عدل و آثار آن بسیار تأکید شده و آثاری برای آن بیان شده است. نمونه هایی از آثار عدالت عبارتند از:

۱. النحل: ۹۰. «به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای (حق) خویشاوند، فرمان می دهد...».

۲. الحديد: ۲۵.

۳. الشوری: ۱۵.

۴. درباره سایر آیات رک: المائدة: ۸؛ الأنعام: ۱۵۲؛ النساء: ۵۸ و ۱۳۵.

«بهتر از هفتاد سال عبادت»، «بزرگی و سروری»، «برکت و دوام نعمت»، «غلبه و پیروزی»، «بهبود وضعیت مردم»، «رواج احکام الهی»، «رضایت الهی»، «سپری نگهبان و بهشتی جاودان»، «اقتدا به طریقه و روش خداوند و موجب پایداری و ثبات دولت‌ها»، «تمجید نکردن عدل و مذمت نکردن ظلم هم‌چون جنگ با خدا»، «وسیله‌ای برای اصلاح برنامه‌های رعیت در زندگی»، «دو چندان شدن برکات حق بر انسان»، «سبب آبادانی شهرها»، «زیبایی ایمان»، «برترین درجات ایمان» و ...^۱

برخی از موانع عدالت‌ورزی عبارتند از:

۱. رابطه خویشاوندی و دوستی:

۲. پیروی از هوای نفس:

خداوند درباره دو مورد پیشین می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۲

۳. دشمنی و خصومت:

خداوند در قرآن، به‌طور صریح به مسلمانان رعایت عدل را حتی نسبت به دشمنان نیز دستور داده است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

۱. برای آگاهی از روایات معصومین علیهم‌السلام درباره عدل ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۴۴-

۱۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۴؛ غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۹۳.

۲. النساء: ۱۳۵. «ای مؤمنان! به دادگری بپاخیزید و برای خداوند گواهی دهید هرچند به زیان خود یا پدر و مادر و یا نزدیکان (تان) باشد و اگر (هر یک از دو طرف دعوا) دارا باشد یا نادار، خداوند به (دستگیری از) هر دو سزاوارتر است، پس (در گواهی دادن) از هوا (ی نفس) پیروی نکنید که به یک‌سو گرایید و اگر (در گواهی دادن) زبان بگردانید یا (از آن) رو برتابید بی‌گمان خداوند از آن‌چه می‌کنید آگاه است».

الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ^۱
 ۴. نیت ناپسند:

۵. زیاد بودن طمع:

۶. کم بودن تقوا:

درباره سه مورد پیشین، امام علی علیه السلام می فرماید: «برای دست یافتن به عدل، از خیر خواهی برای مردم و کم کردن طمع ورزی و افزودن پارسایی (ورع)، کمک بگیر».^۲
 از این روایت استفاده می شود که نیت ناپسند، طمع و بی تقوایی از موانع عدالت ورزی است.

۱۰- ۱- ۲. فرو بردن خشم

برخورداری انسان از قوه غضب، یکی از مواهب الهی از سوی حضرت حق است. انسان با وجود این نیرو می تواند به هنگام بروز خطر از سوی دشمن، جان خویش را حفظ نماید. اما نباید فراموش شود که به کارگیری این قوه نیز همانند سایر قوا، تابع مقرراتی است که شارع مقدس معین فرموده است؛ زیرا خشم و غضب (در مقابل حلم و بردباری)، یکی از خطرناک ترین حالات انسان بوده و برانگیخته شدن آن می تواند گناهان بزرگ و پیامدهای جبران ناپذیری را برای او و دیگران به دنبال داشته باشد.

۱. المائدة: ۸ «ای مؤمنان! برای خداوند به پاخیزید و با دادگری گواهی دهید و نباید دشمنی با گروهی شما را وادارد که دادگری نکنید، دادگری ورزید که به پرهیزکاری نزدیک تر است و از خداوند پروا کنید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است».

۲. الحیاء، ج ۶، ص ۸۲۸.

از این رو، در آیات و روایات، نسبت به «کظم غیظ» توجه داده شده و خطرات ناشی از آن خاطر نشان شده است. «کظم غیظ» به معنای خویشتن داری و تسلط انسان بر نفس خویش به هنگام بروز خشم و غضب است. واژه «غیظ» یک بار در قرآن به کار رفته است. پس از آن که خداوند به پرهیزکاران وعده بهشت جاویدان می‌دهد که وسعت آن به وسعت آسمان‌ها و زمین است آن‌گاه در این آیه به چند ویژگی آنها اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱. پیامدهای مثبت کظم غیظ در روایات عبارتند از:

«از راه‌های محبوب برای قرب به خداوند»، «ایمنی و ایمان در قیامت»، «عزت دنیا و آخرت و رسیدن به بهشت»، «خشنودی و رضایت خداوند در قیامت» و ...^۲.

برای این که انسان بتواند از حالت خشم گریخته و به عواقب شوم آن مبتلا نشود، راه‌هایی معرفی شده است که عبارتند از:

۱. توجه به آثار و پیامدهای زیان‌بار خشم
۲. تغییر دادن حالت خویش
۳. خارج شدن از محیط

۱۰-۱-۳. خاموش کردن آتش دشمنی و فتنه

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس آتش فتنه را برافروزد، خود آتش‌گیره آن شود».^۳

۱. آل عمران: ۱۳۴. «همان کسانی که در شادی و رنج می‌بخشند و فروخورندگان خشم و در گذرندگان از مردم‌اند. و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

۲. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳. تصنیف غرر الحکم، ص ۴۶۴، ح ۱۰۶۷۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیزند که اندکشان هم بسیار است: آتش، دشمنی، فقر، بیماری».^۱

۱۰- ۱- ۴. پیوند دادن مردم از هم گسسته

اختلاف و پراکندگی می‌تواند انسان را به ارتکاب گناهانی از قبیل بدگویی، دشنام، تحقیر، اهانت، غیبت، تهمت و ... وادار سازد. ازاین‌رو، یکی از وظایف مؤمن این است که پراکندگی را در میان مردم به پیوند تبدیل نماید. خداوند در چندین مورد، مسلمانان را از پراکندگی منع نموده است، آن جا که می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾.^۲

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾.^۳

امام علی علیه السلام آثار منفی تفرقه و پراکنده شدن را چنین می‌فرماید:

۱. طعمه شیطان شدن: «از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود».^۴
۲. فتنه و فساد از ناحیه شیطان: «همانا شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۵، ح ۴۶.

۲. آل عمران: ۱۰۳. «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید».

۳. همان: ۱۰۵. «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن‌که نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند».

۴. نهج البلاغه، ص ۱۷۱، خطبه ۱۲۷.

بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی بر پراکندگی شما بیفزاید و در پراکندگی، شما را دچار فتنه گرداند.^۱

۱۰-۱-۵. اصلاح میان مردم

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾^۲. و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ﴾^۳. این مسئله در آیات دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۴

رسول خدا ﷺ فرمود: «شما را به کاری که بهتر از روزه و نماز و صدقه است، خبر دهم؟ اصلاح میان مردم؛ زیرا فساد میان مردم، مایهٔ هلاک است».^۵

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «هنگامی که بین دو شیعهٔ ما اختلافی مشاهده کردی، از مال من بپرداز [و به آن دعوا خاتمه بده]».^۶ و نیز فرمود: «صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد، اصلاح میان مردم است زمانی که به فساد گراییده‌اند؛ و نزدیک نمودن آنان به هم است زمانی که از یک‌دیگر دوری گزیده‌اند».^۷

پیامبر ﷺ فرمود: «اصلاح میان مردم، شعبه‌ای از شعبه‌های نبوت است».^۸

۱. همان، ص ۱۶۳، خطبه ۱۲۱.

۲. الأنفال: ۱. «و خصوصت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید».

۳. الحجرات: ۱۰. «مؤمنان برادر یک‌دیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید».

۴. ر.ک: الأنفال: ۱؛ الحجرات: ۹.

۵. نهج الفصاحة، ص ۲۴۰، ح ۴۵۸.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۳.

۷. همان، ص ۲۰۹، ح ۱.

۸. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۶۳.

۱۰- ۱- ۶. آشکار نمودن کارهای خوب

۱۰- ۱- ۷. پنهان نمودن کارهای زشت

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از گناه و لغزش مؤمنی آگاه گردد و آن را افشا کند و مکتوم ندارد و برای او استغفار ننماید، افشا کننده نزد خداوند مانند عامل گناه است و معصیتی را که افشا نموده است به حساب او گذاشته می‌شود...»^۲

اظهار خوبی‌ها و پنهان نمودن بدی‌ها، از صفاتی است که در برخی از دعاها، خداوند به آنها متصف شده است. جمله آغازین یکی از دعاهایی که از امام صادق علیه السلام وارد شده است، فراز «یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح؛ ای خداوندی که زیبایی را آشکار می‌کنی و زشتی‌ها را می‌پوشانی»، است. امام علی علیه السلام در دعای کمیل خطاب به خداوند چنین عرضه می‌دارد: «کم من قبیح سترته و کم من ثناء جمیل لست أهلا له نشرته؛ خداوند! چه بسیار زشتی‌هایی را که پنهان داشته‌ای و چه بسا تمجید و ثنای خوبی را که من شایسته آن نبوده‌ام، نشر داده‌ای».

۱۰- ۱- ۸. نرم‌خویی

خداوند در قرآن، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ

۱. النور: ۱۹. «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است».

۲. بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۲۱۶، ح ۱۶.

حَوْلَكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ...^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: «علم، چه پشتیبان خوبی برای ایمان است. و بردباری چه پشتیبان خوبی برای علم است. و رفق و مدارا چه پشتیبان خوبی برای بردباری است. و نرم‌خویی چه پشتیبان خوبی برای رفق و مداراست».^۲
امام باقر عجلیه فرمود: «برای هر چیزی قفلی است [که آن را از دستبرد حفظ می‌کند] و قفل ایمان، نرم‌خویی است».^۳

۱۰-۱-۹. فروتنی

درباره تواضع و فروتنی در فراز چهارم توضیح داده شود.

۱۰-۱-۱۰. نیک‌سیرتی

امام صادق عجلیه فرمود: «خدای تبارک و تعالی به یکی از پیامبرانش چنین وحی فرمود: خوش‌خلقی گناه را آب می‌کند چنان‌که خورشید، یخ را آب می‌کند».^۴
امام باقر عجلیه فرمود: «کامل‌ترین مردم از لحاظ ایمان، خوش‌خلق‌ترین آنهاست».^۵

۱۰-۱-۱۱. سنگینی و وقار

یحیی بن عمران حلبی می‌گوید: به امام صادق عجلیه عرضه داشتم: چه

۱. آل عمران: ۱۵۹. «به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب ...».

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۵، ح ۱۴.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱.

۴. همان، ص ۱۰۰، ح ۹.

۵. همان، ص ۹۹، ح ۱.

خصلت‌هایی برای مرد زیباتر است؟ فرمود: «سنگینی و وقاری که باعث ترس مردم نشود؛ سخا و جودی که در آن توقع تلافی نباشد؛ و دل مشغولی به غیر متاع دنیا».^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: «نیکی به خوب بودن لباس و ظاهر نیست بلکه خوبی در آرامش و وقار است».^۲

۱۰- ۱- ۱۲. خوش‌برخوردی در معاشرت با مردم

شخصی به امام صادق ﷺ عرضه داشت: حدّ و اندازه حسن خلق چیست؟ فرمود: «فروتنی کنی و خوش سخن باشی و با برادرت با خوش رویی برخورد کنی».^۳

امام صادق ﷺ از پدراناش از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «به واجبات الهی عمل کن تا با تقواترین مردم باشی. به آن‌چه خداوند داده است راضی باش تا بی‌نیازترین خلق باشی. از محرّمات الهی خودداری کن تا پارساترین مردم باشی. با همسایه‌ات به نیکی رفتار کن تا مؤمن باشی. با هم‌نشین خود به نیکی معاشرت نما تا مسلمان باشی».^۴

۱۰- ۱- ۱۳. سبقت جستن در انجام فضیلت

امام علی ﷺ فرمود: «افتخار انسان به فضیلت اوست نه به خانواده‌اش».^۵

۱. همان، ص ۲۴۰، ح ۳۳.

۲. نهج الفصاحة، ص ۶۵۶، ح ۲۳۷۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۸، ح ۴۰.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۹، ح ۹۳۸۷.

و نیز فرمود: «آن‌که دیگران را در همه چیز بر خود مقدم بدارد، سزاوار نام فضیلت است».^۱

و نیز فرمود: «هرکس به کسی که به او بدی نموده است خوبی کند، در حقیقت، مجموعه فضل‌ها را دریافت کرده است».^۲

و نیز فرمود: «زمانی که از محرمات الهی بپرهیزی و دامن خود را از ارتکاب شبهات پاک نگهداری و واجبات را عمل کنی و به مستحبات روی آوری، فضایل را در دین کامل کرده‌ای».^۳

در روایات دیگر، «انصاف»، «نگهداری زبان»، «بذل نیکی»، «بدی را با نیکی تلافی کردن»، «جرایم دیگران را با عفو و گذشت پوشاندن»، «مالک بودن بر خشم»، «میراندن شهوت حرام» و ... از برترین و بهترین فضیلت‌ها معرفی شده‌اند.

۱۰-۱-۱۴. برگزیدن تفضّل و احسان

درباره احسان به دیگران در فراز «۳-۸» توضیح داده شد.

۱۰-۱-۱۵. ترک سرزنش

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کسی که برادر دینی خود را به گناهی سرزنش کند، نمیرد تا به آن گناه دچار شود».^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که مؤمنی را سرزنش و ملامت کند، خداوند او را در دنیا و آخرت ملامت و سرزنش نماید».^۵

۱. همان، ص ۳۹۶، ح ۹۱۷۴.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۸۹۰۵.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۱، ح ۵۹۰۵.

۴. نهج الفصاحة، ص ۷۵۱، ح ۲۹۲۰.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۱.

رسول خدا ﷺ فرمود: «برادرت را سرزنش و شماتت مکن که خداوند او را معاف کند و تو را مبتلا گرداند».^۱

۱۰-۱-۱۶. احسان کردن به کسی که مستحق آن نیست

امام علی علیه السلام فرمود: «نیکی کردن به بدی کننده، نیکوترین احسان است».^۲
آن حضرت در سفارش به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود: «با دشمن خود به احسان و بخشش رفتار کن؛ زیرا شیرین ترین دو پیروزی است (انتقام گرفتن یا بخشیدن)».^۳

۱۰-۱-۱۷. به حق سخن گفتن، اگرچه سنگین و سخت باشد

رسول خدا ﷺ فرمود: «پرهیزکارترین مردم کسی است که حق بگوید در آن چه که به نفع و به ضرر اوست».^۴
امام صادق علیه السلام فرمود: «از حقیقت ایمان آن است که حق را، اگرچه به ضررت باشد، بر باطل، اگرچه به سودت باشد، مقدم بداری».^۵

۱۰-۱-۱۸. اندک شمردن گفتارها و کردارهای نیک خود

۱۰-۱-۱۹. بسیار شمردن زشتی های خود

رسول اکرم ﷺ فرمود: «... به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه بنگرید به کسی که به معصیت و نافرمانی او جرأت کرده اید».^۶

۱. نهج الفصاحة، ص ۶۷۲، ح ۲۴۶۷.

۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۸۸، ح ۸۱۷۳.

۳. نهج البلاغه، ص ۳۸۱، نامه ۳۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۸۸، ح ۱۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۱۴.

۶. همان، ج ۷۴، ص ۱۷۰، ح ۶.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بپرهیزید از گناهایی که به نظرتان کوچک می‌آید؛ زیرا این قبیل گناهان بخشوده نخواهند شد. راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: گناهایی که کوچک شمرده می‌شوند، چیستند؟ فرمود: شخص، گناهی را مرتکب می‌شود و می‌گوید: خوشا به حال من اگر غیر از این گناهی نمی‌داشتم»^۱.

۱۰ - ۲. مداومت بر طاعت خداوند

دراین باره به فرازهای «۵ - ۴» و «۲۹ - ۲» مراجعه کنید.

۱۰ - ۳. همراهی با جماعت مسلمانان

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: «... سه چیز است که باید قلب هر مسلمان نسبت به آنها خالی از غلّ و غشّ باشد: ۱. اخلاص عمل برای خدا، ۲. خلوص مودّت نسبت به پیشوایان مسلمانان، ۳. ملازمت و هماهنگی با جمعیت مسلمانان...»^۲.

۱۰ - ۴. کناره‌گیری از اهل بدعت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که بدعت‌گزاری را تکریم نماید با این عمل خود به ویران نمودن اسلام کمک نموده است»^۳.
و نیز فرمود: «هر کس به نفرت و دشمنی، از بدعت‌گزار روی گرداند، خداوند دل او را از یقین و خشنودی لبریز می‌سازد»^۴.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱.

۳. نهج الفصاحة، ص ۷۴۷، ح ۲۸۹۷.

۴. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۲، ص ۱۱۶.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر بدعتی گمراهی و راه هر گمراهی به سوی آتش است».^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌ها فرمود: «آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت گذاری در احکام اسلامی است. نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است. و گروهی بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند که برخلاف دین خداست».^۲

۱۰- ۵. کناره‌گیری از اندیشه‌های از خودساخته و اختراعی

اندیشه حق و صحیح، اندیشه‌ای است که با عقل قطعی و برهانی و نیز آموزه‌های دینی، تعارض و مخالفتی نداشته باشد. گاهی، برخی افراد با پیروی از گمان و حدس، در صدد آن هستند که دریافت خویش را به عنوان یک باور عقلی و یا به عنوان یک دستور دینی جلوه دهند درحالی که نه معیارهای یک باور عقلی در آن رعایت شده است و نه از متون اصیل دین قابل برداشت است. «تفسیر به رأی» که در روایات بسیاری از آن نهی شده است، در زمره اندیشه‌های خود ساخته و اختراعی است؛ زیرا تفسیر ضابطه‌مند و روشمند، تفسیری است که قرآن، سنت و عقل قطعی (برهانی)، به عنوان سه منبع اصیل و دارای حجّیت، مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر مفسّر به جای به‌کارگیری این منابع، به حدس و گمان خویش تکیه کرده و به صورت مستقلّ به فهم آیات قرآن اهتمام کند، نتیجه‌ای که خواهد گرفت، تفسیر به رأی است. در یکی از روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۶، ح ۸.

۲. نهج البلاغه، ص ۷۱، خطبه ۵۰.

خداوند متعال چنین می‌فرماید: «کسی که کلام مرا (قرآن) با رأی و اندیشه خود تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است».^۱

خداوند در قرآن، همگان را به پیروی از راه خویش دستور داده و می‌فرماید:

﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.^۲

اطاعت از خداوند و رسول او از دستورات قرآنی است.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۴۵، ح ۳۳۱۷۲.

۲. الأنعام: ۱۵۳. «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزکاری پیشه کنید».

۳. رک: آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ النساء: ۵۹؛ المائدة: ۹۲؛ الأنفال: ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ النور: ۵۴؛ محمد: ۳۳؛ المجادلة: ۱۳؛ التغابن: ۱۲.

فراز یازدهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش درود فرست
وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ: و گسترده‌ترین روزیت را
هنگامی که پیر شدم، برای من قرار ده
وَ أَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ: و بیشترین نیرویت را هنگامی که
درمانده و رنجور شدم، در من قرار ده
وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ: و مرا به سستی و تنبلی در عبادت و
اطاعتت مبتلا نساز
وَلَا أَلْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ: و مرا به نایبایی در راهت مبتلا نساز
وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ: و مرا به انجام چیزی که مخالف محبت
تو می‌باشد، مبتلا نساز
وَلَا مُجَامَعَةً مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ: و مرا به هم‌نشینی با کسی که از تو جدا
شده است، مبتلا نساز
وَلَا مُفَارَقَةً مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ: و مرا به جدایی از کسی که با تو اجتماع
نموده است، مبتلا نساز

۱۱-۱. رزق وسیع^۱

برای هر انسانی، توانایی مالی در هر برهه‌ای از زندگی، امری کاملاً مطلوب بوده و همگان خواستار آن می‌باشند. یکی از اموری که در دنیا موجب عزّت و سربلندی انسان می‌شود، تمکّن مالی در رفع نیازهای خود و خانواده‌اش است. علاقه به توانایی مالی، در همه دوران زندگی به یک اندازه نیست. این تمایل، بسته به مقدار نیاز تفاوت می‌کند. در دوران جوانی و میانسالی به دلیل تحرّکات و خواسته‌های متفاوت، هر شخصی برای تأمین نیازهای خود به مال و وسعت رزق احتیاج دارد اما این احتیاج در زمان کهنسالی از ناحیه دیگری قابل توجه است؛ زیرا سنّ کهنسالی، سنی است که معمولاً توانایی کار و فعالیت چندان فراهم نیست و از طرفی، انسان، نقش محوری در میان خانواده خویش پیدا کرده و محل توجه فرزندان و نوه‌ها و ... قرار گرفته است. در چنین حالتی، اگر از رزق و روزی وسیع برخوردار نباشد، روزگار بر او سخت خواهد شد و آبرو و عزّتش به خطر خواهد افتاد. اگرچه وظیفه اخلاقی فرزندان این است که از نظر مالی، پدر و مادر را در دوران پیری تأمین نمایند اما احتیاج به فرزند، برای پدر و مادر چندان مطلوب نمی‌باشد.

۱۱-۲. درخواست توانایی

درباره حقیقت انسان، دو دیدگاه وجود دارد:

- الف) دیدگاه مادی: براساس این دیدگاه، انسان فقط همین جسم است که پس از پایان عمر، از بین رفته و متلاشی می‌شود.
- ب) دیدگاه الهی: طبق این دیدگاه، انسان دارای دو بعد است که

۱. ر.ک: فرازهای: ۳ - ۴؛ ۲۳ - ۲.

عبارتند از: جسم و روح (نفس)؛ که با پایان یافتن عمر، به کلی از بین نرفته و بعد غیر مادی او زندگی دیگری را تجربه می‌کند. این دیدگاه، محور تعالیم ادیان الهی بوده است.

دیدگاه دوم، با این که انسان را دارای دو بعد جسمانی و روحانی می‌داند، اما معتقد است که حقیقت انسان همان بعد روحانی او است. با این حال، باید به این مطلب توجه داشت که نفس انسان از طریق بدن و ابزار جسمانی، امور مورد نظر خود را پیش برده و تحقق می‌بخشد؛ بنابراین، اگر بدن در حالت سلامت نباشد این حالت، در نفس نیز تأثیر گذاشته و امور مورد نظر نفس با مشکلاتی مواجه شده و درد و رنج‌های بدنی، مانعی برای پرداختن به اموری هم‌چون عبادت، علم‌آموزی، کار و تلاش برای رفع نیازهای زندگی و ... می‌شود.

۱۱-۳. سستی در عبادت

در فرازهای پیشین درباره عبادت و تأکید بر آن در قرآن و روایات سخن گفتیم^۱ و گفتیم که عبادت، وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خداوند متعال بوده و نردبانی است که انسان را به درجات رفیع معنوی می‌رساند و آثار دنیوی و اخروی آن برای او بسیار است. به بهشت رسیدن و از جهنم رهیدن با عبادت محقق خواهد شد.

اسباب و عوامل مختلفی وجود دارد که می‌تواند توفیق انجام عبادت را از انسان گرفته و او را از درک فیوضات دنیوی و اخروی آن دور کند. یکی از این عوامل، سستی و تنبلی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا

۱. ر.ک: فراز ۳-۳ و فراز ۷-۳.

كُسَالَى يَرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که درباره طهارت و نماز خود تنبل باشد در او خیری برای کار آخرتش وجود ندارد. و هر کس که در کار معیشت خود تنبل باشد در او خیری برای کار دنیایش وجود ندارد»^۲.
پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «یا علی! از دو خصلت بپرهیز: تنگ حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر تنگ حوصله شوی هیچ حقی را نمی‌پذیری و چون تنبل باشی حق هیچ چیزی را ادا نمی‌کنی»^۳.

۱۱-۴. نابینایی در راه حق

برای این‌که انسان در زندگی به موفقیت رسیده و طعم زندگی شیرین را درک کند باید نسبت به ویژگی‌های زندگی در دنیا شناخت پیدا کند تا بتواند آگاهانه راه را دیده و مسیر صحیح را تشخیص بدهد. زندگی دینی نیز از این معنا برخوردار بوده و باید برای رسیدن به سعادت و کمالی که با عمل نمودن به دستورات دینی، در دنیا و آخرت نصیب انسان می‌شود، راه را به خوبی دید و حق و حقیقت را از باطل تشخیص داد.

انسان‌ها در مواجهه با دنیا به دو قسم تقسیم می‌شوند:

الف) کسانی که دنیا برای آنها اصالت داشته و هدف نهایی آنها را تشکیل می‌دهد. اندیشه این گروه فقط به امور مادی منحصر گشته و به حقیقت خویش و حقیقت جهان هستی توجهی ندارند.

۱. النساء: ۱۴۲. «منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند درحالی‌که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند».

۲. الحیاء، ج ۵، ص ۴۹۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۳۵.

ب) کسانی که دنیا برای آنان وسیله‌ای است تا با آن به زندگی حقیقی و جاوید دست یابند.

نگاه اخیر، نگاهی است که ادیان به آن توجه داشته‌اند. در این نگاه، انسان برای رسیدن به حقیقت، باید از اندیشه در حقیقت خویش و تأمل در عالم هستی باز نماند. در این نگاه، توجه به عنایات خداوند و سایر متعلقات ایمان موجب می‌شود که در رسیدن به سعادت و کمال حقیقی دچار نابینایی باطنی و کوردلی نشود.

در نگاه قرآن، کسانی که از یاد خدا غافل شوند، در تنگنا قرار خواهند گرفت. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ - قَالَ رَبُّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا - قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى^۱

غرق شدن در مادیات و زرق و برق دنیا و توجه افراطی به آنها از عمده‌ترین عوامل فراموشی خداوند بوده و محروم شدن از رحمت خداوند را در پی دارد.

۱۱-۵. حرکت در مسیر محبت خداوند

در قرآن و روایات، درباره محبت بندگان به خداوند، سخن گفته شده و اهل ایمان به آن سفارش شده‌اند. در این جا به بیان یک آیه بسنده می‌کنیم:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ

۱. طه: ۱۲۴-۱۲۶. «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا! چرا نابینا محسوسم کردی؟! من که بینا بودم! می‌فرماید: آن‌گونه که آیات من برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی امروز نیز تو فراموش خواهی شد!».

مَنْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ جِهَادٌ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^۱.

پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ یک از شما مؤمن نیست مگر این که خدا و رسولش از هر چیز دیگری نزد او محبوب تر باشند»^۲.

۱۱-۶. هم نشین نبودن با دشمنان خدا

پیروی از شیطان و هواهای نفسانی، حرکت در مسیری است که خداوند آنها را دوست نداشته و فقط دشمنان او هستند که در این مسیر قرار دارند. قرار گرفتن در این مسیر، چیزی جز گناه و معصیت و دور ماندن از رحمت الهی را به دنبال ندارد.

امام علی فرمود: «از کسی که دوستی اش برای خدا نیست، بپرهیز؛ زیرا دوستی او پستی است و هم نشینی با او شوم است»^۳.

و نیز فرمود: «هر که در دین مردم با آنها دغل کاری کند، دشمن خدا و پیامبر اوست»^۴.

و نیز فرمود: «هم نشینی با هواپرستان، ایمان را به دست فراموشی می سپارد و شیطان را حاضر می کند»^۵.

۱. التوبة: ۲۴. بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید و خانه هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند و خداوند جمعیت نافرمان بردار را هدایت نمی کند».

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۲۰۷.

۳. تصنیف غرر الحکم، ص ۴۲۳، ح ۹۷۰۵.

۴. همان، ص ۸۶، ح ۱۴۳۶.

۵. نهج البلاغه، ص ۱۰۳، خطبه ۸۶.

امام باقر علیه السلام فرمود: «با چهار کس هم‌نشینی و برادری مکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغ‌گو...»^۱

۱۱-۷. هم‌نشینی با دوستان خدا

از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد: کدام هم‌نشینان، بهترند؟ فرمود: «کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش دانشتان را افزون سازد و کردارش شما را به یاد آخرت آورد».^۲

و نیز فرمود: «هم‌نشینی با اهل دین، مایه شرافت در دنیا و آخرت است».^۳

۱. الخصال، ص ۲۴۴، ح ۱۰۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۸۶، ح ۳.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۴.

فراز دوازدهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ: پروردگارا! چنان کن که به هنگام سختی‌ها به یاری تو بکوشم

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ: و به هنگام نیاز، خواسته‌ام را از تو بخواهم
وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِنَةِ: و به هنگام فقر و تنگ‌دستی، به سوی تو زاری نمایم

وَلَا تَقْتَنِي بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ: و هنگامی که بیچاره و مضطرّ شدم مرا به یاری خواستن از غیر خودت آزمایش مکن
وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ: و هنگامی که نیازمند شدم مرا به تواضع و فروتنی برای درخواست چیزی از غیر خودت امتحان مکن
وَلَا بِالْتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ: و هنگامی که ترسیدم مرا به زاری و گریه نزد کسی غیر از خودت آزمایش مکن

فَأَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ خِدْلَانَكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: تا در صورت پناه بردن به غیر تو، سزاوار یاری نرساندن و ممنوعیت و روی گرداندن تو شوم. ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱۲-۱. یاری طلبیدن از خدا به هنگام سختی‌ها

زندگی در دنیا با مشکلات و سختی‌های بسیاری همراه است که گاه طاقت را از انسان سلب می‌کند. استعانت و یاری طلبیدن از خداوند برای برطرف نمودن مشکلات، رویه‌ای است که اولیای الهی در زندگی به آن تمسک نموده و به مقصود خویش دست می‌یافتند.

خداوند در قرآن، یاری مؤمنان را بر خود لازم دانسته و می‌فرماید:

﴿كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۲

هر مسلمانی، روزانه دست کم ۱۰ مرتبه از خداوند متعال یاری طلبیده و می‌گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۳.

۱۲-۲. درخواست نمودن از خدا به هنگام نیاز

در آموزه‌های اسلامی، عزت و سربلندی مؤمن یکی از مهمترین مسائل است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۴.

از طرفی، اظهار احتیاج و درخواست از دیگران با عزت نفس سازگاری نداشته و موجب تحقیر مؤمن می‌شود.

رسول اکرم ﷺ به ابوذر فرمود: «از درخواست کردن بپرهیز، که در

۱. الروم: ۴۷. «یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما».

۲. غافر: ۵۱. «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و

(در آخرت) روزی که گواهان به‌پا می‌خیزند یاری می‌دهیم».

۳. الحمد: ۵. «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».

۴. المنافقون: ۸. «عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است».

این کار، ذلت دنیوی و تعجیل در فقر است و در قیامت، حساب طولانی خواهد داشت».^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند، ابراهیم خلیل را به دوستی خود برگزید برای این که او نه سائلی را رد می کرد و نه از غیر خداوند درخواست می نمود».^۲

امام علی علیه السلام فرمود: «یک ساعت ذلت، با عزت تمام دوران زندگی برابری نمی کند».^۳

۱۲-۳. تضرع فقط به سوی خدا

گاهی مشکلات و سختی ها موجب می شوند که انسان برای التیام خاطر خویش نزد دیگران لب به زاری و تضرع گشوده و برای رفع مشکل خود از آنها طلب یاری نماید. از آن جا که یاری خداوند همواره با مؤمن همراه است و اسباب و علل مادی، بدون اراده الهی هیچ تأثیری نخواهند داشت بنابراین باید در چنین مواقعی فقط به سوی خداوند متعال زاری و تضرع نمود.

امام باقر علیه السلام فرمود: «چهار چیز از گنجینه های نیکی است: پنهان داشتن حاجت، پنهان داشتن صدقه، پنهان داشتن درد و پنهان داشتن مصیبت».^۴
افراد با ایمان از اظهار حاجت نزد مردم دوری کرده و فقط ذات اقدس الهی را مخاطب خویش قرار می دهند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که مصیبت و رنج درونی خود را به

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۲.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۶، ح ۴.

۳. الحدیث، ج ۲، ص ۶۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵.

مردم بگویند خویشتن را رسوا نموده است و بهترین بی‌نیازی، ترک درخواست از دیگران است و بدترین فقر، تواضع [به هنگام نیاز] در مقابل دیگران است».^۱

امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که فقر و تنگ‌دستی خود را آشکار کند قدر و منزلت خود را خوار نموده است».^۲

۱۲-۴. سرافراز شدن در سه آزمایش الهی

«فتنه» به معنای «آزمایش و امتحان»، مسئله‌ای است که همگان به آن مبتلا می‌شوند. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾.^۳

مؤمن در زندگی با امور مختلفی سر و کار دارد که هر یک از آنها می‌تواند آزمایشی برای سنجیدن ایمان او باشد. امام سجاد علیه السلام در این فراز از دعا، سه مصداق از آزمایش‌های الهی را نام برده و خواهان آن است که در این آزمایش‌ها سرافراز باشد. آن سه مصداق عبارتند از:

۱. یاری طلبیدن از غیر خدا در مواقع اضطرار
 ۲. تواضع در برابر غیر خدا به هنگام نیاز
 ۳. زاری و تضرع در برابر غیر خدا به هنگام ترس و وحشت
- بی‌نیازی و امنیت، مایه عزت و شرافت انسان و فقر و ناامنی مایه

۱. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۱۵۳، ح ۸۵۵۵.

۳. العنکبوت: ۲. «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد».

خواری و ذلت است، به‌ویژه وقتی که انسان برای برون رفت از این دو حالت به غیر خدا پناه ببرد.

چنان‌که گفته شد، انسان باید خواسته‌های خویش را در شرایط فقر و ترس به خداوند عرضه کرده و با توجه به توحید افعالی ذات اقدس الهی، فقط از او استمداد کند. اگر کسی چنین نکرد و از غیر خداوند، برطرف شدن نیاز و ترس خویش را طلب نمود، چه عاقبتی در انتظار او است؟ پاسخ امام سجاد علیه السلام به این پرسش آن است که چنین شخصی سزاوار آن است که خداوند، یاری خود را از او دریغ نموده و او را محروم سازد. بنابراین مؤمن باید در هنگام مشکلات و سختی‌ها رو به سوی خدا کرده و به او توکل کند؛ زیرا:

اولاً: ﴿مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۱

و ثانیاً: امام علی علیه السلام فرمود: «هر کس به خداوند توکل نماید، خداوند او را کفایت می‌کند و هر کس از پیشگاه مقدس او درخواست نماید، به وی اعطا می‌فرماید»^۲.

۱. الطلاق: ۳، «هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند».

۲. نهج البلاغه، ص ۱۰۹، خطبه ۹۰.

فراز سیزدهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَالتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ ذِكْرًا
لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ: پروردگارا! «تمنا»
[نسبت به چیزی که شایستگی آرزو کردن را ندارد] و «بدگمانی» و
«حسادت» را که شیطان در قلب من می‌افکند، [دگرگون نموده و] یاد
بزرگی‌ات، اندیشه در توانایی‌ات و چاره‌سازی برای [از بین بردن]
دشمنت را جایگزین آن قرار بده

وَمَا أُجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضَ أَوْ شَهَادَةٍ
بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطَقًا بِالْحَمْدِ لَكَ،
وَإِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا
بِإِحْسَانِكَ، وَإِحْصَاءَ لِمَنِّكَ: و «الفاظ زشت بر زبان جاری کردن (فُحْش)»
یا «سخن بیهوده گفتن» یا «آبروی کسی را بردن» یا «گواهی و شهادت
باطل دادن» یا «غیبت مؤمن غائبی را کردن» یا «شخص حاضری را دشنام
دادن» و هر آن‌چه شبیه این‌گونه سخن‌ها را که شیطان بر زبانم جاری
می‌سازد، [دگرگون ساخته و به جای آن،] سخنانم، حمد و سپاس برای

تو و افزونی در ستایش تو و سخن گفتن درباره بزرگی تو و شکر نعمت‌های تو و اعتراف به احسان تو و شمارش خوبی‌های تو باشد.

۱۳- ۱. دوری از گناهان قلبی

«شیطان» یکی از موجودات عالم هستی است که با خداوند متعال، مخالفت ورزید^۱ و از رحمت الهی رانده شد.^۲ با این‌که طبق فرموده خداوند، حيلة شیطان ضعیف است^۳ اما با این حال، نسبت به برخی افراد، همین مقدار ضعیف نیز اثر نموده و زحمات معنوی آنها را باطل می‌کند ولی نسبت به بندگان صالح خداوند تسلطی ندارد.^۴ «زینت دادن کارهای زشت»^۵، دعوت انسان به سوی زشتی‌ها^۶ و القای آن در قلب انسان یکی از برنامه‌های شیطان است. امام سجاده علیه السلام خواهان آن است که القائات زشت شیطانی به القائات نیکوی رحمانی تبدیل شوند.

سه القای شیطانی

سه‌گونه از القائات زشت شیطانی که در این فراز آمده، چنین است:

۱. تمنا: مقصود از تمنا، آرزوهای غیر واقعی، دور و دراز و موهوم است که از رذایل اخلاقی بوده و انسان را به گناهانی آلوده می‌کند. مهم‌ترین اثر آن، دوری از خداوند و نزدیکی به شیطان است. باید توجه داشت که اصل «آرزو» و «امید» نکوهیده نبوده و وجود آن در انسان،

۱. مریم: ۴۴ - البقرة: ۳۴.

۲. الحجر: ۳۴ - ۳۵.

۳. النساء: ۷۶.

۴. الحجر: ۴۲.

۵. رک: الأنعام: ۴۳؛ الأنفال: ۴۸؛ النمل: ۲۴؛ العنکبوت: ۳۸.

۶. رک: إبراهيم: ۲۲.

رحمت است. چنان‌که رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آرزو برای ملت من رحمت است و اگر آرزو نمی‌بود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغداری درختی را غرس نمی‌نمود».^۱

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ﴾.^۲

امام علی عليه السلام فرمود: «آن‌که پیش از شما زندگی می‌کردند به خاطر آرزوهای دراز و پنهان بودن زمان أجل‌ها نابود گردیدند، تا ناگهان مرگ وعده داده شده بر سرشان فرود آمد ...».^۳

و نیز فرمود: «تمنای غیر واقعی و آرزوی باطل، سلطان شیطان‌ها بر قلوب افراد غافل است».^۴

هم‌چنین فرمود: «تمنیات و آرزوهای دراز و نشدنی، چشم دل را نابینا می‌نماید».^۵

برخی از آثار چنین آرزوهایی براساس آن‌چه در روایات آمده است، عبارت است از: «سرچشمه بسیاری از گناهان»، «یکی از اسباب مهم قساوت قلب»، «سبب فراموشی مرگ»، «سبب زندگی پررنج»، «محرومیت از نعمت‌ها»، «محروم شدن از درک حقایق»، «کفران نعمت».^۶

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.

۲. محمد: ۲۵. «کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است».

۳. نهج البلاغه، ص ۱۹۳، خطبة ۱۴۷.

۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۳۱۲، ح ۷۲۰۶.

۵. همان، ص ۶۵، ح ۸۶۰.

۶. رک: اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

۲. بدگمانی و سوءظن: درباره این صفت ناپسند اخلاقی در سومین بند فراز هفتم توضیح داده شد (۷-۳).

۳. حسادت: درباره این صفت ناپسند اخلاقی در دومین بند فراز هفتم توضیح داده شد (۷-۲).

سه القای رحمانی

هر آن‌چه در مسیر هدایت الهی و رسیدن به سعادت و کمال اخروی بوده و نشانگر فضیلتی از فضیلت‌های اخلاقی و رفتاری باشد، القای رحمانی و الهی است. در این جا به سه نوع از آنها که در کلام امام سجاد علیه السلام تصریح گردیده، اشاره می‌کنیم:

۱. یاد عظمت و بزرگی خداوند

۲. اندیشه در قدرت خداوند

۳. تدبیر و نقشه برای براندازی دشمنان خداوند

۱۳-۲. اجتناب از گناهان زبان

زبان از اعضای ارزشمند و مفید برای انسان است که می‌تواند آثار نیک و شایسته‌ای را برای انسان باقی نهد.^۱ با این حال، در میان اعضای بدن، یکی از گسترده‌ترین آنها از نظر ارتکاب گناه بوده و لغزش‌های فراوانی دارد. غیبت، شهادت دروغ، سخن‌چینی، دروغ، تمسخر و استهزاء، عیب‌جویی، غناء، مرء (جدال)، فحش و بدزبانی، بیهوده‌گویی، آشکار نمودن راز دیگران، سخن‌چینی و... از جمله آنهاست. در روایات اسلامی، خطراتی از قبیل: «خونریزی»، «هلاکت»، «رنج و مصیبت»، «آتش جهنم» و... برای زبان بیان شده است.^۲

۱. ر.ک: فراز: ۸ - ۲.

۲. ر.ک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۳۳.

امام سجاده علیه السلام در این قسمت از فراز سیزدهم، به شش گناه از گناهان زبان اشاره نموده و خواهان آن است که به جای ارتکاب چنین گناهانی، زبان، ابزاری برای پرداختن به اموری باشد که مورد رضایت خداوند است.

شش گناه زبان

گناهانی که در این قسمت مورد توجه قرار گرفته‌اند از این قرارند:

۱. فحش دادن و بد زبانی کردن:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از جمله بندگان بد خدا کسی است که مردم از مجالست با او کراهت دارند؛ زیرا زبانش آلوده به فحش و دشنام است».^۱
و نیز فرمود: «خداوند بهشت را حرام نموده بر کسانی که دارای زبانی فحاش بوده و حیای آنها کم است؛ باک ندارند از این که چه می‌گویند و باک ندارند که درباره آنان چه گفته می‌شود...».^۲

۲. بیهوده‌گویی:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «از نشانه‌های نیکوی مسلمان، ترک سخنانی است که به کارش نمی‌آید».^۳

۳. آبروی کسی را بردن:

امام علی علیه السلام فرمود: «هر کس از شما بتواند خدا را درحالی ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاک و زبانش از عرض و آبروی مردم سالم ماند، باید چنین کند».^۴

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۸.

۲. همان، ص ۳۲۳، ح ۳.

۳. نهج الفصاحه، ص ۷۴۱، ح ۲۸۵۶.

۴. نهج البلاغه، ص ۲۳۹، خطبه ۱۷۶.

۴. شهادت باطل دادن:

رسول خدا ﷺ فرمود: «بزرگ‌ترین گناهان بزرگ، شرک به خدا و قتل نفس و بد رفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ است».^۱

۵. غیبت کردن:

در این باره در فراز «۹ - ۵» سخن گفتیم.

۶. دشنام دادن شخص حاضر:

امام کاظم علیه السلام درباره دو مردی که به یک‌دیگر دشنام می‌دادند، فرمود: «آن‌کس که دشنام را آغاز نموده ظالم‌تر است. گناه خودش و گناه شخص مقابلش به عهده اوست البته در صورتی که شخص مظلوم در کلام خود تعدی و تجاوز نکرده باشد».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «مبغوض‌ترین خلق خداوند کسی است که مردم از شرّ زبانش پرهیز دارند».^۳

شش سخن پسندیده

درخواست‌های امام سجاده علیه السلام درباره جایگزین شدن آنها به جای گناهان زبان است، عبارتند از:

۱. حمد خداوند: حمد خداوند، یکی از مصادیق عبادت و در زمره بزرگترین عبادات است. جمله: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ۲۳ مرتبه و جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ۶ مرتبه در قرآن به کار رفته است. در روایات اسلامی، درباره حمد و اهمیت آن بسیار سخن گفته شده و به آن سفارش شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نعمتی را که خداوند به بنده خود عطا

۱. نهج الفصاحة، ص ۲۳۶، ح ۴۳۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

فرماید، خواه آن نعمت بزرگ باشد یا کوچک، اگر دریافت‌کننده نعمت، «الحمد لله» بگوید، ادای شکر آن نعمت را نموده است»^۱.

امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که حمد را پایان نعمت قرار دهد خداوند آن را کلید افزایش نعمت قرار می‌دهد»^۲.

۲. ثنا و ستایش خداوند

۳. بزرگ شمردن خداوند

۴. شکر نعمت‌های خداوند

۵. اعتراف به احسان خداوند

۶. شمارش نعمت‌های خداوند

۱. همان، ص ۹۶، ح ۱۴.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۸۸۹۱.

فراز چهاردهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
دروود فرست

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي: و [کاری کن که] مورد ستم واقع
نشوم درحالی که تو بر دفع ستم از من توانایی

وَلَا أَظْلَمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي: و [کاری کن که من] به کسی
ستم نکنم درحالی که تو بر بازداشتن من از ستم به دیگران قدرت داری

وَلَا أَضِلُّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَكَ هِدَايَتِي: و [کاری کن که] گمراه نشوم
درحالی که بر هدایت من توانایی

وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَسْعِي: و [کاری کن که] تهیدست نشوم با آن
که بی نیازی من از جانب توست

وَلَا أَطْغَيْنَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجْدِي: و [کاری کن] که سرکشی و طغیان
نکنم درحالی که توانایی و تمکن من از جانب توست

۱۴- ۱. مورد ستم واقع نشدن

عالم دنیا، عالم تراحم و تعارض است و طبیعت انسان به گونه ای

است که می‌خواهد منفعت را به سوی خود جلب کرده و ضرر را از خویش دور سازد. برخی انسان‌ها برای رسیدن به این مقصود، از حدّ و مرزی که دین برای آنها تعیین کرده است، فراتر رفته و گاه ظلم به دیگران را مرتکب می‌شوند درحالی که به عدالت رفتار کردن، مورد رضایت خداوند است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.^۱

از آن‌جا که خداوند متعال با قدرت مطلق خویش، بهترین حامی برای مؤمن است بنابراین مؤمن باید از او درخواست حمایت کند؛ زیرا خداوند خود را یاریگر مؤمنان معرفی نموده و می‌فرماید: ﴿كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۲

امام علی علیه السلام فرمود: «ستم‌گرترین مردم کسی است که ستم خود را عدالت به شمار آورد».^۳

۱۴-۲. به کسی ستم نکردن

شبهه این جمله را امام سجاده علیه السلام در دعای چهاردهم صحیفه سجاده بیان نموده و می‌فرماید: ﴿اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ﴾؛ بار الها! همان‌طور که نمی‌خواهی من مورد ظلم و تعدی واقع شوم مرا نگاهداری و محافظت فرما تا به دیگران ستم نکنم.

۱. الحدید: ۲۵. «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

۲. الروم: ۴۷. «یاری مؤمنان، همواره حقّی است بر عهده ما».

۳. الحیاه، ج ۶، ص ۵۳۰.

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که صبح کند درحالی که نیت ستم به کسی را در دل ندارد، خداوند گناه او را می بخشد».^۱
و نیز فرمود: «از ظلم کردن دوری کنید؛ زیرا قلب های شما را ویران می کند».^۲

۱۴-۳. گمراه نشدن

انسان، هم از هدایت تکوینی و هم از هدایت تشریعی خداوند برخوردار شده است.^۳ درباره هدایتگری خداوند آیاتی در قرآن وجود دارد از جمله این که می فرماید: ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۴ و یا می فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾.^۵

در این میان گروهی، از روی اراده و اختیار، پذیرای هدایت الهی شده و به سعادت می رسند و گروهی نیز آن را قبول نکرده و از فیوضات الهی محروم می شوند.

امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود: «خداوند در بین مردم دو حجت دارد: حجت ظاهری (آشکار) و حجت باطنی (پنهان). حجت ظاهری خداوند، رسولان، انبیا و امامان علیهم السلام هستند و حجت باطنی خداوند، عقل های مردم است».^۶
دو حجتی را که امام علیه السلام به هشام خاطر نشان کرده و از آنها سخن می گوید در واقع دو ابزار برای هدایت انسان به سوی حق و حقیقت اند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۱۵، ح ۳۴.

۳. ر.ک: فراز: ۵ - ۱.

۴. طه: ۵۰. «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده سپس هدایت کرده است».

۵. الإنسان: ۳. «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس».

۶. الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

آیات دیگری که درباره هدایت خداوند سخن می گویند، از این قرارند: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱، ﴿وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾^۲ و ...

۱۴-۴. تهی دست نشدن

دراین باره به فراز سوم (۳-۴) مراجعه کنید.

۱۴-۵. سرکشی نکردن

خداوند درباره سرکشی و طغیان می فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَعَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾^۳.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «چه بد بنده ای است، آن بنده که سرکشی و طغیان نماید و خدای جبارِ والا مرتبه را فراموش کند»^۴.

و نیز فرمود: «نشانه خیانتکار چهار چیز است: نافرمانی خدای رحمان، آزار رساندن به همسایگان، نفرت از همگنان و نزدیک شدن به طغیان و سرکشی»^۵.

گشایش و قدرت مالی از جمله اموری است که می تواند مایه طغیان و سرکشی شده و تجاوز از حق را به دنبال داشته باشد. خداوند در قرآن

۱. العنکبوت: ۶۹. «و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد».

۲. التغابن: ۱۱. «و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند».

۳. النازعات: ۳۷ - ۳۹. «اما آن کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدم داشته، مسلماً دوزخ جایگاه اوست».

۴. النوادر، ص ۲۲.

۵. تحف العقول، ص ۲۲.

می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَلَمْ يَرَأَهُ اسْتَغْنَى﴾^۱.

منشأ چنین طغیانی آن است که انسان، حقیقت خود را فراموش کرده و می‌پندارد که مالک حقیقی است و از خود استقلال دارد درحالی که اگر به خود بیاید خواهد دانست که او چیزی جز امانتدار نبوده و از خود استقلالی ندارد.

۱. العلق: ۶ - ۷. «به یقین انسان طغیان می‌کند - از این که خود را بی‌نیاز ببیند».

فراز پانزدهم

اللَّهُمَّ إِلَىٰ مَغْفِرَتِكَ وَقَدْتُ: پروردگارا! فقط به سوی آمرزش تو آمدم
وَإِلَىٰ عَفْوِكَ قَصَدْتُ: و فقط بخشش تو را اراده نمودم
وَإِلَىٰ تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ: و فقط به گذشت تو مشتاقم
وَبِفَضْلِكَ وَثَقْتُ: و فقط به فضل و احسان تو اطمینان دارم
وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ: و نزد من چیزی نیست که
موجب آمرزش تو شود
وَلَا فِي عَمَلِي مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ: و در کردارم، عملی نیست که به
سبب آن سزاوار بخشش تو شوم
وَمَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَىٰ نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ: و پس از آن که بر
خودم [به بدی و ستم] حکم نمودم، راهی جز فضل و احسان
تو ندارم
فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ: پس بر [حضرت] محمد و
خاندانش درود فرست و [آمرزش و بخشش را بدون این که سزاوار آن
باشم] بر من تفضل فرما

۱۵- ۱. به سوی مغفرت خداوند

«مغفرت» به معنای پوشاندن معاصی و آمرزش گناهان بوده و یکی از نام‌های خداوند «غافر» است. واژه «مغفرت» ۲۲ بار و مشتقات ماده «غ ف ر» ۲۳۴ مرتبه و در ۲۰۲ آیه از قرآن به کار رفته است. در میان این آیات، ۴۰ مرتبه از جمله «اللَّهُ غَفُورٌ» استفاده شده است. مغفرت از خداوند مسئله‌ای است که هم در قرآن و هم در روایات و هم در دعاها بر آن تأکید شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾^۱
 ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^۲

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: «دلها دچار زنگ‌زدگی می‌شوند همان‌طور که فلزات را زنگ فرا می‌گیرد. با استغفار و تلاوت قرآن، دلها را جلا دهید [و زنگشان را برطرف نمایید]»^۴.

و نیز فرمود: «کسی که زیاد استغفار نماید خداوند برای او در هر اندوه و غمی گشایشی فراهم می‌آورد و از هر تنگنا، راه خروجی به رویش می‌گشاید و از جایی که حساب نمی‌کند به وی روزی می‌رساند»^۵.

۱. البقرة: ۲۶۸. «شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا

(و زشتی‌ها) امر می‌کند ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می‌دهد».

۲. آل عمران: ۱۳۳. «و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان».

۳. المائدة: ۹. «خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است».

۴. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۴، ح ۸.

۵. همان، ص ۱۷۴، ح ۸.

علی علیه السلام فرمود: «عجب از کسی است که مأیوس می شود با آن که وسیلهٔ محو گناه را در اختیار دارد. عرض شد آن وسیله چیست؟ فرمود: استغفار».^۱

۱۵-۲. قصد بخشش خداوند

خداوند از مؤمنان، عفو و گذشت از خطاهای دیگران را خواسته و خود را نیز به این صفت پسندیده نام نهاده و در چهار آیه از تعبیر «عَفُوًّا» برای توصیف خویش استفاده کرده است. در یکی از این آیات می خوانیم: ﴿إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تُعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾.^۲
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، بخشنده است و بخشش را دوست دارد».^۳

امام سجاده علیه السلام در دعای شانزدهم صحیفه سجاده به خداوند عرض می کند:
﴿أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَأَعْفُ عَنِّي﴾؛ پروردگارا! تو نفس خود را به رحمت توصیف فرموده ای پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا مشمول رحمت خود قرار ده. تو خود را به نام عفو و بخشنده خوانده ای، از من بگذر و عفو خود را شامل حالم نما.

۱۵-۳. مشتاق گذشت خداوند

امام سجاده علیه السلام در این جمله نیز همانند دو جمله پیشین با تعبیری دیگر، بخشش و آمرزش و گذشت خداوند را خواستار است. خداوند در قرآن

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۹، ح ۲۱۰۰۵.

۲. النساء: ۱۴۹. «اگر نیکی ها را آشکار یا مخفی سازید و از بدی ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست (و با این که قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می کند)».

۳. نهج الفصاحه، ص ۲۹۷، ح ۷۰۴.

درباره گروهی که شایسته گذشت می باشند، فرمود:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ تَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾.^۱

۱۵-۴. اطمینان به فضل خداوند

«فضل» و رحمت خداوند از جمله مسائلی است که در قرآن به آن توجه داده شده است. در برخی از آیات قرآن می خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾.^۲
 ﴿وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳
 ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾.^۴
 ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾.^۵

اطمینان و اعتماد به فضل خداوند متعال از اموری است که مؤمن باید به آن یقین داشته و در زندگی مورد توجه قرار دهد.

امام جواد علیه السلام فرمود: «وثوق و اطمینان به خداوند، قیمت هر متاع عالی و

۱. الأحقاف: ۱۶. «آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می کنیم و از گناهانشان می گذریم و در میان بهشتیان جای دارند این وعده راستی است که وعده داده می شدند».

۲. البقرة: ۲۴۳. «خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی آورند».

۳. آل عمران: ۱۵۲. «و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد».

۴. النمل: ۷۳. «مسئلاً پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد ولی بیشترشان شکرگزار نیستند».

۵. النساء: ۱۷۵. «اما آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می کند».

گران است و نردبان بلندی است برای رسیدن به هر نقطه رفیع و عالی».^۱
 امام علی علیه السلام درباره وثوق به خداوند فرمود: «اعتماد به خدا،
 قویترین امید و آرزوست».^۲ «ریشه خشنودی، نیکویی اعتماد است به
 خدا».^۳ «هر که به خدا اعتماد کند، توانگر گردد».^۴

۱۵-۵. درخواست تفضل از خداوند

خداوند از مؤمنان خواسته است که از خطای یک‌دیگر گذشته و هم‌دیگر
 را مورد بخشش قرار دهند. اما چنان‌که می‌دانیم بخشش و گذشت در
 میان مردم نیز دارای ملاک و میزان بوده و این‌گونه نیست که از هر کسی
 و نسبت به هر خطایی گذشت شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عفو و گذشت، موجب فساد شخص پست
 می‌شود چنان‌که موجب اصلاح شخص بزرگوار می‌شود».^۵

این معنا درباره بخشش‌های خداوند نیز بدون حساب و کتاب نبوده
 و عدالت و حکمت خداوند حکم می‌کند که آمرزش و بخشش او برای
 کسی خواهد بود که شایستگی و صلاحیت بخشش را تا اندازه‌ای کسب
 کرده باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ
 يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾.^۶

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۴.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۶۰۵.

۳. همان، ج ۳۰۸۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۵۰۳، ح ۷۶۰۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۴۲۱.

۶. النساء: ۴۸ و ۱۱۶. «خداوند (هرگز) شرک را نمی‌بخشد! و پایین‌تر از آن را برای
 هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می‌بخشد».

امام سجاده علیه السلام در جملات پیشین، درباره مغفرت، عفو، گذشت و فضل خداوند سخن گفت و از خداوند متعال آنها را خواستار شد. اکنون به مناسبت همان درخواست‌ها، جملاتی را به حضرت حق عرضه می‌دارد. به نظر می‌رسد که سه جمله اول این قسمت به منزله مقدمه و جمله چهارم آن به منزله نتیجه و خواسته آن حضرت از خداوند است؛ زیرا در جمله اول عرض می‌کند: «پروردگارا! نزد من چیزی نیست که موجب مغفرت تو شود»؛ و در جمله دوم عرضه می‌دارد: «در کردارم، عملی نیست که مرا مستحق عفو تو نماید». وقتی چنین وضعیتی برای انسان به وجود آید، مستحق عذاب الهی خواهد شد و از این رو در جمله سوم عرض می‌کند: «برای رهایی از عذاب، راهی برای من وجود ندارد جز این که مرا از فضل و رحمت خود برخوردار نمایی». و در نهایت، از خداوند می‌خواهد که همین راه را برای او در نظر گرفته و مورد تفضل خویش قرار دهد.

جالب این جاست که امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم الأخلاق، بیشتر فرازها را با ذکر صلوات آغاز نموده و به دنبال صلوات، خواسته خویش را به محضر خداوند عرضه می‌دارد. در این جا نیز که خواستار تفضل از خداوند است ابتدا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود می‌فرستد و سپس تفضل و احسان را درخواست می‌نماید.

فراز شانزدهم

اللَّهُمَّ وَانْطِقْ بِي بِالْهُدَى: پروردگارا! مرا برای هدایت نمودن [مردم] به سخن آورده و گویا فرما
وَاللَّهُمَّ إِنِّي التَّقْوَى: و پرهیزکاری را در قلب من [الهام نموده و در آن] بیانداز
وَوَفَّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى: و برای انجام آنچه پاکیزه‌تر [و رشد
دهنده‌تر و با برکت‌تر] است، موفقم بدار
وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى: و در کاری که [از نظر تو] رضایت‌بخش‌تر
است، به کارم گیر

۱۶- ۱. زبان گشودن به هدایت مردم

خداوند، علاوه بر هدایت تکوینی انسان، با فرستادن پیامبرانی، او را از هدایت تشریعی خود نیز برخوردار نمود.^۱ به گزارش قرآن، پیامبران الهی عهده‌دار تعلیم و تزکیه مردم، ایجاد قسط و عدل، آزادی انسان‌ها از قید اسارت، دفع اختلاف مردم، تشویق و تهدید انسان‌ها بوده‌اند.^۲ هر مؤمنی

۱. رک: فراز: ۵ - ۱.

۲. به ترتیب رک: الجمعة: ۲؛ الحديد: ۲۵؛ الأعراف: ۱۵۷؛ البقرة: ۲۱۳؛ الأنعام: ۴۸.

باید هدایت مردم به سوی خوبی‌ها و ارزش‌های معنوی را مورد توجه قرار داده و از این طریق در گسترش دین الهی سهیم باشد. در این میان، زبان، ابزاری برای تحقق این امر مهم است که اگر به درستی از آن استفاده شود، ابزاری ارزشمند برای ورود به رحمت و فضل الهی است و اگر از مسیر صحیح منحرف شود، خشم الهی و آثار خطرناکی را در پی دارد.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «امیر مؤمنان گفت: هنگامی که پیامبر مرا به یمن روانه کرد، گفت: ای علی! با کسی پیش از آن که وی را دعوت به اسلام کرده باشی، مقاتله مکن. به خدا سوگند که اگر خداوند مردی را به دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از همه آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است و حق دوستی او با خداوند از آن تو است».^۱

سماعه می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه شریفه «و هر کس نفسی را بدون مجوز شرعی بکشد گویا همه مردم را کشته است و هر کس نفسی را احیا کند گویا همه مردم را زنده کرده است» (المائدة: ۳۲) پرسیدم. فرمود: «کسی که نفسی را از گمراهی برهاند و به هدایت برساند هم‌چنان است که او را زنده کرده و هر که نفسی را از هدایت به گمراهی بکشد، محققاً او را کشته است».^۲

۱۶-۲. الهام شدن پرهیزکاری بر قلب

تقوا و پرهیزکاری و ترس از عذاب الهی، از ارزشمندترین صفات اخلاقی نیکو است که در آیات و روایات مورد سفارش قرار گرفته است.

۱. الحیاه، ج ۱، ص ۶۹۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱.

خداوند متعال، ۳۸ مرتبه با تعبیر «اتَّقُوا اللَّهَ»، انسان را به تقوا و ترس از خدا دستور داده است. براساس آیات قرآن، تقوا آثار زیر را در پی دارد:

۱. تشخیص حق از باطل، پوشاندن گناهان، آمرزش: خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَقْوَا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فِرْقَانًا وَ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرَ لَكُمْ...﴾^۱
۲. امنیت و آرامش: ﴿فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲

۳. نزول برکات: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...﴾^۳

آثار دیگر تقوا عبارتند از: «نجات از جهنم»، «عدم تأثیر مکر دشمنان»، «پذیرش اعمال»، «رسیدن به رستگاری»، «محبوب خداوند شدن»^۴.
امام صادق (ع) فرمود: «... عمل اندک همراه با تقوا، بهتر از عمل زیاد بدون تقواست...»^۵.

امام علی (ع) فرمود: «هیچ کاری [همراه] با تقوا اندک نیست»^۶.

۱. الأنفال: ۲۹. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد».

۲. الأعراف: ۳۵. «کسانی که پرهیزکاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می‌شوند».

۳. الأعراف: ۹۶. «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».

۴. به ترتیب ر.ک: مریم: ۷۹؛ آل عمران: ۱۲۰؛ المائدة: ۲۷؛ نبأ: ۲۱؛ آل عمران: ۷۶.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۷۶، ح ۷.

۶. نهج البلاغه، ص ۴۵۹، حکمت ۹۵.

امام علی علیه السلام درباره آثار و فواید تقوا می‌فرماید: «همانا ترس از خدا (تقوا)، کلید هر در بسته و ذخیره رستخیز و عامل آزادی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است. در پرتو پرهیزکاری، تلاشگران پیروز و پروا کنندگان رستگار و به هر آرزویی می‌توان رسید».^۱

۱۶-۳. توفیق برای انجام امور پاکیزه‌تر

«زکات» در لغت به معنای طهارت، نمو، برکت و مدح است و به این معانی در قرآن به کار رفته است. واژه «أزکی»، چهار مرتبه در قرآن استعمال شده و از پاکیزه‌تر بودن برخی امور یاد کرده است.^۲

مؤمن باید تلاش کند که در زندگی فردی و اجتماعی، پاکیزه‌ترین عمل را به لحاظ دینی، انتخاب کرده و گام‌های مهم‌تری برای رشد اخلاقی خویش بردارد. در این جا از امام علی علیه السلام روایاتی نقل می‌شود که در آنها برخی از مصادیق عمل پاکیزه‌تر بیان شده است:

۱. «متاع و بهره دنیا حطامی است و بادار (یعنی در ارزش و کم قدری مانند ریزه‌های علفی است که بین راه ریخته). پس، از چراگاهی که کوچیدن از آن سودمندتر از آرام گرفتن در آن و اکتفا به آن (به اندازه کفاف) پاکیزه‌تر از ثروت آن است، دوری نمایید».^۳

۲. «تقوا و پرهیزکاری پاکیزه‌ترین زراعت است».^۴

۳. «پاکیزه‌ترین مال آن است که از راه حلال به دست آید».^۵

۱. همان، ص ۳۳۳، خطبه ۲۳۰.

۲. البقرة: ۲۳۲؛ الکهف: ۱۹؛ النور: ۲۸ و ۳۰.

۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۵۲۴، ح ۹۸۵۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۵۴۹، ح ۶۱۳.

۵. همان، ص ۱۳۸۴، ح ۲۹۵۶.

۱۶-۴. فعالیت در امور رضایت‌بخش‌تر

به‌طور کلی انجام اعمالی که خداوند به آنها دستور داده و یا انجام آنها را نیکو شمرده است و نیز ترک اعمالی که از آنها نهی فرموده و یا انجام ندادن آنها را نیکو شمرده است، مورد رضایت خداوند است. با این حال، وقتی دو یا چند عمل در کنار هم قرار می‌گیرند برخی از آنها به لحاظ آثار و پیامدهای بهتر و بیشتر، از ارزش والاتری برخوردار بوده و رضایت‌بخش‌تر می‌باشند. مؤمن باید در رفتارها و کردارهای خود، نسبت به این‌گونه امور توجه بیشتری داشته و از خداوند بخواهد که توفیق انجام چنین اموری را به وی عطا فرماید؛ زیرا در رشد و تعالی معنوی او نقش بیشتری دارند. برای روشن شدن این مطلب به بیان یک روایت بسنده می‌کنیم:

یکی از انصار نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر! اگر بنا باشد جنازه‌ای را تشییع کنم یا در مجلس درس دانشمندی حاضر شوم، حضور مرا در کدام یک از این دو بیشتر دوست داری؟ پیامبر فرمود: «اگر کسانی باشند که به دنبال جنازه روان شوند و آن را به خاک بسپارند، حاضر شدن در مجلس مرد دانشمند از حضور در تشییع هزار جنازه و دیدار از هزار بیمار و برپا ایستادن برای عبادت در هزار شب و روزه داشتن در هزار روز و صدقه دادن هزار درهم به بینوایان و گزاردن هزار حجّ مستحبّی و حضور در هزار جنگ در راه خدا - به جز جنگ واجب - و دادن مال و جان در این راه، فضیلتی بیشتر دارد. اینها کجا به پای حضور در مجلس عالم می‌رسد؟ آیا ندانسته‌ای که اطاعت و عبادت خدا نیز به علم است و نیکی دنیا و آخرت با علم است و شرّ دنیا و آخرت با جهل و نادانی»^۱.

۱. الحیاء، ج ۱، ص ۶۳. درباره این‌گونه روایات بنگرید: بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۰۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۸.

فراز هفدهم

اللَّهُمَّ اسئَلْكَ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُتَلَى: پروردگارا! مرا در مسیر نیکوتر و بهتر به حرکت وادار
وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا: و مرا بر دین و آیین خود قرار ده
[به گونه ای] که بر آن بمیرم و زنده شوم

۱۷- ۱. قرار گرفتن در بهترین مسیر

در نگاه دینی، راه حق راهی است که به خداوند و جلب رضایت او منتهی می شود. راه حق راهی است که در آن، اوامر الهی انجام گرفته و نواهی او ترک می شود. راه حق راهی است که منتهای آن سعادت و رستگاری است. راه حق راهی است که در آن از هوای نفس و خواسته شیطان پیروی نشده و فقط و فقط، دستورات الهی محور تصمیم گیری ها قرار می گیرد و در یک کلام، راه حق و راه راست، راه خداست، چنان که می فرماید: ﴿وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱.

۱. الأنعام: ۱۴۳. «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و

مسلمانان، روزانه دست کم ده مرتبه از خداوند راه راست را طلب نموده و می‌گویند: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾.^۱

اگر کسی بپرسد: کسانی که خداوند به آنها نعمت داده است و ما همان راه را در سوره حمد از او درخواست می‌کنیم، چه کسانی هستند؟ پاسخ این پرسش در یکی از آیات آمده است. خداوند در آن آیه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾.^۲

در آموزه‌های دینی، مصادیق مختلفی برای قرار گرفتن در مسیر برتر معرفی شده است که در این جا به یک نمونه بسنده می‌کنیم. امام رضا (علیه السلام)، با برتر دانستن «راه قرآن»، در وصف آن می‌فرماید:

«قرآن ریسمان محکم خدا و دستگیره استوارتر او و «راه برتر» اوست که به بهشت می‌کشاند و از آتش می‌رهاند و با گذر زمان‌ها کهنه نمی‌شود و زبان‌های گوناگون، آن را به انحطاط و تباهی نمی‌کشاند؛ چرا که قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشد؛ بلکه به عنوان راهنمای به سوی برهان و حجت برای هر انسانی در نظر گرفته شده است. نه از

انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزکاری پیشه کنید».

۱. الحمد: ۶ و ۷. «ما را به راه راست هدایت کن راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان».

۲. النساء: ۶۹. «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) هم‌نشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیق‌های خوبی هستند».

پیش رو و نه از پشت سرش، باطل به آن راه نیابد. فرود آمده از سوی حکیمی ستوده».^۱

۱۷-۲. زندگی و مرگ بر دین الهی

در یک تقسیم، انسان‌ها بر چهار دسته‌اند:

۱. کسانی که عمر خویش را به عصیان و مخالفت با خدا گذرانده‌اند و تا زمان مرگ نیز بیدار نشدند.

۲. کسانی که بخش عمده عمر خویش را با پیروی از دین خدا سپری نمودند ولی با اجرای دستورات الهی آن را به پایان رسانده و عاقبت به خیر شدند.

۳. کسانی که حرکت آغازین آنها با پیروی و اطاعت از خدا بود ولی با عصیان و گناه آن را به پایان رساندند.

۴. کسانی که زندگی آنها در مسیر هدایت الهی سپری شد و مرگ را نیز با همان حالت در آغوش کشیدند.

امام علی علیه السلام فرمود: «حقیقت سعادت این است که پایان اعمال آدمی به خوبی و سعادت خاتمه یابد و حقیقت شقاوت این است که پایان کارهای انسان به بدی و شقاوت منتهی گردد».^۲

و نیز فرمود: «هیچ گناه‌کاری را نومید مکن، که بسیاری از گناهکاران حرفه‌ای، عاقبت به خیر شده‌اند و بسیاری از نیکوکاران حرفه‌ای، در پایان عمر، کارشان به فساد کشیده است».^۳

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۶۴، ح ۳.

۳. الحیاء، ج ۱، ص ۷۴۴.

آن حضرت در قسمتی از وصیت خویش به امام حسین علیه السلام فرمود: «چه بسا افرادی که در محیط گناه مقیم بوده‌اند و کارشان به خوبی پایان یافته و چه بسا اشخاصی که به خوبی و درستکاری روی آورده بودند و در آخر عمر به فساد گراییدند و جهنمی شدند، پناه به خداوند از این گروه».^۱ از میان چهار گروه یاد شده، فقط گروه دوم و چهارم، طمع سعادت را خواهند چشید با این تفاوت که ارزش و درجه گروه چهارم بسی بالاتر از گروه دوم است.

امام سجاده علیه السلام از خداوند می‌خواهد که توفیق قرار گرفتن در گروه چهارم را داشته و هیچ‌گاه از مسیر برتر و نیکوتری که در جمله پیشین از خداوند درخواست نمود، خارج نشود. آن حضرت در فراز سیزدهم دعای سی و یکم صحیفه سجادیه، به خداوند عرض می‌کند: «تَوْفَّنِي عَلَى مَلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - إِذَا تَوَفَّيْتَنِي؛ هنگامی که می‌خواهی مرا بمیرانی، بر دین خود و آیین پیامبرت محمد - درود خدا بر او باد - بمیران».

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۴۱.

فراز هجدهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَمَتَّعْنِي بِالْاِقْتِصَادِ: و مرا از میانه‌روی و اعتدال [در زندگی] بهره‌مند فرما
وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ: و از ثابته
قدمان [و استقامت پیشگان] و از راهنمایان هدایت و از بندگان شایسته قرارم ده
وَارْزُقْنِي قَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمَرْصَادِ: و پیروزی [و رستگاری] روز
جزا و به سلامت گذشتن از کمین‌گاه را به من روزی فرما

۱۸- ۱. میانه‌روی در زندگی

هرگاه انسان در امور زندگی، از زیاده‌روی (افراط) و کوتاهی (تفریط) دوری نماید، به اعتدال و میانه‌روی دست یافته است. برخی از آیات قرآن که به این مسئله اشاره دارند، عبارتند از:

۱. لقمان به فرزندش می‌گوید: ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾.^۱

۱. لقمان: ۱۹. «در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن».

۲. ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُاذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾^۱.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا...﴾^۲. مسئله اعتدال و میانه روی در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است:

امام علی علیه السلام فرمود: «... هر کس به ما تمسک جوید (از ما پیروی کند)، به ما ملحق خواهد شد؛ و هر کس از راهی جز راه ما برود، غرق خواهد گشت ... و راه ما، راه میانه است و درست روی در پیروی از ماست»^۳.

و نیز فرمود: «بر تو باد میانه روی در کارها؛ چون هرکس از راه میانه عدول کند، ستم کرده است و هر کس آن را بپذیرد به عدل رفتار کرده است»^۴.

امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خویش فرمود: «ای عیسی! مال، مال خداست که آن را به امانت به بندگان خود سپرده و فرمان داده است تا با اقتصاد و میانه روی از آن بخورند و با میانه روی از آن بیاشامند و با میانه روی از آن بپوشند و با میانه روی از آن زناشویی کنند و با میانه روی از مرکب بهره مند شوند و بقیه را به فقرای مؤمنان بازگردانند؛ پس هرکس از این حد درگذرد، آن چه می خورد حرام است و آن چه می نوشد حرام است و آن چه می پوشد حرام است و آن چه صرف

۱. فاطر: ۳۲. «سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم (اما) از میان آنها عده ای بر خود ستم کردند و عده ای میانه رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی ها (از همه) پیشی گرفتند و این، همان فضیلت بزرگ است».

۲. المائدة: ۸۷ «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حد، تجاوز ننمایید».

۳. الحیاء، ج ۴، ص ۱۸۷.

۴. همان.

زناشویی می‌کند حرام است و آنچه هزینه سواری می‌کند، حرام است.^۱
از وصایای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بستر مرگ به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) این بود: «فرزندم! در امر معیشت و زندگی، میانه‌رو باش و در عبادت نیز میانه‌رو. و بر تو باد که در این امور به اندازه‌ای عمل کنی که همیشه توان انجام آن را داشته باشی».^۲

امام علی (علیه السلام) فرمود: «چون خدا خیر بنده‌ای را بخواهد، میانه‌روی و حسن تدبیر را به او الهام می‌کند و از تدبیر بد و اسراف دورش می‌دارد».^۳
امام باقر (علیه السلام) فرمود: «کمال تمام و کامل در سه چیز است: ۱. دین‌شناسی، ۲. صبر و خوشتنداری در مصیبت، ۳. اندازه‌گیری و اعتدال در امر معاش».^۴

امام علی (علیه السلام) فرمود: «کسی که میانه‌روی کند، تنگ‌دست نمی‌شود».^۵
آن حضرت، آثار زیر را برای میانه‌روی بر شمرده است:
«افزودن شدن اندک»، «سبک شدن مخارج»، «عدالت ورزیدن»،
«دورتر از اسراف»، «بهتر و سالم‌تر بودن برای بدن»، «یاری کننده‌تر بر عبادت»، «نشانه قناعت»، «به هلاکت نرسیدن».^۶

۱۸-۲. از اهل سداد شدن

پایداری و استقامت در رفتار و گفتار از ویژگی‌های مؤمن بوده و تلاش

۱. همان، ص ۱۸۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۱۴، ح ۹.

۳. الحیاء، ج ۶، ص ۳۰۴.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۲، ح ۴.

۵. نهج البلاغه، ص ۴۶۹، حکمت ۱۴۰.

۶. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۱۸۵، باب القصد و الاقتصاد.

می‌کند که هیچ‌گاه دچار شک و تردید در راه حق نشود. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۱
و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «از خدا، درستی و استقامت بخواهید و همراه آن، درستی و استقامت در عمل و کار».^۳
امام علی علیه السلام فرمود: «هر که به طریق محکم و درست عمل نماید، مالک [سعادت] گردد».^۴

۱۸-۳. هدایت‌گری

هدایت مردم و دعوت آنها به سوی خوبی‌ها و ارزش‌های دینی از اهمیت والایی برخوردار است.^۵ خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۶

۱. فصلت: ۳۰. «به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است».

۲. الأحقاف: ۱۳. «کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

۳. الحیاء، ج ۱، ص ۴۹۴.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۴۲، ح ۷۹۱۵.

۵. ر.ک: فراز: ۱۶ - ۱.

۶. فصلت: ۳۳. «چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: «من از مسلمانانم».

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردمان را تبلیغ کنید، اما نه با گفتار بلکه با کردار، تا ببینند که شما خود اهل پرهیز پیشگی و کوشش و نماز و عبادت و کار نیکید. تبلیغ واقعی این است».^۱
و نیز فرمود: «ای عبد الله بن جندب! خدا رحمت کند قومی را که چراغ و مشعل بودند. مردمان را با اعمال خود و تلاش خود، به سوی ما دعوت می کردند».^۲

۱۸- ۴. از بندگان شایسته شدن

خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾.^۳
چنان که ملاحظه می شود در این آیه شریفه، «صالحین» در کنار انبیا و صدیقین و شهدا قرار گرفته و کسانی هستند که مشمول نعمت های خداوند می باشند.

خداوند درباره «صالحین» می فرماید: ﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾.^۴
در جایی دیگر می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۱. الحیاء، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. همان.

۳. النساء: ۶۹. «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) هم نشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیق های خوبی هستند».

۴. آل عمران: ۱۴۴. «به خدا و روز دیگر ایمان می آورند امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند و آنها از صالحانند».

لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ^۱.

و نیز می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾^۲.

در آیات قرآن، برای بندگان شایسته، ویژگی‌های از قبیل: «فروتنی و بردباری»، «عبادت شبانه»، «ترس از مجازات الهی»، «اعتدال در انفاق»، «عفت و پاکدامنی»، «گواهی ندادن به باطل» و ... بیان شده است.^۳

امام علی علیه السلام فرمود: «به راستی که شما به کسب کردن عمل‌های شایسته، محتاج‌ترید تا به دست آوردن اعمال».^۴

و نیز فرمود: «به راستی که اگر شما عمل‌های شایسته را غنیمت بشمارید به منت‌های آرزو و امیدها آخرت خواهید رسید».^۵

۱۸-۵. پیروزی در آخرت

«فوز»، به معنای پیروزی است. خداوند از پیروزی انسان در آخرت با عنوان «فوز» یاد کرده و می‌فرماید:

﴿مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾^۶.

۱. العنکبوت: ۹. «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد».

۲. محمد: ۲. «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده - و همه حق است و از سوی پروردگارشان - نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند».

۳. رک: یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۳۶.

۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۰۴۲، ح ۳۸۲۹.

۵. همان، ح ۳۸۴۲.

۶. الأنعام: ۱۶. «آن‌کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته و این همان پیروزی آشکار است».

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾^۱

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۲

اگرچه انسان در این دنیا نیز خواهان پیروزی است اما پیروزی واقعی وقتی تحقق می‌یابد که انسان در محکمه الهی سرافراز و پیروز شود. امام سجاده علیه السلام نیز از همین پیروزی سخن گفته و آن را از خداوند طلب می‌کند.

۱۸- ۶. به سلامت گذاشتن از صراط

«مرصاد» از ماده «رصد» به معنای محلی است که در آن‌جا منتظر شده و مراقب چیزی مثل شکار و یا دشمن می‌شوند. در زبان فارسی، به «کمینگاه» ترجمه می‌شود. این واژه به همین صورت، دو بار در قرآن به کار رفته است: ۱. ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾^۳، ۲. ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾^۴.

۱. الجاثية: ۳۰. «اما کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می‌کند این همان پیروزی بزرگ است».
۲. الحديد: ۱۲. «در روزی است که مردان و زنان باایمان را می‌نگری که نورشان پیش‌رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می‌کند (و به آنها می‌گویند): بشارت باد بر شما امروز به باغ‌هایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است».
۳. النبأ: ۲۱. «مسلماً (در آن روز) جهنم کمینگاهی است بزرگ».
۴. الفجر: ۱۴. «به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است».

به کار بردن این واژه درباره خداوند متعال به این معناست که خداوند همواره مراقب اعمالی است که بندگان انجام می دهند. اگر به نافرمانی او دست بزنند به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

امام علی علیه السلام فرمود: «اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت می دهد از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی کند و او را بر سر راه، در کمین گاه ستمگر است و گلوی آنها را در دست گرفته تا از فرو رفتن آب دریغ دارد».^۱

۱. نهج البلاغه، ص ۱۲۷، خطبه ۹۷.

فراز نوزدهم

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا: پروردگارا! از نفس من آن چه که موجب خلاصی آن [از عذاب] می شود، برای خود بگیر
وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا: و آن چه که نفسم را اصلاح می کند،
برایم باقی بگذار
فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا: زیرا نفس من در هلاکت است مگر آن که
تو آن را [از ارتکاب گناه و عذاب] حفظ نمایی

خلاصی از عذاب و نجات نفس

این فراز یکی از مشکل ترین فرازهای دعای مکارم الأخلاق است؛ زیرا
چندان مشخص نیست که مقصود امام سجاد علیه السلام از «گرفتن» و «باقی نهادن»
چیست؟ درباره معنای این فراز، احتمالات مختلفی وجود دارد که از آنها
صرف نظر کرده و با بیانی که به نظر می رسد این فراز را توضیح می دهیم.
آنچه انسان را نجات داده و موجب خلاصی او از آتش و عذاب
می شود، «ایمان» و «عمل صالح» است. با این حال، ایمان صحیح و عمل
شایسته، قسمتی از تلاش انسان بوده و حفظ ایمان و عمل از گزند

انحراف و مداومت بر آنها نیز امری لازم و ضروری است. از طرفی، انجام گناه، حاکی از ضعف ایمان و موجب از بین رفتن اعمال نیک و بی‌اثر شدن آنها می‌شود. چه‌بسا کسانی که با انجام گناه، چیزی برای عرضه نزد خداوند نداشته باشند.

با توجه به این مطلب، شاید بتوان در توضیح کلام امام سجاده علیه السلام چنین گفت:

مقصود از «گرفتن» آن است که ایمان و عمل شایسته که نفس انسان در انجام آن نقش داشته و موجب خلاصی و نجات او از عذاب و کیفر می‌شود، نزد خداوند حفظ گردیده و از بین نرود.

مقصود از «باقی گذاردن» آن است که ابزارهای لازم برای رسیدن به سعادت که خداوند در وجود انسان قرار داده و او را برای رسیدن به اعمال شایسته یاری می‌کنند، هم‌چنان باقی مانده و دچار اختلال نشوند. حواس پنجگانه، عقل، فطرت، اراده و اختیار، القائنات رحمانی و ... را می‌توان از این ابزار دانست.

امام سجاده علیه السلام در پایان این فراز، خاطر نشان می‌سازد که نفس انسان، دارای دو حالت است که فقط یکی از آنها ممدوح و دارای ارزش است. دو حالت مورد نظر عبارتند از:

۱. هلاک شدن نفس: این حالت وقتی اتفاق می‌افتد که لطف و عنایت خداوند شامل حال انسان نشده و به خود واگذار شود. این واگذاری، چیزی جز هلاکت انسان را به دنبال نخواهد داشت.

۲. حفظ شدن نفس: وقتی است که مورد توجه و عنایت خداوند قرار گرفته و از مسیر صحیح خارج نشود.

فراز بیستم

اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ: پروردگار! اگر [از چیزی] اندوهگین [و غمگین] شوم، دلخوشی [و پناهگاه] من تویی

وَأَنْتَ مُتَجَعِّي إِنْ حُرِمْتُ: و اگر [از نیکی‌ها] محروم شوم، امید من تویی
وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ: و اگر در سختی و مشقت قرار گیرم، یاری خواستنم به سوی توست

وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ: و آنچه از دست برود، جایگزین آن نزد توست
وَلِمَا فَسَدَ صَلَاحُ: و آنچه تباه و فاسد شود، اصلاح آن نزد توست
وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ: و آنچه را که ناپسند بدانی، تغییر و دگرگونی آن به دست توست

فَأَمْنٌ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَاقِبَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجَدَةِ، وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ:
پس، «پیش از رسیدن بلا، عاقبت [و سلامتی] را» و «پیش از درخواست نمودن، توانایی را» و «پیش از پا نهادن در گمراهی، هدایت را» بر من منت بگذار [و از عاقبت، توانایی و هدایت، برخوردارم ساز]
وَ اكْفِنِي مُتَوَنَةً مَعْرَةَ الْعِبَادِ: و عوارض عیب‌جویی و آزار بندگان را

نسبت به من کفایت نموده و بی‌نیازم ساز
وَهَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ وَايْمَنِي وَاَرَامِي رُزْقِيَامَتِ رَا بَه مِن اَرزَانِي دَار
وَأَمْنًا حَسَنًا الْإِرْشَادِ و هِدَايَت نِيكُو رَا بَه مِن عَطَا فَرْمَا

۲۰-۱. خداوند، بهترین پناه انسان

زندگی در این دنیا با شادی‌ها و غم‌ها همراه است. علاقه ذاتی و طبیعی بشر به سمت شادی‌ها بوده و هیچ تمایلی به غم و اندوه ندارد. حوادث ناملایم، انسان را دچار حزن و اندوه می‌کند. بروز حزن و اندوه، گاه به خاطر واقعه‌ای است که در گذشته برای انسان اتفاق افتاده و یادآوری آن اندوهی را برای او به دنبال دارد؛ و گاه اتفاقی که در آینده رخ خواهد داد، موجب حزن و اندوه می‌شود. منشأ این حالت نفسانی، گاهی امور مادی است و گاهی امور معنوی. هم‌چنین به انسان‌های عادی اختصاص نداشته بلکه انبیا و اولیا نیز از آن برخوردار بوده‌اند.

انسان در مواجهه با غم و اندوه، دو حالت می‌تواند داشته باشد که یکی از آنها مذموم و دیگری ممدوح است. حالت مذموم آن وقتی است که غم و اندوه، بی‌صبری را به دنبال داشته و شخص اندوهگین، تسلیم قضای الهی نبوده و حتی زبان به اعتراض بگشاید. در مقابل، راضی شدن به خواسته خداوند و صبوری، حالتی ممدوح است. چنین انسان‌هایی، به آن‌چه اتفاق افتاده، راضی‌اند و با یاد خداوند، آرامش یافته^۱ و به او پناه می‌برند که نتیجه چنین رویه‌ای، رهایی از غم و اندوه است. خداوند درباره انسان‌هایی که در مواجهه با مصیبت، صبر پیشه کرده و تسلیم شده‌اند، می‌فرماید:

۱. الرعد: ۲۸. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١﴾

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: با چه ویژگی‌هایی معلوم می‌شود که مؤمن دارای ایمان واقعی است؟ آن حضرت پاسخ داد: «به تسلیم در برابر [دستورات] خداوند و رضایت داشتن به خشنودی‌ها و خشم‌هایی که بر وی وارد می‌شود».^۲

در روایات اسلامی، رضایت به عنوان نشانه معرفت کامل نسبت به خداوند معرفی گردیده و آثاری از قبیل: آسایش بدنی، آرامش روحی نسبت به آنچه از دست رفته است، از بین بردن اندوه و ... برای آن بیان شده است.^۳

۲۰-۲. خداوند، بهترین امید انسان

مشیت الهی بر این قرار گرفته است که هر کس با تلاش و کوششی که انجام می‌دهد، از نعمت‌های خداوند بهره‌بردار. با این حال، عوامل متعددی وجود دارد که با بروز آنها ممکن است تلاش و کوشش انسان، چندان نتیجه نداده و زندگی انسان با مشکلاتی مواجه شود. در چنین حالتی، انسان نباید امید خویش را از دست بدهد بلکه باید به رحمت خداوند، امیدوار بوده و هم‌چنان تلاش نماید. افراد با ایمان در چنین موقعیت‌هایی، دست نیاز خویش را به سوی خداوند دراز نموده و از او طلب می‌کنند.

۱. البقرة: ۱۵۷-۱۵۸. «آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم - اینها، همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هستند هدایت‌یافتگان».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۲.

۳. درباره «راضی بودن به قضای الهی» رک: الکافی، ج ۲، ص ۶۰.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾.^۱
امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن، مؤمن نیست مگر آن‌که بی‌مناک و امیدوار باشد؛ و بی‌مناک و امیدوار نیست مگر این‌که برای آن‌چه از آن می‌ترسد و به آن امیدوار است، عمل کند».^۲

اگرچه هر انسان با ایمانی، فقط و فقط باید به خداوند توکل داشته و او را سبب‌ساز و سبب سوز خواسته‌های خویش بداند اما به این مطلب نیز باید توجه داشت که در آموزه‌های اسلامی، کمک به مسلمانان و توجه به نیازهای آنها از وظایف اخلاقی هر مسلمانی در زندگی اجتماعی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر یک از شیعیان ما که به نزد یکی از برادران خود برود و درباره حاجت خویش از او کمک بخواهد ولی آن شخص با آن‌که قادر بوده است به او کمک نکند، خداوند او را به برآوردن نمودن حاجات دشمنان ما مبتلا ساخته و در قیامت، برای این عمل عذابش می‌کند».^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برادر دینی او برای گرفتن قرض، نزدش برود و او توانایی قرض دادن را داشته باشد ولی چنین نکند، خداوند، بوی بهشت را بر وی حرام خواهد نمود».^۴

۱. الزمر: ۵۳. «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۳۶۶، ح ۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸، ح ۱.

در روایات اسلامی، آثاری از قبیل: «مصونیت از لغزش»، «مصونیت از مرگ بد»، «زاد و توشه قیامت»، «جذب دل‌ها» و ... برای احسان و نیکی به دیگران بیان شده است. هم‌چنین «ترک منّت»، «شتاب نمودن»، «کوچک شمردن» و «پنهان نمودن»، به عنوان آداب احسان معرفی شده‌اند.

۲۰-۳. خداوند، بهترین یاری‌کننده^۱

انسان در زندگی با امور مختلفی سر و کار دارد. از آن‌جا که عالم ماده، عالم تزاحم و تعارض است بنابراین، گاه با مشکلات و بلاهایی روبه‌رو می‌شود که چه‌بسا طاقت را از او گرفته و ممکن است موجب انحراف فکری و عقیدتی وی شود. در این میان، آن‌چه باید همواره مورد توجه قرار گیرد، آن است که خداوند متعال تنها کسی است که می‌تواند مشکلات انسان را برطرف نموده و او را یاری داده و نجات دهد. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲.

بنابراین، توکل به خداوند در مشکلات و صبر پیشه کردن، یکی از بایسته‌های اخلاقی مؤمن است. خداوند در قرآن، مؤمنان را به توکل فرا خوانده و آیه شریفه ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۳ را ۱۶ بار فرموده است. چرا نباید به خداوند توکل نمود درحالی‌که او «بهترین حامی است»^۴ و «هر کس بر او توکل کند، کفایت امرش را می‌کند»^۵.

۱. رک: فراز: «۱۲ - ۱».

۲. الروم: ۴۷. «یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما».

۳. آل عمران: ۱۶۰؛ المائدة: ۱۱؛ التوبة: ۵۱؛ ابراهیم: ۱۱؛ المجادلة: ۱۰؛ التغابن: ۱۳.

یعنی: «مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند».

۴. آل عمران: ۱۷۳.

۵. الطلاق: ۳.

امام رضا علیه السلام توکل را به عنوان یکی از ارکان ایمان شمرده و می‌فرماید: «ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خداوند عزوجل، رضا به قضای او، تسلیم در برابر فرمان‌های او و واگذاری امور به خداوند».^۱ در روایات، آثاری هم‌چون: «آرامش»، «بی‌نیاز از غیر خدا»، «دستیابی به عزت»، «قدرتمندی»، «آسان شدن دشواری‌ها»، «پیروزی» و ... برای توکل بیان شده است.

۲۰-۴. قدرت بی‌پایان خداوند و سه درخواست از او

یکی از صفات ثبوتی و ذاتی خداوند، «قادر» است. خداوند، دارای قدرت مطلق و بی‌نهایت است. برخورداری از چنین قدرت نامحدودی، او را بر انجام هر کاری توانا ساخته است، به خلاف انسان که نمی‌تواند هر آنچه را اراده می‌کند، محقق سازد. امام سجاده علیه السلام، با توجه به قدرت مطلق خداوند، به سه مطلب که فقط در دایره قدرت او است، اشاره می‌کند و سپس از خداوند سه درخواست دارد. سه مطلبی که در دایره قدرت خداوند می‌باشند، عبارتند از:

۱. قرار دادن جایگزین برای آنچه از دست رفته است.

۲. اصلاح آنچه که فاسد و تباه شده است.

۳. تغییر دادن آنچه که مورد رضایتش نیست.

با توجه به قدرت مطلق خداوند در امور یاد شده، سه خواسته حضرت عبارتند از:

۱. عافیت قبل از بلا: عافیت و سلامتی، حالتی مطلوب برای انسان است که با بروز بلا و مصیبت، جای خود را به آن داده و انسان را دچار

۱. بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۱۳۵، ح ۱۳.

غم و اندوه کرده و آرامش را از او سلب می‌کنند. انسان به خاطر محدودیتی که از نظر علم و قدرت دارد نمی‌تواند از بروز بلا جلوگیری کند اما از آن‌جا که خداوند، قادر مطلق است بنابراین جای دارد که مؤمن، عافیت و سلامت را پیش از رسیدن بلا و مصیبت فقط از خداوند بخواهد؛ و چرا چنین نکند درحالی که خداوند مدافع انسان است آن‌جا که فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾^۱.

در روایات اسلامی، اموری بیان شده است که در دور کردن بلا و مصیبت نقش بسزایی دارند. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که در ابتدای صبح صدقه‌ای بدهد، خداوند حوادث شوم آن روز را از وی دور می‌گرداند».^۲ در مقابل، «گناه» موجب می‌شود که انسان به گرفتاری و مصیبت دچار شود. خداوند درباره نقش انسان در مبتلا شدن به گرفتاری می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾.^۳

۲. توانایی قبل از درخواست: رسیدن به هر امر مطلوبی، مستلزم توانایی و تلاش است. بدون توانایی و تلاش نمی‌توان انتظار دریافت نتیجه مطلوب را داشت. رسیدن انسان به سعادت و رستگاری ابدی، امری مطلوب بوده و همگان خواهان آن می‌باشند. در نگاه دینی، سعادت انسان در گرو عبادت و اطاعت مطلق از دستورات خداوند است. انجام این دستورات با سختی‌ها و مشقتهایی همراه است که گاه قوای غضبانی و شهوانی، هوای نفس، القانات شیطانی و ... سختی راه عبادت و اطاعت را دو چندان می‌کنند. در این میان، نگاهی ویژه و قدرتی الهی که از

۱. الحج: ۳۸. «خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند».

۲. الکافی، ج ۴، ص ۶، ح ۷.

۳. الشوری: ۳۰. «هر مصیبتی به شما رسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید».

سوی خداوند با انسان همراه شود، توانایی او را افزون ساخته و توفیق بیشتری را برای او فراهم خواهد ساخت. خداوند، درباره همراهی کردن افراد با تقوا می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا...﴾^۱

۳. هدایت قبل از گمراهی: خداوند متعال، برای دست یافتن انسان به سعادت و کمال حقیقی، علاوه بر این‌که او را از قدرت تعقل و هدایت درونی برخوردار ساخت، پیامبرانی را نیز فرستاد تا راه هدایت را به او نشان داده و از گمراهی برحذر دارند. اتصاف به فضایل اخلاقی و ایمان، مورد رضایت خداوند بوده و کفر، گناه، اتصاف به رذایل اخلاقی، خشم و غضب الهی را برانگیخته و گمراهی به شمار می‌روند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾^۲.
و نیز می‌فرماید: ﴿يَخْلُقُونَ لَكُمْ لِرِضْوَانِهِمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾^۳.

یکی از مظاهر قدرت مطلق الهی آن است که پیش از قرار گرفتن انسان در دام گمراهی، زمینه لازم را برای هدایت به سوی حق و حقیقت فراهم نموده و راه صحیح را به انسان نشان دهد. این خواسته در راستای وظیفه‌ای است که خداوند در قرآن برای خود مقرر فرموده و می‌فرماید: ﴿إِنْ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾^۴.

۱. النحل: ۱۲۸. «خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده‌اند».

۲. الزمر: ۷. «اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می‌پسندد».

۳. التوبة: ۹۶. «برای شما قسم یاد می‌کنند تا از آنها راضی شوید اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد».

۴. اللیل: ۱۲. «به یقین هدایت کردن بر ماست».

۲۰-۵. پناه به خداوند از عیب‌جویی و آزار دیگران

درباره عیب‌جویی در فراز هشتم سخن گفته شد (۸ - ۶).

۲۰-۶. آرامش در قیامت

قیامت و قرار گرفتن انسان‌ها در محکمه الهی، جلوه‌ای از عدالت و حکمت خداوند است. اعمالی که انسان در این دنیا انجام داده است، نتیجه آن روز بزرگ را رقم زده و جایگاهش را مشخص می‌کند. اهمیت مسئله معاد تا آن‌جاست که حدود دو سوم آیات قرآن به این مسئله اختصاص داده شده و درباره جنبه‌های مختلف آن سخن گفته شده است. در قرآن، نام‌های مختلفی برای این روز بیان شده است که «روز سخت»^۱، «روز سنگین»^۲ و «روز دردناک»^۳ از جمله آنهاست. چرا چنین نباشد درحالی‌که از همه افراد^۴ و از همه اعمال^۵ پرسش می‌شود. در چنین حالتی، باید یکی از اساسی‌ترین خواسته‌ها، درخواست آرامش در روز قیامت باشد.

در میان روایات، اموری بیان شده‌اند که موجب امنیت و آرامش انسان در قیامت خواهند شد. در این جا به بیان یک روایت بسنده می‌کنیم:

رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس چهار امر در او باشد از فزع بزرگ قیامت در امان است: ۱. وقتی چیزی به او اعطا می‌شود «الحمد لله» بگوید. ۲. هرگاه گناهی را انجام می‌دهد «استغفر الله» بگوید. ۳. زمانی که مصیبتی به او برسد جمله: «إنا لله و إنا إليه راجعون» را بگوید. ۴. هرگاه حاجتی داشته

۱. الفرقان: ۲۶.

۲. الانسان: ۲۷.

۳. هود: ۲۶.

۴. الأعراف: ۶.

۵. النحل: ۹۳.

باشد از خدا بخواهد و وقتی از چیزی بترسد به خداوند پناه ببرد»^۱.
حُسن خلق، قناعت، صلهٔ رحم و ... نیز از جمله عوامل آسانی
محاسبه در قیامت می‌باشند.

۲۰-۷. توفیق در هدایت مردم^۲

در اجتماع انسانی، همواره گروهی وجود دارند که اهل گناه بوده و به انواع
لغزش‌های اخلاقی و عملی مبتلا می‌باشند. یک دسته از این افراد، همان
کسانی هستند که پیش از این به‌عنوان «عیب‌جو» از آنها سخن به‌میان آمد. از
جمله وظایفی که خداوند به‌عهدهٔ مسلمانان نهاده و مورد تأکید قرار گرفته
است، مسئلهٔ امر به‌معروف و نهی از منکر است. اهمیت این مسئله از آن‌روست
که در راستای هدایت بشر به سوی کمال و تعالی است. مردم را به سوی
خوبی‌ها هدایت نمودن و از بدی‌ها باز داشتن، رضایت الهی را تأمین نموده و
تأمین رضایت الهی، آرامش اخروی را به دنبال دارد که خواستهٔ پیشین امام
سجاد علیه‌السلام بود. روایت زیر می‌تواند ارزش هدایت مردم را نشان دهد:

سماعه می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ تفسیر آیهٔ شریفه: «و هر
کس نفس را بدون مجوز شرعی بکشد گویا همهٔ مردم را کشته است و
هر کس نفسی را احیا کند گویا همهٔ مردم را زنده کرده است» [المائدة:
۳۲] پرسیدم. فرمود: کسی که نفسی را از گمراهی برهاند و به هدایت
برساند هم‌چنان است که او را زنده کرده و هر که نفسی را از هدایت به
گمراهی بکشاند، محققاً او را کشته است.^۳

۱. تحریر المواعظ العددیة، ص ۳۳۲؛ مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. ر.ک: فرازهای: ۱۶ - ۱۸؛ ۳.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱.

فراز بیست و یکم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَأَذْرَأْ عَنِّي بَلْطَفِكَ: و با لطف [و احسانت، هر امر ناپسندی را] از من دور فرما
وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ: و با نعمت خود مرا پرورش ده
وَ أَصْلِحْ بِي بَكْرَمِكَ: و با کرم خود مرا اصلاح نما
وَ ذَاوْنِي بِصُنْعِكَ: و با کار شایسته‌ات مرا مداوا فرما
وَ أَظِلَّنِي فِي ذَرَاكَ: و در سایه [رحمت] خود مرا قرار ده
وَ جَلِّلْنِي رِضَاكَ: و مرا با لباس رضایت و خشنودی بپوشان
وَ وَقَفْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لَاهْدَاها، وَإِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لَزُكَاها، وَ
إِذَا تَنَاقَضَتِ الْمَلَلُ لَأَرْضَاها: و هنگامی که امور بر من مشتبه شده [و تشخیص
حق از باطل دشوار گردد] به [سوی] هدایت کننده‌ترین آنها و هنگامی که
اعمال [نیک و بد] بر من مشتبه شوند به [انجام نیکوترین و] پاکیزه‌ترین آنها
و هنگامی که مذاهب مختلف با هم در تناقض باشند، به [سوی]
خشنودترین [و پسندیده‌ترین آنها نزد خودت] توفیقم ده

۲۱-۱. درخواست دفع آفات و زیان‌ها

انسان در زندگی با انواع آفات طبیعی (سیل، زلزله، ...) و غیر طبیعی (هم‌چون زمامداران ظالم، افراد پست اجتماع، هم‌نشین خیانت‌کار، همسایه بد و ...) رو به رو است. درباره دفع بلا یا و آفات، دو مطلب قابل توجه وجود دارد:

۱. در متون حدیثی، دعاهایی از سوی معصومین علیهم‌السلام به منظور دفع برخی آفات و زیان‌ها آموزش داده شده است.
۲. در روایات، «صبر»^۱، «وجود مؤمنین»^۲، «صدقه»^۳ به عنوان عواملی برای دفع بلا و ضررها بیان شده‌اند.

۲۱-۲. درخواست پرورش با نعمت دادن

اگر انسان در عالم درون (انفس) و عالم بیرون (آفاق) بنگرد، مشاهده خواهد کرد که نعمت‌های بی‌شماری را خداوند به بشر ارزانی داشته است. این نعمت‌ها از دو جنبه برخوردارند^۴: جنبه اول جنبه ظاهری آن‌هاست که معمولاً مورد توجه عموم مردم قرار می‌گیرد و جنبه دیگر، جنبه باطنی آن‌هاست که شاید چندان مورد نظر نباشد. توجه به نعمت‌های مختلفی که در اختیار انسان قرار داده شده است، در تربیت و تزکیه انسان و پرورش اخلاقی او می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد و شاید به همین

۱. ر.ک: غرر الحکم، ج ۱، ص ۷۵۲، ح ۱۶۹ و ص ۷۵۳، ح ۷۶۲.

۲. ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۴۷، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۴۳.

۳. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۵.

۴. لقمان: ۲۰. «نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به‌طور فراوان بر شما ارزانی داشته است».

خاطر است که به شکر نعمت‌هایی الهی دستور داده شده است.^۱ ولی متأسفانه، نوع انسان‌ها به این حقیقت توجه نداشته و از شکر نعمت‌های الهی غفلت می‌کنند. خداوند متعال نیز در قرآن، بندگان شکر گذار را اندک دانسته و می‌فرماید: ﴿قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾.^۲

۲۱-۳. درخواست اصلاح از خداوند^۳

عوامل مختلفی در زندگی وجود دارد که موجب می‌شود عقیده، گفتار، رفتار، اخلاق و حالات انسان از مسیر صحیح منحرف گشته و به فساد کشیده شود. یقیناً چنین وضعیتی مورد رضایت خداوند نبوده و باید اصلاح شود. در قسمتی از دعای روزهای ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ أَصْلَحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِّنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ؛ پروردگارا! همه مفاسدی را که در امور مسلمانان رخ داده است، اصلاح فرما». هر مسلمانی باید تمام تلاش خود را برای اصلاح خویشتن به کار گرفته و از آن غافل نشود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که میان خود و خداوند را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند خدا دنیای او را اصلاح خواهد کرد».^۴ در زیارت جامعه، محبت ائمه علیهم السلام، عاملی برای اصلاح دین و دنیا معرفی شده است.^۵

۱. البقرة: ۱۵۲ و ۱۷۲؛ النحل: ۱۱۴؛ العنکبوت: ۱۷.

۲. سبأ: ۱۳. «عده کمی از بندگان من شکر گزارند».

۳. در این باره رک: فراز: «۲ - ۳».

۴. نهج البلاغه، ص ۴۵۷، حکمت ۸۹.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶. ﴿يَوْمَ لَا تَكُمُ عَلَمًا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَتْ قَسَدًا مِنْ دُنْيَانَا﴾.

۲۱-۴. معالجه امراض جسمی و روحی

با این که انسان هم از بیمارهای جسمی و هم از بیماری‌های روحی رنج می‌برد اما سلامت روحی از سلامت جسمی بسی مهم‌تر است و از این رو، درمان بیماری‌های روحی مهم‌تر از درمان بیماری‌های جسمی است. بیماری‌هایی هم چون غیبت، حرص، نفاق، حسد، غرور، عجب و ... مانعی برای رشد و تعالی انسان هستند که با وجود آنها نه تنها انسان به کمال نخواهد رسید بلکه موجبات عذاب او را نیز فراهم خواهند کرد.

۲۱-۵. قرار گرفتن در سایه رحمت خداوند

رحمت خداوند به بندگان، مسئله‌ای است که در چندین آیه از آیات قرآن از آن سخن گفته شده است. خداوند، رحمت به بندگان را بر خود واجب دانسته^۱ و تمام موجودات را مشمول رحمت الهی می‌داند.^۲ در جای دیگر، آن را به نیکوکاران نزدیک دانسته و می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۳. طبق آیات قرآن، عوامل برخورداری از رحمت الهی عبارتند از: «پیروی از قرآن»، «سکوت به هنگام تلاوت قرآن»، «اصلاح میان برادران دینی»، «رعایت تقوی»، «صبر در برابر مصایب»^۴.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «کسی که می‌خواهد خداوند او را در سایه عرشش جای دهد، در روزی که جز سایه او سایه‌ای نیست، به بدهکار

۱. الأنعام: ۵۴.

۲. الأعراف: ۱۵۶.

۳. همان، ۵۶.

۴. رک: الأنعام: ۵۵؛ الأعراف: ۲۰۴؛ الحجرات: ۱۰؛ البقرة: ۱۵۵.

تنگ‌دست خود مهلت دهد یا از طلب خود چشم‌پوشی نماید».^۱
 امام علی علیه السلام فرمود: «سایه خداوند سبحان در آخرت بر کسی خواهد افتاد که او را در دنیا اطاعت نموده است».^۲

۲۱-۶. پوشیدن لباس خشنودی خداوند

جلب رضایت و خشنودی خداوند مسئله‌ای است که همواره در سخنان معصومین علیهم السلام و بزرگان دین به آن توجه داده شده است. انسان باید با انجام واجبات و ترک محرمات به جایی برسد که خداوند متعال از او راضی شود. براساس آیه شریفه ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾^۳، ترس از خدا موجب می‌شود که هم انسان از خدا راضی باشد و هم خدا از او. از طرفی، طبق آیه: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۴، ترس از خدا، از معرفت و شناخت انسان نسبت به خدا ناشی می‌شود بنابراین، همواره باید این آگاهی و شناخت، بیشتر و گسترده‌تر شود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس رضایت مخلوقی را با به خشم آوردن خداوند طلب نماید، خداوند آن مخلوق را بر وی مسلط خواهد نمود».^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: «رأس اطاعت خداوند، صبر و رضایت بنده

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۵۹، ح ۱۷۰۳.

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۲۰، ح ۶۰۵۹.

۳. البینة: ۸ «(هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

۴. فاطر: ۲۸. «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند».

۵. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، ح ۱۳۲.

از خداوند است در آن چیزی که آن را دوست دارد یا نسبت به آن بی‌رغبت است».^۱

مؤمن باید همواره در صدد تأمین رضایت الهی بوده و در هر لحظه‌ای خشنودی و رضایت خداوند را جلب نماید. چنین انسانی هیچ‌گاه مرتکب گناه نشده و با در امان ماندن از عذاب الهی، خود را به رحمت الهی خواهد رساند.

۷-۲۱. کسب توفیق برای دور شدن از شبهات

علم و دانش محدود انسان سبب شده است که در برخی مواقع، امور با هم مشتبّه شده و تشخیص حق از غیر حق مشکل گشته و انسان در تنگنا قرار گرفته و زندگی بر او سخت شود. در این میان، شناخت کافی و لازم، امری ضروری است. تنها کسی که می‌تواند مشکلات فکری انسان را سامان بخشیده و او را به سوی راه شایسته هدایت نماید، خداوند متعال است. همان کسی که به ملائکه فرمود: ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾.^۲

تاریخ، افراد بزرگی را به خود دیده است که در برخورد با امور مشتبّه و مشکل، درمانده شده و توان حلّ آن را نداشته‌اند مگر آن‌که با استعانت از حضرت باری تعالی، بر مشکلات فائق آمده باشند. قضاوت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) در صدر اسلام نشان می‌دهد که وقتی دیگران از حلّ مسائل و مشکلات قضایی و می‌ماندند آن حضرت با استعانت از خداوند متعال، در حلّ آنها توفیق می‌یافت.

۱. همان، ج ۶۹، ص ۳۳۳، ح ۱۸.

۲. البقرة: ۳۰. «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید».

۲۱-۸. کسب توفیق برای انجام بهترین عمل^۱

گاهی در راستای انجام کار خیر و نیک، بین دو یا چند عمل نیک قرار می‌گیریم که باید یکی از آنها را انجام دهیم. در چنین حالتی، این احتمال وجود دارد که یکی از آنها نزد خداوند از ارزش بالاتری برخوردار بوده و بیش از بقیه او را خشنود سازد. دعا نمودن در این حالت، ممکن است موجب شود که خداوند متعال، هدایت خویش را بر ما الهام نموده و بهترین آنها را در قلب ما جاری سازد و طبعاً خیر بیشتری نصیب ما گردد.

۲۱-۹. کسب توفیق برای پیروی از بهترین عقیده

معرفت و شناخت بر ایمان تقدّم داشته و ایمان نیز بر چگونگی عمل و رسیدن انسان به سعادت و کمال نقش مؤثّری دارد. اختلاف در مذاهب و گروه‌ها، از اختلاف نظر آنها در اعتقادات نشأت می‌گیرد. وقتی عقیده دو یا چند گروه با هم در تناقض باشد، یقیناً نمی‌توان همه آنها را صحیح دانست. در این میان، شناخت عقیده‌ای که نسبت به سایرین، صحیح‌تر و رضایت‌بخش‌تر است، کاری بس دشوار است و عنایت و لطف الهی را می‌طلبد.

۱. در این باره ر.ک: فراز: «۱۶ - ۳».

فراز بیست و دوم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَتَوَجِّنِي بِالْكَفَايَةِ: و تاج کفایت [و بی نیازی] را بر سر من قرار بده
وَسُمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ: و مرا به سرپرستی نیکو وادار فرما
وَهَبْ لِي صَدَقَ الْهِدَايَةِ: و هدایت راستین را به من ارزانی دار
وَلَا تَقْتَنِي بِالسَّعَةِ: و مرا با گسترده‌گی رزق [و توانگری] امتحان مکن
وَأَمْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ: و آسایش نیکو را [در زندگی] به من عطا فرما
وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا: و زندگی و معیشتم را سخت و دشوار قرار مده
وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا: و دعایم را [با مستجاب نکردن،] به خودم برنگردان
فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا: زیرا من ضد و همتایی را برای تو قرار نمی‌دهم
وَلَا أَذْغُو مَعَكَ نَدًّا: و هم‌سان و همانندی را با تو نمی‌خوانم

۲۲- ۱. برخوردار شدن از تاج بی نیازی

«تاج»، وسیله‌ای است که از طلا، جواهر و اشیای قیمتی ساخته شده و در
برخی نظام‌های حکومتی، رئیس حکومت در برخی اوقات به‌سر می‌نهد.

دربارهٔ اموری که نشانهٔ بزرگی، عظمت، عزّت و قدرت می‌باشند، از این واژه استفاده می‌شود. از آن‌جاکه اخلاق پسندیده، نشانهٔ بزرگی و عزّت معنوی انسان است بنابراین می‌توان از واژه «تاج» دربارهٔ آن استفاده نمود و برخورداری انسان از اخلاق و صفات پسندیده را هم‌چون تاجی بر سر وی دانست.

مقصود از «کفایت»، بی‌نیازی در کارهاست. اگر امور مورد نظر انسان تأمین شود به‌طوری‌که به دیگران نیازی نداشته باشد، چنین حالتی موجب عزّت و سربلندی او شده و هم‌چون تاجی بر سرش جلوه می‌کند.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر آن کس که در شب و روز، بزرگ‌ترین همّش آخرت باشد، خداوند بی‌نیازی را در دل او جای می‌دهد و کارش را سامان می‌بخشد و از دنیا نمی‌رود مگر وقتی که روزی‌اش را کامل دریافت کرده باشد. و هر آن کس که شب و روز، بزرگ‌ترین همّش دنیا باشد، خداوند فقر را در بین دو چشم او قرار می‌دهد (همیشه چشمش گرسنهٔ دنیاست) و کارش را پریشان می‌سازد و از دنیا به چیزی بیش از قسمت خود نمی‌رسد».^۱

و نیز فرمود: «سه خصلت از صفات اولیای خداست: اعتماد کردن به خدا در هر کاری و بی‌نیاز شدن به واسطه او از هر چیزی و نیازمندی به او در هر چیزی».^۲

البته باید توجه داشت که بی‌نیازی طبع و نفس برتر از بی‌نیازی در ثروت و مال است. پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «بهترین بی‌نیازی و توانگری، بی‌نیازی نفس است».^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳، ح ۱۰۴.

۲. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۰، ح ۲.

۳. همان، ج ۷۲، ص ۱۰۶، ح ۵.

۲۲-۲. سرپرستی نیکو

سرپرستی و عهده‌دار شدن هر کاری به شایستگی و توانایی نیاز دارد. در غیر این صورت، موجب تباه شدن منابع مالی و انسانی خواهد شد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند متعال از هر سرپرستی نسبت به آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده است، بازخواست می‌کند؛ خواه از آن به خوبی سرپرستی (نگه‌داری) کرده باشد، یا تباهش کرده باشد. حتی از مرد، درباره خانواده‌اش بازخواست می‌شود».^۱

یکی از آموزه‌های اسلامی، شایسته‌سالاری و ترجیح اشخاص با صلاحیت است. رسول اکرم ﷺ فرمود: «هیچ امتی ولایت امر خود را به مردی واگذار نکرده است با آن‌که عالم‌تر از او در امت وجود داشته، مگر آن‌که کار آنان، همواره به پستی کشیده می‌شود تا زمانی که از خطای خویش برگردند و انسان عالم‌تر را انتخاب نمایند».

۲۲-۳. هدایت راستین^۲

از مهم‌ترین و برترین وظایف انبیا و اولیای الهی، هدایت و راهنمایی مردم به سوی سعادت و کمال انسانی بود. یکی از نام‌های خداوند متعال، «هادی» است. خداوند، هدایت مردم را بر خود لازم دانسته و می‌فرماید: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾^۳. هدایت راستین و صادقانه، هدایتی است که براساس آموزه‌های الهی بوده و در راستای رشد اخلاقی و عملی انسان باشد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ﴾^۴.

۱. نهج الفصاحة، ص ۲۹۶، ح ۷۰۲.

۲. رک: فراز: ۵ - ۱۴ - ۳.

۳. اللیل: ۱۲. «به یقین هدایت کردن بر ماست».

۴. البقرة: ۱۲۰؛ الأنعام: ۷۱. «هدایت، تنها هدایت الهی است».

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کسی که به کار خوب راهنمایی کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است».^۱
امام علی علیه السلام فرمود: «با کردار نیک خود، بدکردار را اصلاح کن و با گفتار خوش و زیباییت، به خیر و خوبی راهنمایی کن».^۲

۲۲-۴. توانگری، صحنه‌ای برای آزمایش

آزمایش و امتحان الهی در صحنه زندگی فردی و اجتماعی چیزی است که انسان هیچ‌گاه نباید از آن غافل شود. خداوند در قرآن شریف می‌فرماید:
﴿أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾.^۳
قدرت مالی از جمله اموری است که انسان با برخورداری از آن در آزمایشی بزرگ قرار می‌گیرد؛ زیرا این حالت می‌تواند مایه طغیان و سرکشی انسان شود همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَلَمْ يَجْعَلْ لِرَبِّهِمْ كُنُوزًا * فَهُمْ يُغْنَوْنَ * أَلَمْ يَجْعَلْ لِيَوْمِهِمُ الْأَرْضَ كُلَّهَا جَنَّةً * يَنْزِلُ فِيهَا مِنْ لَدُنْهِ سُبْحَانُ وَبْحَانُ * ثَوْبًا خِضْرًا أَمْثَلُ الْيَنْبُوتِ * وَثَوْبًا أَبْهَرُ * لَمَّا كَانَتْ الْأَشْقَابُ * لَمَّا رُفِعَ الْكَوْكَبُ * لَمَّا دُمِدَّتْ مِنَ الْوَعْدِ الْأَسْبَابُ * لَمَّا رُفِعَ الْكَوْكَبُ * لَمَّا دُمِدَّتْ مِنَ الْوَعْدِ الْأَسْبَابُ * لَمَّا رُفِعَ الْكَوْكَبُ * لَمَّا دُمِدَّتْ مِنَ الْوَعْدِ الْأَسْبَابُ﴾.^۴
امام علی علیه السلام فرمود: «مال و فرزند را دلیل خشنودی یا خشم خدا ندانید، که نشانه ناآگاهی به موارد آزمایش و امتحان، در بی‌نیازی و قدرت است».^۵

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۷، ح ۴.

۲. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۵۵، ح ۵۳۷۱.

۳. العنکبوت: ۲ و ۳: «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد - ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم) باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد».

۴. العلق، ۶ و ۷: «به یقین انسان طغیان می‌کند - از این که خود را بی‌نیاز ببیند».

۵. نهج البلاغه، ص ۲۷۵، خطبه ۱۹۲.

اگرچه ممکن است قبل از برخورداری از قدرت مالی، نیت ارزشمند و در راستای دستورات خداوند، با انسان همراه باشد ولی اسیر هوای نفس شدن و در تیر رس القائنات شیطانی قرار گرفتن، می‌تواند انسان را به انحراف کشیده و در آزمایش الهی سرافکننده کند.

۲۲-۵. آسایش نیکو

برخورداری از امکانات لازم برای یک زندگی آسوده، مسئله‌ای است که انسان به آن علاقه‌مند است. آسایش، آسودگی و توسعه مالی، به‌خودی‌خود مذموم نبوده و اگر با غفلت از یاد خدا همراه نباشد، موجب می‌شود که انسان در مسیر تعالی گام بردارد. خداوند، نعمت‌های فراوانی را برای بشر آفریده و او را به استفاده از آنها دستور داده است^۱ اما با این حال، پیروی نکردن از شیطان را نیز از او خواسته است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «ای پروردگار ما! در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما» فرمود: «نیکویی در آخرت، همان خشنودی خدا و بهشت است و نیکویی در دنیا، وسعت روزی و معاش و خوش‌خویی»^۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از ما نیست کسی که به وی توسعه مالی داده شده، اما او به خانواده خود سختگیر است»^۳.

امام رضا علیه السلام فرمود: «بر صاحب نعمت واجب است که بر خانواده خود توسعه داده و بر آنان سختگیری ننماید»^۴.

۱. به عنوان نمونه رک: البقرة: ۶۰ و ۱۶۸ و ۱۷۲؛ المائدة: ۸۸؛ الأنعام: ۱۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۳، ح ۱۸.

۳. نهج الفصاحة، ص ۶۶۴، ح ۲۴۱۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵.

۲۲-۶. درخواست زندگی بدون سختی

فقر و تهی دستی و برخورداری نبودن از امکانات حداقلی زندگی می تواند آثار زیانباری را در زندگی به دنبال داشته باشد.

امام علی علیه السلام فرمود: «فقر، مرگ بزرگ تر است».^۱

و نیز فرمود: «فقر و تهی دستی، نفس انسان را خوار می کند و عقل را حیرت زده و مبهوت می سازد و غم ها را جلب می کند».^۲

در آموزه های اخلاقی و اجتماعی اسلام، توجه به فقرا و مستمندان مورد تأکید قرار گرفته و به حمایت و تکریم آنها دستور داده شده است. حضرات معصومین علیهم السلام، این وظیفه مقدس را به بهترین وجه رعایت می نمودند.

۲۲-۷. درخواست اجابت دعا

در روایات اسلامی، دعا و درخواست از خداوند، به عنوان برترین عبادت معرفی شده است. از امام باقر علیه السلام پرسیده شد: کدام عبادت نزد خداوند برتر است؟ فرمود: «هیچ چیزی نزد خداوند برتر از این نیست که مورد تمنی و درخواست واقع شود و سؤال کننده از وی بخواهد آن را که نزد اوست ...».^۳

اهمیت دعا از نظر خداوند به اندازه ای است که درباره آن می فرماید:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۴

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

۱. نهج البلاغه، ص ۴۷۵، حکمت ۱۶۳.

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۱۵۱، ح ۳۴۲۸.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶، ح ۲.

۴. الفرقان: ۷۷. بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد».

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ^۱.

با این حال، همواره این گونه نیست که دعای انسان به استجابت برسد؛ زیرا کسی که دعا می کند هم باید به شرایط استجابت دعا توجه نماید و هم موانع استجابت آن را برطرف سازد. سلیمان بن عمرو می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «خداوند دعایی را که با قلب غافل انجام می شود، مستجاب نمی کند. وقتی دعا می کنی با حضور قلب از پیشگاه الهی درخواست کن و به اجابت آن یقین داشته باش»^۲.

«ارتکاب گناه»، از مهم ترین موانع استجابت دعاست. در این باره به یک روایت بسنده می کنیم:

امام باقر علیه السلام فرمود: «بنده، حاجتی را از خداوند می خواهد و از شأن خداست که آن را در آینده ای نزدیک یا با تأخیر برآورده سازد؛ اما بنده بعداً مرتکب گناهی می شود. پس، خداوند تبارک و تعالی به فرشته می گوید: حاجت او را برآورده مساز و او را از آن محروم گردان؛ زیرا او، خود را در معرض خشم من نهاد و سزاوار محرومیت از سوی من شد»^۳. نکته قابل توجه درباره اجابت دعا این است که انسان وقتی دعا می کند باید ذره ای از اجابت آن ناامید نشده و غیر از خدا را در برآورده شدن حاجتش دخیل نداند. از نظر مؤمن، اسباب و علل مادی و انسانی،

۱. البقرة: ۱۸۶. «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۱.

۳. همان، ص ۲۷۱، ح ۱۴.

محکوم اراده و قدرت خداوند متعال اند و هیچ چیزی نمی تواند در کنار خداوند، انسان را به خواسته اش برساند.

امام علی علیه السلام فرمود: «دعا دارای چهار شرط است: ۱. حاضر ساختن نیت، ۲. اخلاص ضمیر و درون، ۳. شناخت نسبت به کسی از او درخواست شده است، ۴. انصاف دادن درباره امر مورد درخواست».^۱

۱. تحریر المواعظ العددیة، ص ۳۳۸.

فراز بیست و سوم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَأَمْنَعْنِي مِنَ السَّرَفِ: و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار
وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ: و روزی مرا از تلف شدن حفظ فرما
وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرَّةِ فِيهِ: و با قراردادن برکت در اموالم، رزقم را افزون فرما
وَأَصْبِ بِي سَبِيلَ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ: و مسیر هدایت به سوی
خیر و نیکی را در آنچه که انفاق می‌کنم، به من نشان داده [و به سوی
آن ارشادم نما]

۲۳- ۱. میانه‌روی نه اسراف^۱

«السَّرَفُ»، زیاده‌روی و تجاوز از حدّ و اندازه در کاری است که انسان
انجام می‌دهد. خداوند متعال اسراف را امری ناپسند شمرده و از آن
نهی فرموده است.^۲ در مقابل، میانه‌روی و اعتدال، امری پسندیده است.

۱. ر.ک: فراز: «۱۸ - ۱».

۲. ر.ک: الأنعام: ۱۴۱؛ الأعراف: ۳۱.

ناپسند بودن اسراف تا جایی است که حتی در انفاق نیز که یکی از پسندیده‌ترین امور است، نباید اسراف شود. خداوند در توصیف «عباد الرحمن» می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۱.

اگرچه اسراف به اسراف مالی منحصر نشده و در امور غیر مالی نیز جریان دارد^۲ اما در روایات، اسراف مالی بیش از سایر موارد اسراف مورد توجه قرار گرفته و از آن نهی شده است.

امام صادق علیه السلام درباره نشانه‌های اسراف فرمود: «... اسراف‌کننده سه نشانه دارد: آنچه را که لازم نیست، خریداری می‌کند. آنچه را که برای او لازم نیست، می‌پوشد. آنچه را که برای او لازم نیست، می‌خورد...»^۳. در روایات، آثار و پیامدهایی هم‌چون: «از بین رفتن نعمت» و «کم شدن برکت» برای اسراف‌کننده معرفی شده است.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «کسی که تبذیر و اسراف داشته باشد، نعمت از او زایل می‌شود»^۴.

در مقابل، آثاری از قبیل: «آرامش خاطر»، «دوری از گناهان» و «بی‌نیازی از دیگران» برای اعتدال و میانه‌روی بیان شده است.

۱. الفرقان: ۶۷. «و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند».

۲. مانند این که انسان در انجام گناه و ستم به خویش نیز زیاده‌روی نماید. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ (الزمر: ۵۳)؛ ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۰۶.

۴. همان، ج ۷۵، ص ۳۲۷.

۲۳-۲. حفظ روزی از تلف

پیش از این درباره رزق سخن گفتیم.^۱ عوامل مختلفی وجود دارد که موجب از بین رفتن رزق و روزی می شود. دسته ای از این عوامل، عوامل مادی و ظاهری اند که در عالم تکوین وجود دارند، مانند: سیل، زلزله، آتش سوزی و ... اما عوامل دیگری نیز هستند که به عملکرد غیر اخلاقی انسان ارتباط داشته و محرومیت از رزق را در پی دارند. در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. گناه: امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، حکم قطعی فرموده است که هیچ نعمتی را از کسی نگیرد مگر آن که مرتکب گناهی شود که استحقاق آن نعمت و بلا را داشته باشد».^۲

۲. نیت گناه: امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن نیت گناه می کند و از روزی محروم می شود».^۳

۲۳-۳. برکت در دارایی

برکت به معنای افزایش در چیزی است. رفتارهای درونی و بیرونی انسان در برکت و افزایش دارایی او تأثیر دارند. در آیات و روایات، عواملی برای افزایش رزق و برکت آن بیان شده است. برخی از آنها از این قرارند:

۱. ایمان و تقوا: خداوند می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾.^۴

۱. ر.ک: فرازهای: ۳-۴؛ ۱۱-۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳. بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۲۴۷، ح ۶.

۴. الأعراف: ۹۶. «و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم».

۲. اجرای عدالت: امام علی علیه السلام فرمود: «با اجرای عدالت، برکت‌ها چند برابر می‌شود».^۱

۳. شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که قبل و بعد از غذا دست‌هایش را بشوید، در اول و آخر آن غذا به او برکت داده می‌شود و تا زنده است در نعمت به سر می‌برد و از بیماری جسمی در امان می‌ماند».^۲

۴. پرداخت زکات: امام علی علیه السلام در سفارش‌های خویش به کمیل بن زیاد فرمود: «ای کمیل! برکت، در مال کسی است که زکات بدهد و نسبت به مؤمنان، مواسات کند و به خویشان، رسیدگی نماید».^۳
عوامل دیگری از قبیل: «استغفار»، «نیکی به خانواده»، «استمرار طهارت»، «نیت پاک»، «صدقه»، «رعایت امانت»، «صله رحم»، «نماز شب» و ... نیز در این راستا نقش دارند.

در مقابل، «ربا» از اموری است که موجب نابودی مال می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ ...﴾.^۴

۲۳-۴. نشان دادن مسیر هدایت در انفاق

«انفاق» یکی از رفتارهای با ارزش در نظام اسلامی است. به فرموده خداوند متعال، انفاق مایه فزونی است نه کمبود، آن‌جا که فرمود: ﴿وَمَا

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۹۷، ح ۴۲۱۱.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۴۲۶۵.

۳. تحف العقول، ص ۱۷۲.

۴. البقرة: ۲۷۶. «خداوند، [مال] ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد ...». - و نیز رک: الروم: ۳۹.

«تَفَقَّتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^۱. در روایات اسلامی، تعبیراتی هم‌چون: «نشانه ایمان بودن»، «همانند جهاد بودن»، «بزرگ‌ترین نعمت»، برای انفاق بیان شده است. در ادامه به دو اثر از آثار آن توجه می‌کنیم:

۱. اصلاح آخرت: امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کرده باشی. بنابراین در راه حق انفاق کن و برای غیر خودت ذخیره نکن».^۲

۲. ذخیره اخروی: عایشه نقل می‌کند: «گوسفندی را سر بردند [و گوشت آن را انفاق کردند]. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چیزی مانده است؟ عایشه عرض کرد: به جز دستش، چیزی باقی نمانده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به جز دستش، همه آن باقی مانده است».^۳

حال که ارزش و اهمیت انفاق تا به این اندازه است بنابراین مؤمن باید تمام تلاش خویش را به کار گیرد تا در مسیر صحیح و نیک انفاق نماید. با وجود علم و آگاهی محدود، باید از خداوند متعال استمداد نمود که در هنگام انفاق، مسیر صحیح انفاق را به انسان نشان دهد.

۱. سبأ: ۳۹. «و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند) و او بهترین روزی‌دهندگان است».

۲. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۱.

۳. کنز العمال، ۱۶۱۵۰.

فراز بیست و چهارم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَ اكْفِنِي مُؤْنَةَ الْاِكْتِسَابِ: و مرا از سختی و رنج به دست آوردن
روزی بی نیاز گردان

وَ ارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ: و از جایی که گمان روزی نمی رود، مرا روزی ده
فَلَا أَشْتَغَلْ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ: تا به خاطر به دست آوردن روزی، از
عبادت تو باز نمانم

وَ لَا أُحْتَمِلْ إِصْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ: و سنگینی پیامدهای کسب روزی را
به دوش نکشم

۲۴- ۱. بی نیازی در رنج به دست آوردن روزی

سعی و کوشش در راه به دست آوردن رزق و تأمین معاش از اموری
است که در شرع مقدس بر آن تأکید بسیار شده و اولیای گرامی اسلام
پیروان خود را به آن ترغیب نموده اند. آن بزرگواران، خودشان نیز کار
می کردند و روزی خویش را به دست می آوردند.

پیامبر ﷺ فرمود: «ملعون است آن کس که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می‌افکند».^۱

با این که تلاش انسان برای به دست آوردن روزی، عبادت است اما گاهی ممکن است رنج و سختی به دست آوردن روزی از نظر کمیت و کیفیت، موجب فشارهای روحی و جسمی در انسان شده و او را در انجام سایر دستورات دینی با مشکلات جدی مواجه سازد.

۲۴-۲. درخواست روزی بدون حساب^۲

درخواست روزی از جایی که انسان گمان روزی از آن جا ندارد، از وعده‌های خداوند در قرآن به انسان‌های پرهیزگار است که درباره آنها فرمود: ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾.^۳

این حقیقت در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است:

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند اراده کرده است که روزی مؤمنان را از راهی قرار دهد که گمان نمی‌کنند».^۴

پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که زیاد استغفار کند خدا برای او از هر غمی، گشایش و از هر تنگنایی، راه نجاتی قرار داده و او را از جایی که انتظار ندارد، روزی دهد».^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۲، ح ۲۰.

۲. ر.ک: فرائز: ۳ - ۴؛ ۱۱ - ۱؛ ۲۳ - ۲.

۳. الطلاق: ۳. «هر که تقوا پیشه کند خداوند راه نجاتی برایش فراهم کند و از جایی که گمان ندارد روزیش دهد».

۴. الکافی، ج ۵، ص ۸۳، ح ۱.

۵. نهج الفصاحة، ص ۷۵۵، ح ۲۹۴۱.

عَلَّتْ درخواست روزی بدون حساب

دو جمله در کلام امام سجاد علیه السلام وجود دارد که نشان می‌دهد چرا آن حضرت از خداوند چنین رزقی را درخواست نموده است. این درخواست به دو دلیل خواسته شده است:

۱. هدف از خلقت انسان رسیدن او به سعادت و کمال است. این مقصود با عبادت و بندگی به دست خواهد آمد. از طرفی، انسان باید با کار و تلاشی که می‌کند نیازهای خویش را برطرف سازد. اگر برطرف ساختن نیازها به کار و تلاش فراوان نیاز داشته باشد، موجب می‌شود که زمان کمتری را برای عبادت به معنای خاص آن اختصاص داده و از آثار بزرگ آن باز بماند. بنابراین، درخواست روزی بدون حساب، برای راحت‌طلبی و فرار از کار و تلاش نیست؛ زیرا در جست‌وجوی روزی بودن، در جای خود بسیار ارزشمند است.

علی بن عبدالعزیز می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «عمر ابن مسلم چه کرد؟ گفتم: فدایت شوم، به عبادت روی آورد و تجارت را ترک گفت. حضرت فرمود: وای بر او، مگر نمی‌داند کسی که از طلب روزی دست بکشد، دعای او مستجاب نمی‌شود».^۱

بعد از نازل شدن آیه «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲ برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله کار و تلاش را رها کرده و به عبادت مشغول شدند. آن حضرت وقتی از این ماجرا اطلاع یافت، فرمود: «من مردی را که دهانش را باز کرده و بگوید: "خدایا مرا روزی ده"،

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲، ص ۳۷۲۱.

۲. الطلاق: ۲ و ۳. «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند - و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد».

درحالی که کار و تلاش را کنار گذاشته، دشمن می دارم».^۱
۲. ممکن است انسان در خلال کسب و کار، مرتکب اموری شود که رضایت الهی در آنها نیست. این امور، لزوماً به معنای گناه و معصیت نیستند بلکه ممکن است اموری بیهوده باشند که هیچ ثمری برای انسان ندارند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۵.

فراز بیست و پنجم

اللَّهُمَّ فَأَطْلُبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ: پروردگارا! با قدرت خود، آنچه را که
می‌خواهم برای من بخواه
وَأَجِرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أُرْهَبُ: و به عزّت و بزرگی خود، مرا از آنچه
می‌ترسم، حفظ فرما

۲۵- ۱. استمداد از خداوند برای تحقق خواسته‌ها

انسان در زندگی، خواسته‌های فراوانی دارد که برخورداری از آنها را
اراده می‌کند اما این‌گونه نیست که هرچه را اراده کند، به آن دست
یابد؛ زیرا قدرت انسان، محدود بوده و توانایی برآوردن شدن همه
خواسته‌ها را نداشته و در این جهت، نیازمند یاری است. تنها کسی که
با قدرت مطلق خود می‌تواند خواسته‌های او را محقق سازد، خداوند
متعال است؛ زیرا ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. این آیه، ۱۱ بار در
قرآن به کار رفته است. ویژگی قدرت بی‌انتهای خداوند آن است که
تحقق هر چیزی را که امکان داشته باشد، شامل شده و هیچ قید و
شرطی ندارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۱.

در این آیه، خواسته‌های انسان به چیزی مقید و مشروط نشده‌اند و این نشان از آن دارد که خداوند بر انجام هر چیزی تواناست و از بندگان خویش خواسته است که او را بخوانند و او نیز پاسخ می‌دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند عزوجل می‌فرماید: کسی که از من چیزی بخواهد و یقین داشته باشد که ضرر و منفعت در دست من است، اجابتش خواهم نمود»^۲.

۲۵-۲. پناه بردن به خدا به هنگام ترس

انسان هر اندازه که قدرتمند و شجاع باشد ولی اموری وجود دارد که موجب ترس و هراس او می‌شود. به هنگام ترس، به دنبال جایی و یا کسی می‌گردد که با پناه بردن به او، خود را از هر شرّ و امر ناخوشایندی حفظ کند. در میان پناه دهندگان، فقط خداوند است که پناه دادن او مقید و مشروط نیست. فقط خداوند است که هیچ دستی به او نرسیده و مغلوب چیزی نمی‌شود.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «اللّه، همان کسی است که هر آفریده‌ای به هنگام نیازها، سختی‌ها و ناامیدی از هر کس جز او، به او پناه می‌برد»^۳.

۱. البقرة: ۱۸۶. «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)».

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۵۳.

۳. معانی الأخبار، ص ۴.

به دو نکته باید توجه نمود:

۱. «ترس از خداوند و عذاب او»، به خاطر آثار مثبتی که بر آن مترتب می‌شود، دارای اهمیت بوده و در قرآن و روایات مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

۲. یکی از وظایف مسلمانان این است که به هنگام بروز مشکلات و نگرانی‌ها، برادران دینی خود را پناه دهند.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «کسی که برادرش برای رفع گرفتاری یا حاجتی به او پناه ببرد و او بتواند پنااهش دهد اما این کار را نکند، بی‌گمان پیوند ولایت خداوند عزوجل را بریده است».^۲

۱. ر.ک: الأنبياء: ۴۸ و ۴۹؛ آل عمران: ۱۷۵؛ المائدة: ۴۴؛ الأحزاب: ۳۹؛ الرعد:

۲۱-۱۹؛ البينة: ۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۴.

فراز بیست و ششم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ: و آبرویم را با توانگری و بی‌نیازی حفظ فرما
وَلَا تَبْتَذِلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ: و با تنگ‌دستی و فقر، آبرویم را بی‌ارزش
مگردان [و از بین ببر]

فَأَسْتَزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ أَسْتَغْطِي شَرَارَ خَلْقِكَ: تا بر اثر آن، از کسانی که
روزی‌خوار تو می‌باشند، رزق خود را بخواهم و از آفریده‌های بدکردار
تو درخواست عطا و بخشش داشته باشم

فَأَقْتَنَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ ابْتَلَى بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي: و در این حالت،
درخواست از آنها باعث شود که به سپاس و ستایش کسی که به من عطا
نموده است، دچار شوم و به سرزنش کسی که مرا از عطای خویش
محروم نموده است، مبتلا گردم

وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ: درحالی که بخشش نمودن و
محروم ساختن فقط از آن توست

۲۶- ۱. بی‌نیازی و حفظ آبرو

حفظ آبروی مؤمن از جمله اموری است که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. علل و عوامل متعددی وجود دارد که می‌تواند موجب تحقیر مؤمن شود که «فقر و تنگ‌دستی» یکی از آن عوامل است و شاید بتوان گفت از عوامل چشم‌گیر بوده و به هنگام درخواست از دیگران، هزینه زیادی از آبروی انسان صرف می‌شود.

امام علی علیه السلام فرمود: «قدر و ارزش آبرویی را که آدمی برای درخواست چیزی صرف می‌کند، بالاتر از حاجت مورد درخواست است، هرچند آن خواسته مهم باشد و با صرف آبرو برآورده شود».^۱

روایت زیر ارزش حفظ آبروی مؤمن را بیشتر روشن می‌سازد:
ابو بصیر گفت: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم: مردی از یاران ما فقیر است و من می‌خواهم زکات خود را به او بدهم، اما او شرم می‌کند که زکات بگیرد. آیا لازم است به او بگویم که این زکات اموال است؟ حضرت در جواب فرمود: «عملی که خدا بر تو واجب فرموده، انجام بده، ولی مؤمن را خوار مکن».^۲

بر همین اساس، هر مؤمنی وظیفه دارد که تمام تلاش خود را برای حفظ آبروی خویش به کار گیرد. به منظور محفوظ ماندن آبرو، به تلاش برای به دست آوردن مال حلال سفارش شده است:

عثمان بن جمیع می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خیری نیست در کسی که گردآوری مال از راه حلال را برای حفظ آبرو

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۶۱، ح ۸۱۸۴.

۲. گلچین صدوق، ج ۱، ص ۱۸۱.

و پرداختن وام خود دوست نداشته باشد».^۱
در حدیث دیگر آمده است: «هر کس دنیا را با هدف بی‌نیازی از مردم و احسان نمودن به همسایه طلب کند، روز قیامت با چهره‌ای چون ماه شب چهارده خدا را ملاقات خواهد کرد».^۲
باید توجه داشت که بی‌نیازی و توانگری دارای آفت‌هایی است که مؤمن باید برای دور ماندن از آن‌ها تلاش نماید. بخل، یکی از این آفت‌هاست. امام علی علیه السلام فرمود: «آفت توانگری، بخل است».^۳

۲۶-۲. تنگ‌دستی و بی‌آبرو شدن

چنان‌که در بند پیشین گفته شد، بی‌نیازی و توانگری، ارج و منزلت را برای انسان به ارمغان می‌آورد. طبیعتاً تنگ‌دستی و فقر، موجب از بین رفتن آبرو و منزلت انسان شده و او را نزد دیگران تحقیر می‌کند. عوارض نامطلوبی که در اثر فقر و تنگی معاش دامن‌گیر انسان می‌شوند، بسیارند که با توجه به کلام امام سجاد علیه السلام به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تنگ‌دستی موجب می‌شود که انسان دست‌نیاز به سوی کسانی دراز کند که همگی بر سفره گسترده الهی نشسته و روزی خوار خداوند شده‌اند.

۲. در میان آنها، کسانی وجود دارند که بدکردار بوده و در مسیر الهی گام بر نمی‌دارند. فقر و تنگ‌دستی سبب می‌شود که انسان برای رفع نیازهای خود به چنین افرادی محتاج گردد.

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۱۸۱.

۳. الحیاء، ج ۶، ص ۹۶.

۳. کسانی که از آنها درخواست می‌شود، به دو دسته تقسیم می‌شوند:
الف) افرادی که پاسخ انسان را داده و خواسته‌اش را اجابت می‌کنند.
ب) افرادی که دست ردّ به سینه درخواست کننده زده و او را از خویش می‌رانند.

تردیدی نیست که دسته اول باید مورد تشکر و قدردانی قرار گیرند. اما ممکن است قدردانی از آنها از حدّ اعتدال خارج شده و به زیاده روی در ستایش و تمجید منتهی شود که این ستایش و تمجید ممکن است مورد رضایت الهی نباشد.

طبیعتاً انسان در برابر دسته دوم که از بخشش امتناع کرده‌اند، دلگیر شده و این دلگیری ممکن است به سرزنش آنها و یا برخی تندگویی‌های زبانی منجر شود که این نیز مورد رضایت خداوند نیست. سخن آخر این که رفتارها و عملکردهای انسان در بی‌نیازی و نیازمند شدن او نقش دارند که در مباحث پیشین به برخی از عوامل توسعه و تنگی رزق اشاره نمودیم.^۱

۱. ر.ک: فراز: «۳ - ۴».

فراز بیست و هفتم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَفَرَاغاً فِي زَهَادَةٍ، وَعِلْماً فِي اسْتِعْمَالٍ، وَوَرَعاً
فِي إِجْمَالٍ: و «تندرستی در عبادت» و «آسودگی در زهد» و «دانشی که آن را
به کار گیرم» و «پارسایی همراه با میانه‌روی (اعتدال)» را به من روزی فرما

۲۷- ۱. تندرستی برای عبادت

سلامت جسمی و روحی یکی از نعمت‌ها و موهبت‌های خداوند به
انسان است. بیماری موجب می‌شود تا انسان نتواند به درستی از
استعدادهای خویش استفاده کرده و در مسیر صحیح گام‌های بیشتر و
مؤثرتری بردارد. در بعضی از روایات، از تندرستی و امنیت به عنوان دو
نعمتی که برای مردم ناشناخته و مغفول مانده‌اند، یاد شده است.
رسول خدا ﷺ فرمود: «امنیت و سلامت، دو نعمت است که
بسیاری از مردم در آن مغبون شده‌اند».^۱

۱. نهج الفصاحة، ص ۳۶۹، ح ۱۰۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: «عافیت، نعمتی است پنهان؛ وقتی یافت شود، فراموش می‌گردد و چون از دست برود، به یاد می‌آید».^۱

تمایل مردم برای تندرستی و سالم بودن، می‌تواند علّت‌های مختلفی داشته باشد. برخی برای فعالیت‌های علمی و فکری، برخی برای تداوم کارهای فیزیکی و ... خواستار سلامتی‌اند. از آن‌جا که در نگاه دینی، رسیدن انسان به سعادت و کمال، هدف نهایی خلقت می‌باشد و راه رسیدن به این هدف، عبادت و بندگی به معنای واقعی آن است بنابراین، درخواست سلامتی برای کسی که می‌خواهد به این هدف عالی دست یابد جز این نیست که تمام گفتارها، رفتارها و کردارهای خویش را در مسیر تکامل معنوی به‌کار گرفته و با جسم و روحی سالم در این مسیر به عبادت بپردازد؛^۲ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.^۳

۲۷-۲. زهد و بی‌اعتنایی به دنیا

«زهد» در لغت، به معنای بی‌میلی نسبت به چیزی است. در اصطلاح معروف دینی به معنای بی‌اعتنایی و بی‌رغبتی انسان نسبت به دنیاست. این واژه، یک بار در قرآن به صورت «الزاهدین» به‌کار رفته است که به معنای بی‌رغبتی برادران یوسف نسبت به فروختن او می‌باشد.^۴ با این حال، برخی از آیات قرآن درباره‌ی دل‌ن بستن به امور مادی و دنیایی سخن می‌گویند. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۳.

۲. رک: فراهی: ۳-۳؛ ۷-۳؛ ۱۱-۳.

۳. الذاریات: ۵۶. «من جنّ و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)».

۴. رک: یوسف: ۲۰.

به أَزْوَاجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْسَتِهِمْ فِيهِ وَ رَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى^۱.
طبق فرموده امام علی علیه السلام، زهد در دو کلمه از قرآن بیان شده که عبارت است از: ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾.^۲
آن حضرت درباره اهل زهد می‌فرماید: «زاهدان، گروهی از مردم دنیایند که دنیاپرست نمی‌باشند. در دنیا زندگی می‌کنند اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند...»^۳.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «... به درستی که صابرتین شما بر بلا کسی است که نسبت به دنیا بی‌رغبت‌تر باشد...»^۴.

در روایات، آثاری هم‌چون: «خشنودی خداوند»، «آسان شدن گرفتاری‌ها»، «بصیرت»، «محبوبیت نزد مردم» و ... برای کسانی که اهل زهد هستند، بیان شده است.

در آموزه‌های اسلامی، درباره زمان‌های فراغت و بیکاری، توصیه‌های سودمندی ارائه گردیده است؛ زیرا اگر انسان نسبت به این زمان‌ها غفلت بورزد چه‌بسا گرفتار پیامدهای ناگوار آن شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن دو به گمراهی و فسادگرایش یافته‌اند. این دو نعمت عبارتند از: فراغت و سلامت»^۵.

۱. طه: ۱۳۱. «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است» - و نیز رک: الحجر: ۸۸.

۲. الحديد: ۲۳. «این بخاطر آن است که برای آن‌چه از دست داده‌اید تأسف نخورید و به آن‌چه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید».

۳. نهج البلاغه، ص ۳۳۳، خطبه ۲۳۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. الخصال، ج ۱، ص ۳۵.

افراد مختلف برای اوقات فراغت و بیکاری خویش برنامه‌های مختلفی دارند. امام سجاده علیه السلام، عبادت زاهدگونه را بر هر کار دیگری ترجیح داده و از خدا می‌خواهد که چنین حالتی را به او روزی نماید.

۲۷-۳. علم همراه با عمل

دانش‌اندوزی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین آموزه‌های دینی است تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بر همه مسلمانان واجب می‌داند.^۱ قرآن، تعلیم دانش و تربیت را به عنوان هدف خداوند از بعثت انبیا معرفی نموده و می‌فرماید: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾.^۲ در جایی دیگر، از رسول خویش می‌خواهد که از خداوند، فزونی در علم را طلب کند.^۳ در آیه‌ای دیگر، اهل علم در ردیف ملائکه قرار داده شده و گفته می‌شود: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾.^۴

طبق فرموده امام علی علیه السلام هیچ گنجی سودمندتر از علم نیست.^۵

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱.

۲. البقرة: ۱۵۱. همان‌گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم)، رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد. و نیز رک: آل عمران: ۱۶۴؛ الجمعة: ۲.

۳. طه: ۱۱۴. ﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾. «پروردگارا! علم مرا افزون کن».

۴. آل عمران: ۱۸. «خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به‌گونه‌ای بر این مطلب)، گواهی می‌دهند».

۵. الکافی، ج ۸، ص ۱۹.

در حدیثی از پیامبر ﷺ می‌خوانیم: «فضیلت دانش، نزد من از فضیلت عبادت محبوبتر است».^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای طالب علم همه موجودات طلب مغفرت می‌کنند حتی ماهیان دریاها و پرندگان در آسمان».^۲
آنچه در فضیلت دانش و دانش‌اندوزی گفته شد، وقتی ارزشمند است که علم، عمل را نیز با خود همراه سازد. در این باره به دو روایت توجه می‌کنیم:

رسول خدا ﷺ فرمود: «اهل علم دو گروه‌اند: عالمی که به علم خود عمل می‌کند و نجات می‌یابد. عالمی که به علم خویش عمل نمی‌کند و هلاک می‌شود...».^۳

و نیز فرمود: «هر کس علم را فراگیرد و به آن عمل نکند روز قیامت خداوند او را کور محسور خواهد کرد».^۴

۲۷-۴. میانه‌روی در پارسایی

«ورع» به معنای خویشتن‌داری نسبت به ارتکاب محرمات الهی است. حفص بن غیاث می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چه کسی بین مردم دارای ورع است؟ فرمود: «شخصی که از محرمات خداوند اجتناب می‌کند».^۵

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۹.

۲. همان، ص ۱۷۳، ح ۳۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۲.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۷۷، ح ۸.

امام باقر علیه السلام فرمود: «ورع، سخت‌ترین عبادت است».^۱
امام صادق علیه السلام فرمود: «در مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام
این بود که فرمود: ای موسی! هیچ چیزی همانند ورع و خودداری از حرام،
بندگانم را به من نزدیک نمی‌کند. من در مقابل ورع، بهشت عدن را پاداش
آنان قرار می‌دهم، بهشتی که دیگران در این پاداش شریک آنان نیستند».^۲

۱. همان، ص ۷۷، ح ۵.

۲. همان، ص ۸۰، ح ۳.

فراز بیست و هشتم

اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجَلِي: پروردگارا! عمرم را به بخشش خود به پایان رسان
وَحَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي: و آرزویم را که امید رحمت تو
می باشد، برآورده ساز
وَسَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي: و راه هایم را برای رسیدن به
خشنودیت آسان نما
وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي: و در تمام حالاتم، عملم را نیکو گردان

۲۸- ۱. عاقبت به خیر شدن

عفو، صفح و غفران واژه هایی هستند که معنایی نزدیک به هم دارند.
خداوند متعال، علاوه بر این که مؤمنان را به عفو و بخشش دیگران
توصیف فرموده^۱ و آنان را به عفو و بخشش دستور داده است^۲ خود را
نیز «غفور» نامیده و می فرماید:

۱. آل عمران: ۱۳۴.

۲. النور: ۲۲.

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۱
 ﴿يَبْنَئُ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۲
 ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳
 رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند بسیار بخشنده است و بخشش را دوست دارد».^۴

مطلب قابل توجه این است که انسان هر اندازه هم که در مسیر اطاعت و بندگی گام بردارد باز نمی‌تواند یقین داشته باشد که پایان عمرش همراه با حالتی نیکو و خدایسندانه است. از طرفی، عفو و بخشش خداوند نیز بدون ملاک و میزان نبوده و انسان باید شایستگی دریافت آن را پیدا کند. بنابراین بایسته است که از عمر خویش استفاده کرده و با اطاعت اوامر الهی، عاقبت به خیر شود. با این حال، باید از خداوند نیز بخواهد که عوامل عاقبت به خیری را برای او فراهم نموده و موانع آن را برطرف سازد. از جمله اموری که می‌تواند این خواسته را برای انسان محقق سازد، «یاد مرگ» است.

۱. (الزمر: ۵۳). بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

۲. الحجر: ۴۹. «بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم».

۳. الأنعام: ۵۴. «پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می‌شود چرا که) او آمرزنده مهربان است».

۴. نهج الفصاحة، ص ۲۹۷، ح ۷۰۴.

۲۸-۲. امید به رحمت خداوند

یکی از گناهان بزرگ، ناامید بودن از رحمت خداوند است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»^۱. و نیز می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»^۲.

امید به رحمت الهی، در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند ناامیدکنندگان را روز قیامت محشور می‌کند درحالی‌که سیاهی چهره آنها بر سفیدی غلبه دارد، مردم هنگامی که آنها را مشاهده می‌کنند می‌گویند اینها مردم را از رحمت خداوند دور می‌کردند»^۳.

گفتنی است که براساس آموزه‌های دینی، همان اندازه که باید به رحمت خداوند امیدوار بود به همان اندازه نیز باید از عذاب الهی ترس و هراس داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «چنان به خداوند امیدوار باش که جرأت سرپیچی از خداوند را در تو ایجاد نکند و چنان از خداوند بترس که تو را از رحمت خداوند ناامید نکند»^۴.

۲۸-۳. به دست آوردن راه‌های جلب رضایت خداوند

رسیدن به خشنودی و رضایت خداوند، عالی‌ترین مقامی است که تمام

۱. الحجر: ۵۶. گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟»
 ۲. یونس: ۵۸. بگو: «به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که این، از تمام آن‌چه گردآوری کرده‌اند، بهتر است».
 ۳. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص ۳۳۸، ح ۳.
 ۴. الحیاء، ج ۱، ص ۴۰۷.

اولیای بزرگ الهی در تمنّای آن بوده و هستند.^۱ در روایات اسلامی، راه‌هایی برای رسیدن به رضایت خداوند بیان شده است که در این جا به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. راضی و خشنود بودن انسان نسبت به مقدّرات خداوند:

حضرت موسی علیه السلام به خداوند عرض کرد: «بار الها! مرا به چیزی راهنمایی فرما که وقتی آن را انجام دادم خشنودی و رضایت تو از من در آن باشد. خداوند به وی وحی فرمود: ... رضایت من در رضایت تو به قضای من است».^۲

امام علی علیه السلام فرمود: «نشانه رضایت خداوند سبحان از بنده، رضایت بنده است به آنچه خداوند درباره او مقدّر فرموده است، خواه مقدّر الهی به نفعش باشد یا به ضررش».^۳

۲. اطاعت محض از خداوند:

امام علی علیه السلام فرمود: «رضایت خداوند، مقرون به اطاعت او است».^۴
امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت نمود که فرمود: «خداوند چهار چیز را در چهار چیز پنهان داشته است: رضایت خود را در اطاعت خویش مخفی نموده است؛ پس هیچ چیز از اطاعت الهی را کوچک شمارید، چه بسا رضای او با آن اطاعت، موافقت داشته باشد و تو از آن خبر نداشته باشی ...».^۵

۱. در این باره رک: فراز: ۲۱ - ۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱۲.

۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۰۱، ح ۶۳۴۴.

۴. همان، ص ۶۰۱، ح ۵۴۱۰.

۵. الخصال، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲۸-۴. نیکو شدن اعمال^۱

«ایمان و عمل شایسته» دو حقیقتی هستند که یکی بدون دیگری فایده‌ای ندارد. تعبیر ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ ۴۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است. در چهار آیه، از تعبیر ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ استفاده شده است. خداوند در یکی از این آیات می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾^۲.

آرزو عمل نیکو و مداومت بر آن به اندازه‌ای است که وقتی مردی از امام علی علیه السلام درخواست موعظه نمود، حضرت به وی فرمود: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح، به آخرت امیدوارند...»^۳.

و نیز آن حضرت فرمود: «نتیجه نهایی علم، کردار نیک است»^۴. «عمل نیکو، بهترین ذخیره و برترین آمادگی است»^۵. «بهترین عملها آن است که دین را به صلاح آورد»^۶. «بر تو باد به انجام عمل صالح؛ زیرا توشه بهشت است»^۷.

۱. ر.ک: فراز: ۱ - ۵.

۲. الکهف: ۳۰. «مسلمانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد». - و نیز ر.ک: هود: ۷؛ الکهف: ۷؛ الملک: ۲.

۳. نهج البلاغه، ص ۴۷۳، حکمت ۱۵۰.

۴. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۰۰۶، ح ۶۳۵۷.

۵. همان، ص ۱۰۴۶، ح ۴۸۶۵.

۶. همان، ح ۴۹۶۶.

۷. همان، ص ۱۰۴۸، ح ۶۱۰۷.

فراز بیست و نهم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
دروود فرست

وَبَهِّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ: و در زمان‌های بی‌خبری و غفلت،
مرا به یاد نمودنت متوجه و آگاه گردان

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهِلَةِ: و مدت زمانی را که در این دنیا
برایم قرار داده شده است، در اطاعت و بندگی خود به کارم گیر

وَأَنْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً: و راهی آسان به سوی محبتت،
برای من قرار ده

أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: و با قرار دادن چنین راهی، خیر دنیا
و آخرت را برای من کامل گردان

۲۹- ۱. یاد خدا

یاد خدا و غافل نبودن از او، از جمله معارفی است که در قرآن و روایات
از آن سخن گفته شده است. براساس آیات قرآن، یاد خدا، آرامش دل را

به دنبال داشته^۱ و اعراض از یاد او، امور زیر را در پی دارد:

۱. زندگی سخت و کور محسور شدن در قیامت^۲
۲. همراه شدن با شیطان^۳
۳. به دوش کشیدن بار سنگین در قیامت^۴
- خداوند متعال، به مؤمنان دستور می‌دهد که خدا را بسیار یاد کرده^۵ و ثروت و فرزندی، آنها را از یاد خدا باز ندارد؛ براساس این آیه، غفلت از یاد خدا، موجب زیان‌کار بودن آنها خواهد شد.
- پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کسی که بسیار به یاد خدا باشد، خداوند او را دوست دارد».^۶
- امام علی علیه السلام فرمود: «کسی که دل خود را با یاد دائمی خداوند آباد نماید، کارهایش در پنهان و آشکار نیکو خواهد بود».^۷
- و نیز فرمود: «یاد دائمی خداوند، قلب و فکر را نورانی و روشن می‌کند».^۸

-
۱. الرعد: ۲۸. «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».
 ۲. طه: ۱۲۴. «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم».
 ۳. الزخرف: ۳۶. «و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست».
 ۴. طه: ۱۰۰. «هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسئولیت) بر دوش خواهد داشت».
 ۵. الأحزاب: ۴۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید».
 ۶. المنافقون: ۹. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنید! و کسانی که چنین کنند، زیان‌کارانند».
 ۷. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۹.
 ۸. غرر الحکم، ج ۱، ص ۵۵۲، ح ۸۸۷۲.
 ۹. همان، ص ۵۵۰، ح ۵۱۴۴.

در میان روایات، آثاری از قبیل: «نیکو شدن اعمال»، «زنده شدن قلب»، «طرد شیطان»، «امنیت از نفاق»، «نزول رحمت» و «محبوبیت الهی» برای یاد خدا بیان شده است.

۲۹-۲. اطاعت از خدا در دوران زندگی

قرآن، اطاعت و فرمانبری از خداوند را یکی از نشانه‌های ایمان دانسته و می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱.

جمله ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ﴾ ۱۱ بار در قرآن به کار رفته و اطاعت از خداوند به عنوان عامل سعادت انسان معرفی شده است، آن جا که فرمود: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۲.

در یکی از آیات، درباره کسانی که خدا و رسولش را اطاعت کنند، می‌خوانیم:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^۳.

براساس این آیه، کسانی که خدا و رسولش را اطاعت کنند، با انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین هم‌نشین می‌شوند و اینان کسانی هستند که خداوند به آنها نعمت داده است. از طرفی، هر روز، در نمازهای واجب و مستحب خود، خطاب به خداوند می‌گوییم: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ

۱. الأنفال: ۱.

۲. النور: ۵۲. «و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند».

۳. النساء: ۶۹. «و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، هم‌نشین پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است و آنها رفیق‌های خوبی هستند».

لَا الضَّالِّينَ^۱ در این آیه، از خداوند، راه کسانی را که به آنها نعمت داده است، طلب می‌کنیم و آنها همان انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین می‌باشند.
باید توجه داشت که در این دنیا، انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:
۱. کسانی که در همه عمر خویش، عبادت و اطاعت کرده‌اند.
۲. کسانی که در همه عمر خویش، عصیان و مخالفت کرده‌اند.
۳. کسانی که قسمتی از عمر را اطاعت و قسمتی از آن را عصیان کرده‌اند.
عواملی از قبیل نادانی، تربیت نادرست، محیط فاسد، هم‌نشینیان گمراه و... موجب می‌شود تا انسان تمام و یا قسمتی از عمر خویش را به سرپیچی از اطاعت خداوند سپری کرده و عواقب شوم آن را در دنیا و آخرت به‌دوش کشد.

۲۹-۳. محبت به خداوند

خداوند متعال انسان را به‌گونه‌ای آفریده که دوستدار کمال است. براساس جهان‌بینی اسلامی، خداوند کمال مطلق بوده و همه صفات کمالی را دارا می‌باشد. حال، اگر کسی نسبت به خداوند و صفات او آگاهی یابد طبیعتاً به او علاقه‌مند شده و نسبت به او محبت می‌ورزد. بنابراین، منشأ محبت، فطرت کمال جوی انسان است.

در قرآن، محبت به خداوند، یکی از ویژگی‌های مؤمنان معرفی شده است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۲.

۱. الحمد: ۷. «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان».

۲. البقرة: ۱۶۵. «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آنها را هم‌چون خدا دوست می‌دارند. اما آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان) شدیدتر است».

از نظر قرآن، پیروی از دستورات پیامبر ﷺ، نشانه دوست داشتن خداوند بوده و این اثر را دارد که خداوند نیز آنها را دوست داشته و گناهانشان را می بخشد. در این باره می خوانیم: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱

در روایتی از امام کاظم علیه السلام در پاسخ به این پرسش که برترین چیزی که با آن به خداوند نزدیک می شویم، چیست؟ فرمود: «پیروی از خداوند و پیروی از پیامبر و محبت خداوند متعال و محبت رسول او».^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «ایمان کسی خالص است که حبّ او به خداوند از حبّ خودش، از حبّ پدر و مادرش، از حبّ فرزند و خانواده اش و از حبّ مال و تمام مردم بیشتر باشد».^۳

۲۹-۴. خیر دنیا و آخرت

«خیر دنیا و آخرت» یکی از عناوینی است که در روایات اسلامی وارد شده است. براساس این روایات، برخی از افکار و اعمالی که انسان در زندگی انجام می دهد، خیر دنیا و آخرت را نصیب او می سازد که در این جا به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

۱. بی رغبت شدن نسبت به دنیا:

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی خدا خیر بنده ای را بخواهد، او را نسبت به دنیا بی رغبت و نسبت به دین دانشمند کند و به عیوب دنیا

۱. آل عمران: ۳۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۵ - در این باره رک: التوبة: ۲۴.

بینایش سازد. و به هر که این خصلت‌ها داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است...»^۱.

۲. کسب علم دین برای آخرت:

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که حدیث [ما] را برای سود دنیا بخواهد در آخرت بهره‌ای ندارد و هر که آن را برای خیر آخرت بجوید خداوند خیر دنیا و آخرت به او عطا فرماید»^۲.

۳. نرم‌خویی:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نرمش را بر چیزی ننهند مگر این‌که آن را زیور بخشد و بدخویی را بر چیزی ننهند مگر این‌که آن را زشت کند. به هرکس نرم‌خویی داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده و هرکس از آن محروم است از خیر دنیا و آخرت محروم است»^۳.

۴. رازداری و دوستی با نیکان:

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «خیر دنیا و آخرت در رازداری و دوستی با نیکان جمع است و همه شرّ و بدی در فاش کردن راز و برادری با اشرار»^۴.

۵. خیر دنیا و آخرت در چهار چیز:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که چهار خصلت در دنیا به او اعطا شود، خیر دنیا و آخرت به وی اعطا گردیده و به بهره‌هر دو عالم دست یافته است: ۱. خویشتنداری که او را از گناهان الهی بازدارد. ۲. حسن خلقی که بتواند در جامعه زندگی کند. ۳. بردباری و حلمی که به وسیله

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۶، ح ۲.

۳. آداب معاشرت، ج ۲، ص ۳۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

آن، نادانی افراد جاهل را از خود دور کند. ۴. همسر صالحی که او را در امر دنیا و آخرت یاری دهد».^۱

امام علی علیه السلام فرمود: «چهار صفت است که به هر کس عطا شود، خیر دنیا و آخرت به وی عطا شده است: راستگویی، ادای امانت، عفت شکم و حسن خلق».^۲

و نیز فرمود: «سه صفت است که اگر در کسی باشد خیر دنیا و آخرت، رزق او شده است که عبارتند از: خشنودی به قضای الهی، صبر بر بلا، شکر خداوند در فراخی و وسعت».^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۴، ح ۱۰۶.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۲۱۴۲.

۳. همان، ح ۴۶۷۰.

فراز سی‌ام

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: پروردگارا! بر [حضرت] محمد و خاندانش
درود فرست

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ:
همانند برترین و بهترین درودی که پیش از او بر یکی از آفریده‌های خود
فرستادی و پس از او بر یکی از آنها خواهی فرستاد
وَاتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً: و در دنیا و آخرت به ما خیر
و نیکی عطا فرما
وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ: و به رحمت خود، ما را از عذاب آتش حفظ نما

۳۰- ۱. برترین درود بر پیامبر ﷺ و خاندانش

در ابتدای فراز اول دعای مکارم الأخلاق دربارهٔ صلوات بر پیامبر ﷺ و
خاندان پاکش اشاراتی داشتیم. در این فراز علاوه بر آن درخواست، به
مطلب دیگری نیز تصریح شده و صلوات بر پیامبر ﷺ همانند برترین
صلواتی درخواست گردیده که خداوند متعال پیش از آن حضرت و پس
از آن حضرت بر یکی از آفریده‌های خویش فرستاده و خواهد فرستاد.

روایاتی وجود دارد که با توجه به آنها شاید بتوان گفت مقصود از جمله «پیش از پیامبر ﷺ»، حضرت ابراهیم علیهِ السلام است. در این باره به دو روایت اشاره می‌شود:

۱. پیامبر ﷺ فرمود: «بگوئید: بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، هم‌چنان‌که بر ابراهیم و آل ابراهیم در جهان درود فرستادی، که تو ستوده و بزرگواری».^۱

۲. پیامبر ﷺ - در پاسخ به پرسش از چگونگی درود فرستادن بر ایشان - فرمود: «بگوئید: بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، هم‌چنان‌که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی که تو ستوده و بزرگواری. و به محمد و آل محمد برکت ده، هم‌چنان‌که به ابراهیم و آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی که تو ستوده و بزرگواری».^۲

۳۰-۲. درخواست نیکی در دنیا و آخرت

در یک تقسیم انسان‌ها دو گروه‌اند:

الف) گروهی از آنها فقط به مواهب و عطایای دنیوی و مادی توجه داشته و غیر از آن چیزی نمی‌خواهند. روشن است که این گروه از مواهب دنیایی برخوردار شده ولی بهره‌ای از مواهب آخرت نخواهند داشت. خداوند درباره این گروه می‌فرماید: ﴿فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾^۳.

۱. عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳. بقره: ۲۰۰. «بعضی از مردم می‌گویند: خداوند! به ما در دنیا، (نیکی) عطا کن! ولی در آخرت، بهره‌ای ندارند».

ب) گروهی دیگر کسانی هستند که هم مواهب و نعمت‌های دنیا و هم مواهب و نعمت‌های آخرت را از خداوند درخواست می‌کنند. خداوند درباره اینان می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۱. روشن است درخواست نعمت‌های دنیا از سوی این گروه، برای آنها اصالت نداشته و در صدد آن هستند که با به کار گیری صحیح این مواهب و نعمت‌ها راه را برای رسیدن به سعادت اخروی هموار سازند.

خداوند درباره هر دو گروه می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُفُتْهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾^۲.

امام صادق علیه السلام مقصود از واژه «حسنة» را در آیه ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾ این گونه بیان می‌فرماید: «خشنودی خداوند و بهشت در آخرت و وسعت رزق و حسن خلق در دنیا».^۳

البته باید دانست که بیان این موارد از باب معرفی برخی از مصادیق است نه این که فقط در همین چند مورد منحصر شده باشد؛ زیرا اموری هم چون توفیق بر دانش‌اندوزی، توفیق بر شکرگزاری، صبر پیشه کردن، برخورداری از همسر و فرزند شایسته و ... یقیناً از مواهب دنیوی است که برخورداری از مواهب اخروی را نیز به دنبال دارند.

۱. همان: ۲۰۱. «و بعضی می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

۲. شوری: ۲۰. «کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد».

۳. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۳، ح ۱۸.

۳۰ - ۳. حفظ شدن از عذاب آتش

«محفوظ ماندن از عذاب آتش» در روز جزا، خواسته هر انسانی متدینی است. در روایات اسلامی، اموری در راستای تحقق این دعا بیان شده است. در این جا به چند روایت از امام علی علیه السلام در این باره بسنده می کنیم:

۱. طولانی نمودن قنوت و سجود، انسان را از عذاب آتش نجات می دهد.^۱
۲. شرم از خداوند سبحان، انسان را از عذاب آتش حفظ می کند.^۲
۳. دروغ گویی در دنیا عار و ننگ است و در آخرت عذاب آتش.^۳
۴. مشغول شدن تو به اصلاح آخرت، تو را از عذاب آتش نجات می دهد.^۴

امام صادق علیه السلام درباره خواندن سوره الغاشیه فرمود: «هر کس به خواندن سوره غاشیه در یکی از نمازهای پنجگانه یا نافله های خود مداومت نماید خداوند در دو جهان سراپای او را به رحمت خود می پوشاند و روز قیامت، در امان بودن از عذاب آتش را به وی کرامت می فرماید».^۵

۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۲۰۳، ح ۶۰۰۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۴۳، ح ۱۷۰۷.

۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۱۴۶، ح ۲۶۳۵.

۵. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۲۲.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم (با ترجمه آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی)
۲. آداب معاشرت (ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار)، محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.
۳. اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، محمد داودی، دفتر نشر معارف، قم، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۷.
۴. اخلاق الهی، مجتبی تهرانی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۶. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد تقی مجلسی، انتشارات اسلامی، تهران.
۷. تحریر المواعظ العددیة، علی مشکینی، انتشارات الهادی، قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
۸. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ابن شعبه حرانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۹. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.

۱۱. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حرّ عاملی، انتشارات آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، انتشارات دار الرضی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. الحدیث (روایات تربیتی)، محمدتقی فلسفی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۴. الحیة، محمد رضا حکیمی، مترجم: احمد آرام، انتشارات دلیل ما، قم، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۵.
۱۵. الخصال، شیخ صدوق، منشورات جماعة المدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرگ الطهرانی، دار الأضواء، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۷۸ ق.
۱۷. سنن النبی ﷺ، محمد حسین طباطبائی، مترجم: محمد هادی فقهی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق، قم، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۷۵.
۱۹. صحیفه کامله سجادیه، مترجم و شارح: سید علی نقی فیض الاسلام، انتشارات فقیه، تهران، جمادی الاولى ۱۳۷۵ ق.
۲۰. صحیفه کامله سجادیه، مترجم و شارح: میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات قائم آل محمد ﷺ، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۲۱. عوالی اللثالی العزیزیه، احسانى، ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم، انتشارات دار سید الشهداء، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۲۳. غرر الحکم، مترجم: سید حسن شیخ الاسلامی، انتشارات انصاریان، قم، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۲۴. فضائل الخمسة من الصحاح الستة، سید مرتضی فیروز آبادی، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ق.
۲۵. الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی، انتشارات اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
۲۶. کنز الفوائد، ابوالفتح کراجکی، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۲۷. گلچین صدوق، محمد حسین صفاخواه، انتشارات فیض کاشانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ورام ابن ابی فراس، انتشارات مکتبه فقیه، چاپ اول.
۲۹. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۲، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
۳۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسة آل‌الیت علیه‌السلام، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۱. مسند الإمام احمد بن حنبل، دارالفکر.
۳۲. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۴. النوادر، سید فضل الله راوندی، انتشارات دار الکتاب، قم، چاپ اول.
۳۵. نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، قم، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۱ ش.
۳۶. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ابو القاسم پاینده، انتشارات دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام، اکبر دهقان، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۸.

۱. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۱/ عبدالحسین خسروپناه
۲. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۲/ عبدالحسین خسروپناه
۳. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ج ۳/ عبدالحسین خسروپناه
۴. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه‌ها ج ۱/ مجموعه مؤلفان
۵. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امت اسلامی، مبانی و مؤلفه‌ها ج ۲/ مجموعه مؤلفان
۶. سیری در آیین مسیحیت/ علی الشیخ
۷. اسرائیلیات، تخریب‌ها و تحریف‌های یهود/ سید الهی مدبر چهاربرجی
۸. بررسی مقایسه‌ای ماهیت و حقوق ایمان بین ملاصدرا و آکویناس/ غلام‌سخی احسانی
۹. آشنایی با معارف قرآن، قصه‌های قرآنی/ تفسیر موضوعی ۱/ صالح قنادی
۱۰. تاریخ فلسفه اسلامی/ جمعی از مؤلفان
۱۱. ارتباط چهره به چهره/ مرکز توسعه منابع انسانی
۱۲. ارزش‌یابی آموزشی/ مرکز توسعه منابع انسانی
۱۳. آشنایی با اختلالات شناختی/ مرکز توسعه منابع انسانی
۱۴. اخلاق اجتماعی/ مرکز توسعه منابع انسانی
۱۵. اخلاق دوست‌یابی/ مرکز توسعه منابع انسانی
۱۶. درسنامه عقاید/ علی شیروانی
۱۷. تاریخ حدیث/ محمد رضا مؤذن
۱۸. منطق پیشرفته/ عسکری سلیمانی امیری
۱۹. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال اول دبیرستان)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۰. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال دوم دبیرستان)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۱. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال سوم دبیرستان)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۲. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال اول راهنمایی)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۳. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال دوم راهنمایی)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۴. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سال سوم راهنمایی)/ علی بهمان ملک احمدی
۲۵. تاریخ اروپا ۲/ محمد ستوده آرائی
۲۶. تاریخ ادبیات فارسی ۱/ محسن مؤمن، مرتضی زراق پور، محسن اسماعیلی، غلامعلی گرابی
۲۷. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق ۲/ محمد فتحعلی خانی
۲۸. آشنایی با فقه شافعی/ نصیب الله عزم‌فراف
۲۹. آیین دادرسی و قضا در عصر امویان/ اسد الله رضایی
۳۰. تربیت بدنی و سلامت جسمانی/ محسن اکبرپور بنی، سید محسن حسینی مراد آبادی، حسین صیوری، محمد رضا صحرایی، مهدی فهیمی
۳۱. اصول و روش‌های حفظ قرآن/ سید علی میرداماد نجف آبادی
۳۲. تفکر عقلی در کتاب و سنت/ حمید رضا نیا
۳۳. درس‌هایی از اخلاق/ اداره تربیت مجتمع آموزش عالی امام خمینی
۳۴. درآمدی بر نظریه عدالت در اسلام/ عبد الله جعفری
۳۵. گزیده کلبه و دمنه/ محمد رضا نیک‌زاد
۳۶. فرق و مذاهب کلامی/ علی ربانی گلپایگانی
۳۷. درآمدی به شیعه شناسی/ علی ربانی گلپایگانی
۳۸. فلسفه تاریخ/ جواد سلیمانی
۳۹. درسنامه مفردات قرآن مجید/ غلامعلی همایی
۴۰. علوم قرآن مقدمانی/ صدیق حسین
۴۱. آشنایی با فقه حنفی/ معروف جان رحیم جان‌اف تحقیق و بازبینی: خیرالله فیض‌الله اف
۴۲. پژوهشی در جلوه‌های امامت و ولایت در جریان عاشورا/ خدیجه صالحی
۴۳. انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی/ امان الله شفاپی
۴۴. بیت الغزل معرفت/ محمد فولادی، بهاء الدین اسکندری
۴۵. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم/ محمد باقر معرفت
۴۶. درسنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحجۃ، کتاب العشره)/ محمد امینی
۴۷. تاریخ علم اصول و فقه در شیعه/ یعقوب علی برجی
۴۸. شاخص تکوین منشوری/ نعمت‌الله پناهی پورجودی
۴۹. آشنایی مقدمانی با فلسفه اسلامی/ سید زهیر المسیحی
۵۰. آشنایی با صحیفه سجاده/ محمد علی محمد قفقی
۵۱. مفاهیم در اصول فقه و کلام بر آن در حل مسائل فقهی و حقوقی/ علی محمد قرام‌الملکی
۵۲. درسنامه روش‌های تفسیر قرآن/ محمد علی رضایی اصفهانی
۵۳. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران/ حسین علوی مهر
۵۴. حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق)/ سید علی میرداماد نجف‌آبادی
۵۵. کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد)/ علی ربانی گلپایگانی
۵۶. کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی)/ علی ربانی گلپایگانی
۵۷. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۷)/ اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۵۸. درسنامه روش آموزش و مهارت‌های کلاس داری قرآن کریم/ رحمت عابدی
۵۹. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۶)/ اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مؤمنی
۶۰. از قیادبان تا پیکان/ محمد رضا یوسفی، رقیه ابراهیمی شهرآباد
۶۱. اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی/ غلامحسین مفیدی
۶۲. مبانی و روش‌های تفسیری/ محمد کاظم شاکر
۶۳. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) (۱/۱)/ اصغر فردی، احمد زهرایی، محمد ناطق
۶۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم/ اصغر فردی، احمد زهرایی
۶۵. کارآمدی فقه شیعه در حل معضلات نوظهور سیاسی/ ارگین آکبولاک
۶۶. ویژگی‌های مجازات در اسلام/ علی شریفی
۶۷. رابطه هست و باید/ علیرضا ناصری
۶۸. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۱/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۶۹. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۲/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۰. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۳/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۱. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۴/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۲. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۵/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۳. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۶/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۴. خلاصه البیان فی تفسیر القرآن ج ۷/ سید هاشم میردامادی نجف آبادی مقدمه و تحقیق: سید مجتبی میردامادی
۷۵. تاریخ امپراطوری عثمانی/ محمد رضا بارانی
۷۶. مبانی انسان‌شناسی پیشرفت/ امان‌الله صفرچی، محمد علی نظری، محمد علی جواد، نصر... نظری
۷۷. حدیث یوم الدار نخستین سند ولایت/ مصطفی عزیزی علویچه
۷۸. هویت فلسفه اسلامی/ تهران خلیل اویج
۷۹. پدیده وحی از دیدگاه علامه طباطبائی/ رحمت‌الله احمدی
۸۰. شاخص‌های ارزیابی تسهیل مبادلات در بازار اسلامی/ محمد جمال خلیلیان اسکندری
۸۱. ادراک حسی از دیدگاه حکمت صدرایی و مبانی فیزیولوژیک/ سید یوسف موسوی
۸۲. بررسی تطبیقی دفاع در اسلام و حقوق بین‌الملل/ سید محمد امین هاشمی
۸۳. درمان بحران‌های روحی از دیدگاه قرآن/ محمد هادی قربانی
۸۴. آموزش فارسی به فارسی کتاب سوم/ مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۸۵. مبانی وقف و ابتداء/ محمد رضا شهیدی پور
۸۶. آسیب‌شناسی روابط گروه‌های قومی شیعه در افغانستان/ محمد حسین فیاض
۸۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱/ علی بهمان ملک احمدی
۸۸. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲/ علی بهمان ملک احمدی
۸۹. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳/ علی بهمان ملک احمدی
۹۰. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴/ علی بهمان ملک احمدی
۹۱. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵/ علی بهمان ملک احمدی
۹۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶/ علی بهمان ملک احمدی
۹۳. صفات خدا در کلام اسلامی و کلام مسیحی (فرون وسطی)/ شاهد علی هادی
۹۴. مراتب توحید الهی در حکمت متعالیه و اثرپذیری از قرآن و سنت/ خلیل موسوی
۹۵. نقش مسلمانان در انتقال تمدن اسلامی به اروپا/ محمدصادق رضوانی
۹۶. نقد و بررسی رفتارهای سیاسی و اجتماعی فاتحان مسلمان (در قرن اول هجری)/ مصطفی خرمی
۹۷. بررسی فقهی وکالت زن در دعوی و مجلس/ محمد صادق فیاض
۹۸. الگوی پیشنهادی بانکداری بدون ربا برای کشور آذربایجان/ الدار علی حسین اف
۹۹. بررسی عصمت انبیا از دیدگاه شیخ طوسی و فخرالدین رازی/ افضل‌الدین رحیم اف
۱۰۰. اسرار الصلاة/ مهدی/ محمد رضا فضلی
۱۰۱. هفدهمین جشنواره بین‌المللی شیخ طوسی (جهان اسلام و پدیدتکفیر)/ جمعی از مؤلفان
۱۰۲. نه‌هزار دست‌نویس تاریخ و اندیشه (جماعتی از شیعیان اسماعیلیه طیبیه هند)/ کمیل راجانی
۱۰۳. عقل در قرآن و تمدن اسلامی/ سید امیر حسین اصغر، امیر عباس صالحی
۱۰۴. خورشید بهسود/ سید رشید صمیمی
۱۰۵. آئین الینک الاسلامی/ عبداله حیدری
۱۰۶. اسلام در روسیه (اسلام در سرزمین وگلا)/ ادریسوف، دولتچینا، کوستووا، سینوکتینا و...
۱۰۷. فرصتی دوباره/ حسن بسطامی
۱۰۸. جمع میان احکام ظاهری و واقعی/ محمد عیسی دانش
۱۰۹. علوم قرآن مقدمانی/ صدیق حسین
۱۱۰. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم/ محمد باقر معرفت
۱۱۱. اسلام، جهانی شدن و جهانی سازی/ مهدی/ امید امید نظری
۱۱۲. الگوی بانکداری اسلامی/ محمد حواد معقوت نیا
۱۱۳. واژه‌شناسی قرآن مجید/ شهید غلامعلی همایی
۱۱۴. بررسی تطبیقی خیر و شر از دیدگاه ابن عربی و ابن سینا/ حسن امینی
۱۱۵. حاکمیت حکمرانی در نهج البلاغه/ محمد مهدی باباپور گل افشانی
۱۱۶. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت/ علی نصیری

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۷۴. درس فی تاریخ الدیان / حسین تولیقی
۱۷۵. المبادی الفقهیة عند الأصولیین / ماجد الصیمری
۱۷۶. الشورافقهاییا الحکومة الاسلامیة / زهد کاظم الماملی
۱۷۷. صلح الحدیثیة و بیعة الرضوان قراه جدیدہ فی الاهداف و سیر الاحداث و مصادر الرویہ / السید حسین السید الدری
۱۷۸. بررسی دیدگاه‌های تقریری امام خمینی و مولانا مودودی / سید حسن مهدی کاظمی
۱۷۹. حکم منکر ضروری الدین / سلیمان علی رضا
۱۸۰. ضوابط الرضاع / الجزء الاول / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۱۸۱. ضوابط الرضاع / الجزء الثاني / السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۱۸۲. الخراج فی فقه الانامی / عبدالمطلب رضاهازی
۱۸۳. اهداف التربية الاسلامیة / مرکز باحثات الحوزة و الجامعة
۱۸۴. معرفة ابواب الفقه / تلخیص تحریر الوسیلة للامام خمینی (ع) / محسن الفقیهی
۱۸۵. دور اهل البیت فی تفسیر القرآن الکریم / السید زکریا عباس الکاظمی
۱۸۶. نیراس الالهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الخامس / السید میر تقی الحسنی الکرکاتی
۱۸۷. الفقه المقارن / العبادات و النکاح / السید کاظم المصطفوی
۱۸۸. نیراس الالهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الرابع / السید میر تقی الحسنی الکرکاتی
۱۸۹. البرنامج التدريسی للحلقة الثانیة، ج ۱ / محمود العدائی
۱۹۰. المدخل الی الاقتصاد الاسلامی / مرکز باحثات الحوزة و الجامعة
۱۹۱. درس تمهیدی فی اصول العقائد / صادق الساعدی
۱۹۲. نیراس الالهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثالث / السید میر تقی الحسنی الکرکاتی
۱۹۳. تاریخ الحوزات العلمیة والمدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیة ج ۱ / ابوالحسن
۱۹۴. تاریخ الحوزات العلمیة والمدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیة ج ۲ / ابوالحسن
۱۹۵. تاریخ الحوزات العلمیة والمدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیة ج ۳ / ابوالحسن
۱۹۶. تاریخ الحوزات العلمیة والمدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیة ج ۴ / ابوالحسن
۱۹۷. تاریخ الحوزات العلمیة والمدارس الدینیة عند الشیعة الإمامیة ج ۵ / ابوالحسن

انگلیسی

۱۹۸. مهارت های قرائت قرآن (سطح ۱) - تجوید / محمد رضا ستوده نیا
۱۹۹. نگین آفرینش / محمد امین بالآستانیان
۲۰۰. سلسله مقالات (سلسله مقالات در گشتنام اسلام) / عبد المجید حکیم الهی
۲۰۱. فرهنگ اصطلاحات حقوق فقه / علیرضا هدایی
۲۰۲. مقدمه ای بر فلسفه اسلامی معاصر / محمد فتاحی اشکوری
۲۰۳. درآمدی بر فلسفه اسلامی / عبد الرسول عبودیت
۲۰۴. گفتارهایی در باب علم / امام خمینی (ع)
۲۰۵. گفتارهایی در باب قلب و احوال / امام خمینی (ع)
۲۰۶. گفتارهایی در باب توحید / امام خمینی (ع)
۲۰۷. گفتارهایی در باب مسائل کلامی / امام خمینی (ع)
۲۰۸. گفتارهایی در باب یاد خدا و اخلاص / امام خمینی (ع)
۲۰۹. گفتارهایی در باب صفات مؤمنان / امام خمینی (ع)
۲۱۰. گفتارهایی در باب حب دنیا / امام خمینی (ع)
۲۱۱. گفتارهایی در باب زایل اخلاقی / امام خمینی (ع)
۲۱۲. گفتارهایی در باب فضایل اخلاقی / امام خمینی (ع)
۲۱۳. درآمدی بر اصول فقه، رهیافتی شیعی / علیرضا هدایی
۲۱۴. آشنایی با علوم اسلامی / شهید مرتضی مطهری
۲۱۵. تعلیم و تربیت در اسلام / شهید مرتضی مطهری
۲۱۶. دیدگاهی اسلامی در باب نظریه معرفت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۷. انسان و سرنوشت / شهید مرتضی مطهری
۲۱۸. شیخ مرتضی مطهری اصلاخ گرو مجدد اندیشه اسلامی / خنجر حمیه
۲۱۹. قرآن و علوم طبیعت / مهدی گلشنی
۲۲۰. مسایلی در باب اسلام و علم / مهدی گلشنی
۲۲۱. آیا علم می تواند دین را نادیده بگیرد؟ / مهدی گلشنی
۲۲۲. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج ۱ / شجاع علی میرزا
۲۲۳. جامعه شناسی برای دانشجویان مسلمان ج ۲ / شجاع علی میرزا، حمید پارسانیا
۲۲۴. علوم اسلامی، نجوم، کیهان شناسی و هندسه / علی اکبر رضایی
۲۲۵. معرفت شناسی در اندیشه کلاسیک اسلامی / فرشاد فرشته صنعتی
۲۲۶. انسان شناسی برای دانش آموزان مسلمان / حمید پارسانیا، شجاع علی میرزا
۲۲۷. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج ۱ / جمعی از نویسندگان
۲۲۸. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج ۲ / جمعی از نویسندگان
۲۲۹. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج ۳ / جمعی از نویسندگان
۲۳۰. سلسله مقالات مطالعات اسلامی ج ۴ / جمعی از نویسندگان
۲۳۱. عقل در قرآن و تمدن اسلامی / سید امیر حسین اصغری، امیر عباس صالحی
۲۳۲. طهارت اهل کتاب / محمد حسن مختاری

فرانسوی

۲۳۳. درسنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی / ذوالقعدة نصاب الله

۱۱۷. تفسیر مقدماتی قرآن کریم / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۱۸. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
۱۱۹. حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۲۰. بررسی مقایسه ای ماهیت و حقوق ایمان بین ملا صدرا و کویناس / غلام سخی احسانی
۱۲۱. درس هایی از اخلاق / اداره تربیت مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ع)
۱۲۲. تربیت اخلاقی در سیره اهل بیت / غلامحسین ناطقی
۱۲۳. درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت (ع) / مجید حیدری نیک
۱۲۴. تفکر عقلی در کتاب و سنت / حمید رضا نیا
۱۲۵. درسنامه فقه الحدیث (کتاب فضل العلم، کتاب الحجة، کتاب العشرة) / محمد امینی
۱۲۶. مهارت در نوشتن / بهاء الدین اسکندری
۱۲۷. دانش فقه الحدیث / محمد حسن ربانی بیرجندی
۱۲۸. سیاست خارجی قدرت های بزرگ / محمد ستوده آرائی
۱۲۹. تاریخ اسلام در آسیای میانه و قفقاز / غلامحسن حسین زاده شانه چی
۱۳۰. مسایل حقوقی در سازمان / محسن منطقی
۱۳۱. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین الملل / محمد رضا آقایی
۱۳۲. منطق تفسیر قرآن ۲ (مباحث جدید دانش تفسیر) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۳۳. فرهنگ اصطلاحات اصول / مجتبی ملکی اصفهانی
۱۳۴. درس نامه تاریخ تشیع / سید لطف الله جلالی
۱۳۵. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
۱۳۶. ساز و کار بانکداری اسلامی / محمد جواد توکلی
۱۳۷. ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام / سید عبدالحمید ثابت، محمد علی نظری
۱۳۸. بررسی تطبیقی منابع تاریخی شیعی و سنی درباره تعامل حضرت علی (ع) با خلفا تا قرن ۵ هجری / سید ابرار حسین نقوی
۱۳۹. بررسی مقایسه ای عوامل سقوط تمدن ها از دیدگاه ابن خلدون و توین بی / سید محمد جمال موسوی
۱۴۰. مشروعیت اقامه حدود و تعزیرات در عصر غیبت / سید باقر محمدی

عربی

۱۴۱. الآداب الاسلامیة، ج ۱ / محمد عندلیب / کمال السید / ۲
۱۴۲. قراءة نقدیة فی تاریخ القرن للمشرق تیودور نولدکه / حسن علی حسن مطر الهاشمی
۱۴۳. دروس فی علوم القرآن / حسین جوان آراسته
۱۴۴. نافذة علی الفلسفة / صادق الساعدی
۱۴۵. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۱ / العبادات / الشیخ باقر البیروانی
۱۴۶. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۲ / عقود / الشیخ باقر البیروانی
۱۴۷. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۳ / عقود / الشیخ باقر البیروانی
۱۴۸. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۴ / الاحکام / الشیخ باقر البیروانی
۱۴۹. کتاب التظنن / ۲ / شاکر محمود افضل، میثم الریبعی
۱۵۰. کتاب التظنن / ۱ / شاکر محمود افضل، میثم الریبعی
۱۵۱. کتاب اللغة العربیة / ۲ / شاکر محمود افضل، میثم الریبعی
۱۵۲. مناهج البحث فی القرآن الکریم / محمد علی لسانی فشارکی، حسین مرادی زنجانی
۱۵۳. بحوث فقهیة معاصرة فی الاقتصاد والعلاقات الدولیة / مرتضی الترابی
۱۵۴. دروس تمهیدیة فی العقیدة الاسلامیة / علی شیروانی
۱۵۵. الضروریات الدینیة والمذهبیة والفقهیة علی ضوء مدرسة اهل البیت (ع) / علی الوائلی
۱۵۶. فلسفة الاخلاق / حسن معلی
۱۵۷. مدخل عام للدراسة فقه القرآن المقارن / خالد غفوری الحسنی
۱۵۸. بهجة الایام فی الرد علی مغالطات الادی فی الاحکام / السید فالح عبد الرضا الموسوی
۱۵۹. تفسیر مقدماتی قرآن کریم (التفسیر التمهیدی للقرآن الکریم) / محمد علی رضایی اصفهانی
۱۶۰. مقام المرأة / شهید مرتضی مطهری
۱۶۱. النبی الاکرم (ع) فی مواجهة الاحراف الجاهلی / سید فالح عبد الرضا موسوی
۱۶۲. فقه العقود المالیة / یعقوب علی البرجی
۱۶۳. حجة السنة الشریفة دراسة اصولیة / حیدر حرب الله
۱۶۴. مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی (ع) / افکار و رؤی قرآنیة للامام خمینی (ع) / مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)
۱۶۵. تاریخ الاسلام فی القسین بین الماضي والحاضر / محمود شمس الدین
۱۶۶. دروس موجزة فی علمی الرجال والدیانة / جعفر سبحانی تبریزی
۱۶۷. دروس فی تفصیل الحدیث ونهج البلاغة / مهدی المهریزی
۱۶۸. التبلیغ مناهجه واسالیبه / جعفر البحاری
۱۶۹. الکلام والعقائد (التوحید والعدل) / رضا برنجکار
۱۷۰. دروس فی علم الدیانة / سید رضا موبد
۱۷۱. حقائق خلافة النبی / محمد علی حیدرة
۱۷۲. الانسجام السیاسی فی المجتمعات المتعددة الثقافات (انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی) / امان الله شفاپی
۱۷۳. المدخل الی التربية و التعلیم فی الاسلام (اهداف تربیت از دیدگاه اسلام) / سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)

۲۸۲. تفسیر سوره حج / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای جی سو
 ۲۸۳. رساله حقوق امام سجاد علیه / سلیمان بای جی سو
 ۲۸۴. المختار من الأحادیث النبویه / عبدالله ابن محمد قاضی الصعیدی / سلیمان بای جی سو
 ۲۸۵. الکلمات القصار: مواظ و حکم مساحه الامام خمینی / / نمایندگی چین
 ۲۸۶. تفسیر سوره جمعه / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای جی سو
 ۲۸۷. تعلیم الصلاة مع الترجمة الفصحیه / کمال سید / حلیمه
 ۲۸۸. تفسیر سوره لقمان / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای جی سو
 ۲۸۹. دعای کمیل / / عیسی های شی و
 ۲۹۰. همه باید بداند / ابراهیم امینی / نمایندگی چین
 ۲۹۱. سیره پیامبر یا نگاهی به قرآن کریم / محسن قرآنی / سلیمان بای جی سو
 ۲۹۲. بانوی نمونه اسلام حضرت فاطمه (س) / ابراهیم امینی / امینه
 ۲۹۳. منشور عقاید امامیه / جعفر سبحانی / سلیمان بای جی سو
 ۲۹۴. مجموعه مقالات و پژوهش حضرت فاطمه (س) / جمعی از مولفان / سلیمان بای جی سو
 ۲۹۵. اصل الشیعه و اصولها / محمد حسین آل کاشف / سلیمان بای جی سو
 ۲۹۶. الآداب الاسلامیه / مرکز انتشارات / چپو شی

مرفعی ازبکی

۲۹۷. پناه درس اصول عقائد در قرآن کریم / ناصر مکارم شیرازی / انجمن اندیشه نور
 ۲۹۸. والاثرین بندگان، شرح و تفسیر آیات / ناصر مکارم شیرازی / رضا شکارف
 ۲۹۹. خداشناسی / محمد رضا کاشفی / رضا شکارف

الدولزی

۳۰۰. مجموعه مقالات فلسفه قیام امام حسین علیه / جمعی از مولفان
 ۳۰۱. معاد شناسی مصلدا / خالد الولید
 ۳۰۲. پژوهشی در نسبت دین و عرفان / سید یحیی یثیری / محمد شمس عارف
 ۳۰۳. شیعه در اسلام / سید محمد حسین طباطبائی / احسن محمد
 ۳۰۴. زیارتین سخن / حبیب الله احمدی / امام غزالی
 ۳۰۵. قرآن و سگولایسم / محمد حسن قدران / فرملکی / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۶. نگاهی قرآنی به فشار روانی / اسحاق حسینی کوهساری / محمد حبیبی امرالله
 ۳۰۷. معجزه شناسی / محمد باقر سعیدی روشن / عمار فوزی هریادی
 ۳۰۸. زن در آینه جمال و جلال / عبدالله جوادی آملی / مهرداد احمد و حسن صالح و صابرمونانو
 ۳۰۹. اسلام و مقتضیات زمان / مرتضی مطهری / احمد سوبانلی
 ۳۱۰. قرآن و بلورالیزم دینی / محمد حسن قدران / فرملکی / عبد الرحمن عرفان
 ۳۱۱. انسان کامل / مرتضی مطهری / عبدالله حمید بابا
 ۳۱۲. مدیریت سیاسی از دیدگاه جعفر صادق علیه / حسین خرمشیری / محمد شمس عارف
 ۳۱۳. آشنایی با قرآن / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۱۴. معاد در قرآن / عبدالله جوادی آملی / محمد عبدالعزیز الکاف / مقداد ترکان
 ۳۱۵. مسأله شناخت در اسلام / شهید مرتضی مطهری / محمد بحرالدین
 ۳۱۶. عقل و وحی / حسن یوسفیان / احمد حسن شریفی / عمار فوزی هریادی
 ۳۱۷. رهبری نسل جوان / شهید مرتضی مطهری / عارف مولیادی / سالم بهیمچی
 ۳۱۸. تجلی الهی / ملا صدرا / ایروان کورتیازیان
 ۳۱۹. تفکرات فلسفی آیت الله مصباح یزدی / محسن لیب /
 ۳۲۰. معرفت و اشراق در اندیشه شهروزی / حسین ضیایی / محمد افیف / المعین مونیر
 ۳۲۱. رساله لقاء الله / جواد ملکی تبریزی / محمد الکاف
 ۳۲۲. هرمنوتیک شرق و غرب / عبد الهادی و بیجی مناری /
 ۳۲۳. کلام جدید / حسن یوسفیان / علی پسرولانی
 ۳۲۴. عصمة الانبیاء / محمد بن عمر فخر رازی / یوسف آناس
 ۳۲۵. آموزش فلسفه / محمد تقی مصباح یزدی / موسی کاظم / صالح باقر
 ۳۲۶. سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی / نجف لک زابی / مختار لطفی
 ۳۲۷. جامعه مدنی / حمید مولانا / یوسف باقری / امام غزالی
 ۳۲۸. نظریه سیاسی اسلام در حکومت / امام خمینی / محمد جواد باقری
 ۳۲۹. مسأله شناخت / شهید مرتضی مطهری / محمد جواد باقری
 ۳۳۰. ارتداد و آزادی / سید حسین هاشمی / ناصر دیمیاپی
 ۳۳۱. تأثیر مبانی فلسفی در متون دینی از دیدگاه امام خمینی / محمد رضا ارشادی
 نیا / ایوان ستیاوان

شدلی

۳۳۲. گریه غزاله حکم و درزالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / سید قمر غازی
 ۳۳۳. اربعین امام خمینی (چهل حدیث) / امام خمینی / سید علی حسینی مؤذن
 ۳۳۴. آشنایی با صحیفه سجاده / امام زین العابدین علیه / سید علی حسینی مؤذن

میانشاری

۳۳۵. منتخب نهج الدعا / محمد محمدی ری شهری / سید علی اختر جعفری (تین تون)
 ۳۳۶. سیری در نهج البلاغه / شهید مرتضی مطهری / مرتضی علی مطهری
 ۳۳۷. پرتو پژوهش ج / مجتمع آموزش عالی فقه / سرفراز مهدی چاندیو

۳۳۴. الکافی اصول ج ۴ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدی دامغانی
 ۳۳۵. الکافی اصول ج ۵ / محمد بن یعقوب کلینی / فریده مهدی دامغانی
 ۳۳۶. سوسوپولیتیک و هابیت در آفریقای مرکزی / علی ماکا

ایبانیایی

۳۳۷. هدف از زندگی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۳۳۸. دین و دنیا / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۳۳۹. المرسل والرسول و الرسالة / سید محمد باقر صدر / محمد مصطفی
 ۳۴۰. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس / امام خمینی / / رئیس شکو
 ۳۴۱. درس هابیی از قرآن ۲ / محسن قرآنی / اکیم عبد الله
 ۳۴۲. درس هابیی از قرآن ۳ / محسن قرآنی / اکیم عبد الله
 ۳۴۳. اعجاز علمی در قرآن ۱ / عبد الدائم الکحیل / بلداد شهر
 ۳۴۴. پیرامون انقلاب اسلامی / شهید مرتضی مطهری / ادلیرا عثمانی
 ۳۴۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / / ادلیرا عثمانی
 ۳۴۶. بلیل بدبخت در زندگی علمی / حافظ هادیت مانه /
 ۳۴۷. منتخب کلمات قصار از سید علی خامنه ای / / ولنت مریا
 ۳۴۸. پیروزی رحمت (فلسفه و وحی در آثار ملاصدرا) / محمد رستم / ادین لوجیا
 ۳۴۹. ابن است اسلام / محمد حسن قدیری ابیانه / ادلیرا عثمانی
 ۳۵۰. اشعار از بابا ملکی / بابا ملکی /
 ۳۵۱. اخلاق و رشد معنوی / سید مجتبی موسوی لاری / منصور چادری
 ۳۵۲. درس هابیی از قرآن ۴ / محسن قرآنی / اکیم عبد الله
 ۳۵۳. پیش به سوی جامعه آرمانی / مرکز نور / منصور چادری

رندو

۳۵۴. مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه (نظریه ولایت فقیه کی بنیادی اصول) / مصطفی جعفری / محمد رضا جعفری
 ۳۵۵. اندیشه سیاسی شهید مطهری / مجموعه مؤلفان / عون علی کریمی
 ۳۵۶. اتحاد الفریقین / محمد بشیر
 ۳۵۷. احکام ابوان (احکام خویش) / محمد وحیدی / سید شمع محمد رضوی
 ۳۵۸. تاریخ سیاسی اسلام (سیرت رسول خدا) / رسول جعفریان / طارق حبیب / سید کبیل اصغری
 ۳۵۹. گریه غزاله حکم و درزالکلم / عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی / محمد فائز باقری
 ۳۶۰. تعلیم و تربیت از نظر اسلام / تعلیم و تربیت اسلام کی نظرمین / مرکز تربیت معلم / اخلاق حسین پکهناوری
 ۳۶۱. مجموعه دفاع از پیامبر اعظم / پیغمبر اکرم / سسی متعلق دفاعی مباحث کاسلسله / علی اصغر رضوانی / اقبال حیدر حیدری
 ۳۶۲. صلاة الجمعة دراسة فقهية و تاريخية (نماز جمعه کافقهی اور تاریخی پس منظر) / عبدالدین رضواناد / محسن رضا جعفری
 ۳۶۳. یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز (نماز کی بازی مین ۱۰۰ سؤالات و جوابات) / محسنی کلباسی / اخلاق حسین پکهناوری
 ۳۶۴. عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام / محمد حکیمی / اخلاق حسین پکهناوری
 ۳۶۵. راز آفرینش اهل بیت / خلقت اهل بیت علیهم السلام کاراز / سید محمد علی موسوی / اقبال حیدر حیدری
 ۳۶۶. سیره اهل بیت / در جذب مخالفان (اهل بیت) / کی سیرت مین جذب مخالفین / سید محسن مهدی زبیدی /
 ۳۶۷. آشنایی با معارف قرآن / قصه های قرآنی / تفسیر موضوعی ۱ / قرآنی معارف سی
 ۳۶۸. پرسش ها و پاسخ های برگزیده و ویژه محرم (سؤال و جواب قیام امام حسین علیه) / مجموعه مؤلفان / سید نجم الحسن نفوی
 ۳۶۹. المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبائی اور المیزان کی تفسیری روش) / علی اوسی / رجب علی حیدری
 ۳۷۰. هابیت / مبانی فکری و کارنامه علمی / جعفر سبحانی تبریزی / محمد سبطین
 ۳۷۱. مصونیت قرآن از تحریف (تحریف قرآن کی طلال کا تحلیلی جائز) / محمد هادی معرفت / عارف حسین مبارک
 ۳۷۲. نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت / محمد یعقوب بشوی / محمد یعقوب بشوی
 ۳۷۳. تاریخ شیعیان / غلام محمد گلزار
 ۳۷۴. قانون مناکحات (کتاب النکاح) / سید افتخار حسین نفوی نجفی /

تاجیکی

۳۷۵. نهج الفصاحة / غلامحسین مجیدی / عبد الهاشم میرزا رف / شمس الدین عصام الدین / امام علی اف

چینی

۳۷۶. هدایة العلم فی تنظیم غزاله حکم / سید حسین شیخ الاسلامی / جانگی جی هوا
 ۳۷۷. القرآن الکرم و معانیه باللغة الفصحیه مع شرح مختصر / سلیمان بای جی سو
 ۳۷۸. شناخت اسلام / محمد حسینی بهشتی / جواد باهنر / علی حیابنگ جینگ
 ۳۷۹. مجموعه مقالات و پژوهش پیامبر اعظم / جمعی از مولفان / سلیمان بای جی سو
 ۳۸۰. تفسیر سوره حجرات / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای جی سو
 ۳۸۱. تفسیر سوره قدر / ناصر مکارم شیرازی / سلیمان بای جی سو

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ

۳۹۱. تحلیل ادبی نهج البلاغه / صحیفه سجاده / محمد عشاری منفرد
۳۹۲. جایگاه عرف در استنباط / تقوی‌الکتابی
۳۹۳. جغرافیای معرفتی جهان اسلام (مجموعه مقالات شانزدهمین جشنواره بین‌المللی شیخ طوسی) / مجموعه مؤلفان
۳۹۴. چکیده مقالات همایش ملی اخلاق و اقتصاد اسلامی / انجمن اقتصاد اسلامی حوزه علمیه
۳۹۵. چلچراغ نماز جمعه (چهل حدیث نماز جمعه) / محمد عارف حیدر قریشی
۳۹۶. چهار مقاله و مرزبان نامه / محمد رضا یوسفی، رفیع ابراهیمی شهرآباد
۳۹۷. حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه / محمد مهدی باباپور گل افشانی
۳۹۸. حدیث و علوم جدید (منطق فهم احادیث علمی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۳۹۹. درآمدی به شیعه شناسی / علی ربانی گلپایگانی / ج ۴
۴۰۰. درس نامه تاریخ تشیع / سید لطف الله جلایی
۴۰۱. درس نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام / عبدالحکیم سلیمی
۴۰۲. درسنامه تاریخ تحلیلی اهل بیت / محمد حیدری نیک
۴۰۳. درسنامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن کریم / رحمت عابدی / ج ۳
۴۰۴. درسنامه مبانی وقواعد تفسیر (خلاصه منطق تفسیر قرآن) / محمد علی رضایی اصفهانی
۴۰۵. درسنامه مفردات قرآن مجید / غلامعلی همایی / ج ۳
۴۰۶. درسنامه مناسک حج / محمد حسین فلاح زاده
۴۰۷. راهکارهای یون رفت از معاملات ربوی / غلام مرتضی انصاری
۴۰۸. رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر / عبدالوهاب فراتی / ج ۲
۴۰۹. ساز و کار بانکداری اسلامی / محمد جواد توکلی
۴۱۰. شاخص اسراف و معیارهای آن / سید محمد کاظم رجایی، مهدی خطیبی
۴۱۱. شرح و بررسی صفات فعلی حق در زیارت عاشورا / سید رهرا احمدی
۴۱۲. شرح و ترجمه کتاب حلقه نالته حضرت آیت ا... شهید سید محمد باقر صدر، ج ۱/ احمد مرادخانی
۴۱۳. ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت / بسم الله حسینی
۴۱۴. علوم قرآن ۲ (اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۴۱۵. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی / ج ۶
۴۱۶. فقه القرآن آیات الاحکام تطبیقی / محمد فاکر مبدی / ج ۳
۴۱۷. فلسفه اخلاق / محمد فتحعلی خانی / ج ۲
۴۱۸. فلسفه تاریخ / جواد سلیمانی
۴۱۹. مآذرات چهارده معصوم / حیدر مظفری ورس / ج ۲
۴۲۰. مبانی فحرام شناسی تاریخ در قرآن / قنبر علی صمدی
۴۲۱. مسایل حقوقی در سازمان / محسن منطقی
۴۲۲. مستشرقان و پیامبر اعظم / حسین عبدالمحمّدی
۴۲۳. مسئله وحی و پاسخ به شبهات آن / حسین علوی مهر
۴۲۴. منشور جمهوری اسلامی ایران / مجموعه مؤلفان
۴۲۵. منطق تفسیر قرآن ۱ (مبانی و قواعد تفسیر قرآن) / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۳
۴۲۶. منطق تفسیر قرآن ۲ (روش ها و گرایش های تفسیری قرآن) / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۶
۴۲۷. منطق تفسیر قرآن ۳ (روش تحقیق در تفسیر و علوم قرآن) / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۲
۴۲۸. منطق تفسیر قرآن ۴ (مباحث جدید دانش تفسیر) / محمد علی رضایی اصفهانی
۴۲۹. منطق تفسیر قرآن ۵ (قرآن و علوم طبیعی و انسانی) / محمد علی رضایی اصفهانی
۴۳۰. نگارش پیشرفته از پاراگراف از مقاله / حمید بصیریان
۴۳۱. نوع دوستی از دیدگاه اسلام / عین الله نوروزی
۴۳۲. نهضت قرآنی وظیفه همگانی / علیرضا اعرافی
۴۳۳. وازه شناسی قرآن مجید / شهید غلامعلی همایی / ج ۳

عربی

۴۳۴. الآداب الإسلامية، ج ۱ / محمد عندلیب / کمال السید / ج ۴
۴۳۵. الآداب الإسلامية، ج ۲ / محمد عندلیب / کمال السید / ج ۴
۴۳۶. ادوار الاجتهاد عند الشیعة الإمامیة / عدنان فرحان تنها / ج ۲
۴۳۷. الأحوال الشخصية (النکاح) / السید محمد النجفی البرزی / ج ۲
۴۳۸. الاشراف السيرة العملية للنبي واهل البيت / محمد جمعه شیخ زاده / کمال الحریابی
۴۳۹. الامامة عند الحلی والقوشجی فی النقص والاختیار / عبید جمیل شرارة
۴۴۰. البرامج التدريسی للحلقة الثانية، ج ۱ / محمود العیدانی
۴۴۱. البرامج التدريسی للحلقة الثانية، ج ۲ / محمود العیدانی
۴۴۲. السنن الالهية الاجتماعية فی القرآن / احمد مراد خانی الطهرانی / السید عبد الأمير الوردی، السید عبد الکرم الحیدری
۴۴۳. المدخل الی تاریخ التفسیر والمفسرین (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران) / حسین علوی مهر / جعفر الخزاعی
۴۴۴. المطالعة والنصوص العربية «لغیر الناطقین بها» / السید عبد الهادی الشریفی
۴۴۵. الهجرة والمهاجرون فی القرآن الکرم / مریم عین حسن الهاشمی
۴۴۶. الهدایة فی النحو / تصحیح و تعلیق: حسین شیر افکن / ج ۲
۴۴۷. الوجیز فی تاریخ الاسلام (الجزء الاول) / سید مندر حکیم / محمد السیف

۳۹۸. پرتویزهوش ج ۲ / مجتمع آموزش عالی فقه / سرسراز مهدی چاندیو
۳۹۹. اخلاق معاشرت (اسلامی زندگی جا اخلاقی اصول) / جواد محمدنی / نائب علی کمیلی
- توکلی استانیولی**
۴۲۰. روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی / محمد رضا قائمی مقدم / رضوان مراد آلتون
۴۲۱. سبک رهبری امام خمینی / عباس شفیعی / الپتکین دورسون اغلو
۴۲۲. بررسی مسایل تربیتی جوانان در روایات / محمد علی حاجی ده آبادی، سید علی حسینی زاده / حسن بدل
۴۲۳. تحلیل زیان قرآن و روش شناسی فهم آن / محمد باقر سعیدی / روشن / کنعان جامورجو
۴۲۴. روش شناسی تفسیر قرآن / علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا، محتسبی روحانی زاد، محمود رجبی / میکائیل گورل
۴۲۵. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزندان) / سید علی حسینی زاده / نورجان آلتون
۴۲۶. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزندان) / محمد داودی / نورجان آلتون
۴۲۷. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت / (تربیت فرزندان) / محمد داودی / نورجان آلتون
۴۲۸. آشنایی با علوم حدیث / علی نصیری / محمد مهدی توران
۴۲۹. الاخلاق / سید عبد... شیخ / اوژن توران
۴۳۰. مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی / کنعان جامورجو
۴۳۱. مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی / کنعان جامورجو
۴۳۲. بهداشت روانی با تکیه بر منابع اسلامی / محمد رضا سالاری فر، سید مهدی موسوی اصل، محمد صادق شجاع، محمد دولتشاه / کنعان جامورجو
۴۳۳. علوم قرآنی / محمد هادی معرفت / یوسف تازه گون
۴۳۴. مدیریت علوی / ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی، علی آقاییوز / نورجان آلتون
۴۳۵. آشنایی با ادیان بزرگ / حسین توفیقی / محمد کارادومان
۴۳۶. دقایق با قرآن / محسن قرآنی / هادی کوشاچا
۴۳۷. تفسیر سوره انسان و حجرات / جعفر سبحانی تبریزی، ناصر مکارم شیرازی / رسول نور، یونس گورل
۴۳۸. فرق و مذاهب کلامی / علی ربانی گلپایگانی / یونس گورل
۴۳۹. مبانی بزرگی های عرفان نظری امام خمینی / محمد رضا غفوریان / اسماعیل اوجی
۴۴۰. اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی / حسین بوستان / جعفر دربندی
۴۴۱. ریا، جمعی از نویسندگان / یعقوب کماک

روسی

۴۳۲. مؤلف مسیح / محمد جواد شعبانی مفرد / ساحاروکوف الکسی نیکولایوچ
۴۳۳. تاریخ آموزش در اسلام / آناتولی الیف
۴۳۴. فقه تربیتی / علیرضا اعرافی / سامارا گورال
۴۳۵. آموزش خواندن قرآن کریم / ناظم زینال اف
۴۳۶. اقتصاد ما / محمد باقر صدر / تاراس چرنینکو

چاپ ۱۳۹۲

فارسی

۴۳۷. اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان / حمید الله رضایی
۴۳۸. انسان شناسی فرهنگی با رویکرد تبلیغ بین المللی / محمد رضا آقایی
۴۳۹. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت / علی نصیری / ج ۳
۴۴۰. آشنایی با صحیفه سجاده / محمد علی مجد فقهی / ج ۳
۴۴۱. آشنایی با علم رجال / سید محمد نجفی برزی
۴۴۲. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۱ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۳. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۲ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۴. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۳ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۵. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۴ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۶. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۵ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۷. آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن ج ۶ / علی بمان ملک احمدی
۴۴۸. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۶) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مومنی / ج ۴
۴۴۹. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مومنی / ج ۴
۴۵۰. آموزش فارسی به فارسی (مقدمه) / اصغر فردی، احمد زهرایی، محمد ناطق / ج ۲
۴۵۱. آموزش فارسی به فارسی کتاب چهارم / اصغر فردی، احمد زهرایی / ج ۳
۴۵۲. آموزه های بنیادین علم اخلاق ج ۱ / محمد فتحعلی خانی / ج ۳
۴۵۳. برداشت های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی / محمد طاهر اقبالی
۴۵۴. بررسی تاریخ نگری محمد عابد الجابری / سید محمد علی نوری
۴۵۵. بررسی تطبیقی عالم خیال از دیدگاه ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا / محمد خان کاظمی
۴۵۶. پرتویزهوش ج ۳ / مجتمع آموزش عالی فقه
۴۵۷. تاریخ تشکیلات در اسلام / محمد رضا شهیدی پاک
۴۵۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی / محمد رضا کاشفی / ج ۴
۴۵۹. تأثیر نفس پیامبر اکرم / در عالم وجود (با رویکرد به مسئله توسل) / معصومه کلی کلی
۴۶۰. تجسم اعمال از دیدگاه علامه طباطبائی و رشید رضا در میزان و المنار / صدیقه فقهی

تألیفات

۴۹۹. آشنایی با صحیفه سجاده/ علی ابن الحسین/ الیاس قاسم اف
۵۰۰. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
۵۰۱. جایگاه اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه امام ابوحنیفه/ محمد شفق خوانی/ حکیم جان کمال اف
۵۰۲. حکمت نامه پیامبر اعظم/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
۵۰۳. حکمت نامه پیامبر اعظم ۲/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
۵۰۴. حکمت نامه لقمان/ محمد محمدی ری شهری/ حکیم جان کمال اف
۵۰۵. سنن النبی صلی الله علیه و آله/ محمد حسین طباطبائی/ حکیم جان کمال اف
۵۰۶. نبرد حق و باطل/ شهید مرتضی مطهری/ حبیب الله منان
۵۰۷. نظری به نظام اقتصادی در اسلام/ شهید مرتضی مطهری/ سید بهران اکبر
۵۰۸. نهج البلاغه/ سید رضی/ الیاس قاسم اف

فولانتی

۵۰۹. اخلاق اهل بیت علیهم السلام/ سید محمد مهدی صدر/ محمد باری
۵۱۰. پرتو پرهش ج/ مجتمع آموزش عالی فقه/ محمد باری
۵۱۱. تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله)/ مهدی پیشوایی/ محمد باری
۵۱۲. نشانه هابی از دولت موعود/ نجم الدین طوسی/ محمد باری

بنگالی

۵۱۳. پرتو پرهش ج/ مجتمع آموزش عالی فقه/ محمد منیر حسین خان
۵۱۴. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام/ نجم الدین طوسی/ محمد عبد القیوم
۵۱۵. چهل حدیث سیرت نبوی/ جواد محادی/ سیده شهریانو زیدی
۵۱۶. همسر داری/ ابراهیم امینی/ محمد عبد القیوم
۵۱۷. ولایت فقیه (استخار حکومت اسلامی)/ امام خمینی رحمه الله/ محمد عبد القدوس

اندونی

۵۱۸. آیات ولایت در قرآن/ ناصر مکارم شیرازی/ مردان زال اف

اندونزی

۵۱۹. پرتو پرهش ج/ مجتمع آموزش عالی فقه/ اکمل کامل

پشتو

۵۲۰. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام/ نجم الدین طوسی/ سرفراز علی مهدی

ترکی استانبولی

۵۲۱. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام/ نجم الدین طوسی/ رسول نور، سرکان اتلو، محمد کارادوغان
۵۲۲. شمیم ولایت/ عبدالله جواد آملی/ قدری چلیک
۵۲۳. مثال های آموزنده قرآن/ جعفر سبحانی تبریزی/ رضا شکراف

روسی

۵۲۴. فقه و عقل/ ابوالقاسم علی دوست/ یوسف آقایی

چاپ ۱۳۹۱

فارسی

۱. اسلام و اصلاح فرهنگی/ مؤلف: زکی میلات/ آیت اله خراسانی
۲. آثار تربیتی جلوه های و اخلاقی قیام عاشورا/ محمد عارف صداقت
۳. آشنایی با اصول و روش های ترجمه قرآن (خلاصه کتاب منطق ترجمه قرآن)/ محمد علی رضایی اصفهانی
۴. آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی/ علی نصیری/ ج ۲
۵. آموزش احکام همراه با استفتائات مقام معظم رهبری مذهبه العالی/ محمد حسین فلاح زاده/ ج ۷
۶. آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان/ فاطمه اکبری
۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۱/ احمد زهرایی و اصغر فردی
۸. آموزش فارسی به فارسی کتاب ج ۲/ احمد زهرایی و اصغر فردی
۹. آموزش فارسی به فارسی کتاب کار ج ۵/ مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی/ ج ۳
۱۰. بیراهه ها (ریاضات هابی از دعای هشتم صحیفه سجاده)/ حجت منگنه چی
۱۱. پرتو پرهش شماره ۹۱ الی ۹۶
۱۲. التزام ناگزیر تحلیلی بر راهبردهای ابالات متحده امریکا در مواجهه با بیداری اسلامی
/ مؤلف امیل نخلت/ علی محمد ساقی
۱۳. حقوق اهل بیت علیهم السلام در تفسیر اهل سنت/ محمد یعقوب بشوی/ ج ۲
۱۴. درآمدی بر علم کلام اسلامی/ عزالدین رضازاد
۱۵. درآمدی بر لبرالیزم برسی و نقد مبانی/ علی الهی تبار
۱۶. درآمدی بر مناسبات روحانیت و دولت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی رحمه الله/ علی مصرمی
۱۷. درآمدی به تاریخ علم اصول/ مهدی علی پور/ ج ۳
۱۸. دردری (مجموعه سروده های شاعران پارسی گوی خراسان بزرگ درباره خاندان عاشورا)/ سید حسن احمدی نژاد بلخی بلخانی
۱۹. درسنامه تفسیر تیریتی ج/ محمد حسین محمدی

۴۹۸. الوجیزی تاریخ الاسلام (الجزء الثالث)/ سید منذر حکیم/ تلخیص: محمود السیف
۴۹۹. الوجیزی تاریخ الاسلام (الجزء الثاني)/ سید منذر حکیم/ تلخیص: محمود السیف
۵۰۱. الوجیزی تاریخ الاسلام (الجزء الرابع)/ سید منذر حکیم/ تلخیص: محمود السیف
۵۰۱. الوقف فی الشريعة الاسلامیة، دراسة فقهیة مقارنة علی المذاهب الخمسة/ السید عادل الموسوی الخرسان

۵۰۲. بداية الأصول/ سید رضا پیمبرپور
۵۰۳. تاریخ الثقافة والحضارة الاسلامیة/ محمد رضا کاشفی/ انور الرصافی
۵۰۴. تنظیم الأسرة وتنظیمها/ محمد حسین خلیق
۵۰۵. تغییر قیمة العملات الورقیة دراسة مقارنة بین الفقه الامامی والمذاهب الأربعة/ ریاض عبد الصمد الداعی
۵۰۶. جوهرة الخلق (فی معرفة العقیدة الحققة)/ محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان، محمد امین بالادستیان/ رعد کاطع عبد
۵۰۷. دراسات تمهیدیة فی الفقه الامامیة/ السید محمد النجفی البزیدی
۵۰۸. دروس تمهیدیة فی اصول الفقهاء/ صادق الساعدی/ ج ۶
۵۰۹. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۱: العبادات/ الشیخ باقر الایروانی/ ج ۱۰
۴۶۰. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۲: عقود ۱/ الشیخ باقر الایروانی/ ج ۸
۴۶۱. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۳: عقود ۲ والأقاعات/ الشیخ باقر الایروانی/ ج ۸
۴۶۲. دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی ج ۴: الاحکام/ الشیخ باقر الایروانی/ ج ۸
۴۶۳. دروس فی البلاغة/ معین محمد دقید العاملی/ ج ۷
۴۶۴. دروس فی الشيعة والتشیع/ علی ربانی کلیپاگانی/ انور الرصافی/ ج ۳
۴۶۵. دروس فی علوم القرآن/ نذیر الحسنی
۴۶۶. ضوابط الرضا، الجزء الأول/ السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۴۶۷. ضوابط الرضا، الجزء الثاني/ السید محمد باقر الداماد، تصحیح: سید مجتبی میرداماد
۴۶۸. کتاب التطبيق ۱/ شاکر محمود افضل، میثم الربیعی/ ج ۲
۴۶۹. کتاب التطبيق ۲/ شاکر محمود افضل، میثم الربیعی
۴۷۰. کتاب التطبيق ۳/ شاکر محمود افضل، میثم الربیعی
۴۷۱. کتاب اللغة العربیة ۲/ شاکر محمود افضل، میثم الربیعی
۴۷۲. کتاب اللغة العربیة ۳/ شاکر محمود افضل، میثم الربیعی
۴۷۳. من جهاد الی جهاد/ سید حسن فیروزآبادی/ عبد الکرم الجنابی
۴۷۴. منطق تفسیر القرآن ۱ (اصول و قواعد التفسیر)/ محمد علی الرضایی الاصفهانی/ احمد الزرقی و هاشم ابو حنین
۴۷۵. نافذة علی اهم الفرق والمذاهب الاسلامیة/ شکیب بن بادرة الطلیبی
۴۷۶. نیراس الاذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الأول/ السید میرتی الحسینی الکرکائی
۴۷۷. نیراس الاذهان فی اصول الفقه المقارن، الجزء الثاني/ السید میرتی الحسینی الکرکائی

انگلیسی

۴۷۸. پاسداری از مرقد پیامبران و امامان/ جعفر سبحانی تبریزی/ فریده مهدوی دامغانی

فرانسوی

۴۷۹. اصول کافی ج ۱/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
۴۸۰. اصول کافی ج ۲/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
۴۸۱. اصول کافی ج ۳/ محمد بن یعقوب کلینی/ فریده مهدوی دامغانی
۴۸۲. التبلیغ منهجه و اسالیبه/ جعفر الجبازی/ تعب امیاله لیانگی
۴۸۳. به سوی قرآن (روانخوانی و انس با قرآن)/ ابوالفضل خوش منش
۴۸۴. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی/ محمد رضا کاشفی/ هارون مکتوبه
۴۸۵. فرق و مذاهب کلامی/ علی ربانی کلیپاگانی/ ابراهیم مونتوینو
۴۸۶. نافذة علی الفلسفة/ صادق ساعدی/ ابراهیم مونتوینو

ایتالیایی

۴۸۷. صحیفه مبارکه سجاده (آشنایی با صحیفه سجاده)/ امام زین العابدین علیه السلام/ فریده مهدوی دامغانی/ ج ۲

اردو

۴۸۸. احکام ازدواج دائم و موقت مطابق با فتاوی مراجع عظام/ سید حجت موسوی خونی/ فیروز علی بنارس
۴۸۹. احکام حجاب و عفت/ حمید جلفایی/ سید هادی حسن رضوی
۴۹۰. آزادی و دین سالاری/ جعفر سبحانی تبریزی/ سید مراد رضا رضوی
۴۹۱. پله پله تا آسمان علم (آسمان علم تک قدم به قدم به قدم)/ محمد عابدی/ سیده وجیه اکبر زیدی
۴۹۲. تاریخ و سیرت معصومین ج ۲/ سید منذر حکیم/ سید کمیل اصغر زیدی
۴۹۳. خطبه حضرت زینب در کاخ بیزید/ سید توفیر عباس کاظمی
۴۹۴. درسنامه تاریخ عصر غیبت/ مسعود پورسید آقایی، محمد رضا جباری، حسن عاشوری، سید منذر حکیم/ اخلاق حسین پکهناروی
۴۹۵. شیعه شناسی/ علی ربانی کلیپاگانی/ سید منظر صادق زیدی
۴۹۶. صحیفه شهادت فرمودات امام حسین علیه السلام/ محمد صادق نجمی/ سید حسن مهدی حسینی، سید حسن اختر رضوی اعظمی
۴۹۷. قانون عقل و وحی/ حسن مهدی زاده/ اخلاق حسین پکهناروی
۴۹۸. کلیات فقه اسلامی/ حسن قاسمیان/ سید مبین حیدر رضوی

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۱۱. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۲. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۳. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم دبیرستان) / علی بمان ملک احمدی
۱۴. آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه / مهدی مهری
۱۵. آشنایی با متون روایی معارف / عبدالمجید زاهدت
۱۶. آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری) / محمدحسین فلاح‌زاده
۱۷. آموزش فارسی به فارسی کتاب کار چهارم / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۱۸. بررسی احوال فرزندان امام موسی کاظم علیه‌السلام و نقش آنها در تاریخ تشیع / سید باسین زاهدی
۱۹. پژوهش‌ها، ج ۲ / معاونت پژوهش مجتمع عالی فقه
۲۰. پژوهشی تطبیقی در روایات تفسیری فریقین / مهدی رستم نژاد
۲۱. پژوهشی در علم رجال / اکبر ترابی
۲۲. بلورالسم دینی و قرآن / موسی ابراهیمی
۲۳. پیوندهای نماز / محسن قرآنی
۲۴. تاریخ فلسفه اسلامی (ویراست جدید) / جمعی از مؤلفان
۲۵. تاریخ فلسفه غرب ۱ / مهدی بنایی
۲۶. تاریخ قرآن / محمدحسین محمدی
۲۷. تجزیه جهان اسلام چرایی و پیامدها / علی اصغر رجاء
۲۸. نمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان / عبدالقیوم آینی
۲۹. جایگاه مردم در نظام سیاسی دینی از منظر آیت الله نائینی و شهید صدر / میرزا حسین فاضلی
۳۰. چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، ج ۱ / معاونت آموزش
۳۱. حقوق بین‌الملل اسلامی / عبدالحکیم سلیمی
۳۲. حقوق بین‌الملل خصوصی / محمد مهدی کریمی نیا
۳۳. دایرةالمعارف فرهنگ ملی، ج ۱ / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
۳۴. درسنامه اخلاق / جواد محنتی
۳۵. درسنامه روش‌های تفسیر قرآن / دکتر محمد علی رضایی اصفهانی
۳۶. درسنامه وضع حدیث / ناصر رفیعی محمدی
۳۷. دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۳۸. دعای مکرم اخلاق (در پرتو قرآن و حدیث) / حجت منگه چی
۳۹. دفاعی با قرآن / محسن قرآنی
۴۰. دل باخته / حاج میرزا عبدالحسین قدس
۴۱. دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد تفاوت دین و مرد و ادله آنها / محمد باسین احسانی
۴۲. رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی / غلام سرور اخلاقی
۴۳. ریاضی مقدمانی / غلامرضا ضرابی صادق
۴۴. زبان در افغانستان / محمد آصف محسنی (حکمت)
۴۵. سیره اخلاقی و تربیتی معصومین علیه‌السلام / محمد احسانی
۴۶. شیوه‌ای نو در آموزش عروض و قافیه / محمد رضا نیکرود
۴۷. عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدر المتألهین شیرازی و ایمانوتیل کانت / علاءالدین ملک‌لاف
۴۸. فرهنگ اصلاحات اصول / محنتی ملکی اصفهانی
۴۹. فرهنگ واژه‌گان فارسی به انگلیسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۰. فرهنگ واژه‌گان فارسی به چینی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۱. فرهنگ واژه‌گان فارسی به روسی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۲. فرهنگ واژه‌گان فارسی به عربی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۳. فرهنگ واژه‌گان فارسی به فرانسه / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۴. فرهنگ واژه‌گان فارسی به مالایی / مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی
۵۵. قیام مهدی علیه‌السلام منتظر ماست / سیدحسن فیروزآبادی
۵۶. کتاب شناسی تعلیم و تربیت در اسلام / بهروز رفیعی
۵۷. کتاب کار دستور زبان فارسی / حمید نصیریان
۵۸. کمک درسی زبان روسی / علی مدیر چهار برچی
۵۹. الگوی فراانگ / معاونت پژوهش
۶۰. مبنای فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام / علی اکبر ناصری
۶۱. مجموعه مقالات چهارمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، ج ۱، ۲، ۳ / جمعی از مؤلفان، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
۶۲. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی علیه‌السلام، ج ۲، ۳ / مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه‌السلام
۶۳. مجموعه مقالات همایش زبان در افغانستان، ج ۵ / جمعی از مؤلفان
۶۴. مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ۲، ۳ / عبدالمجید داود ناصری
۶۵. معرفت شناسی / حسن معلمی
۶۶. معرفت شناسی باور دینی از دیدگاه شهید مطهری و آکون پلنتینگا / علاءالدین ملک‌لاف
۶۷. مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت در اسلام‌عالمیه و امامیه / قدیر محمد اف
۶۸. منشور فضل / به کوشش جمعی از مؤلفان
۶۹. نقد نظریه تجربه دینی با تأکید بر قرآن / شریعی شجاع
۷۰. ویژه‌نامه اختر تابان / جمعی از مؤلفان
۷۱. ویژه‌نامه همایش دین، فرهنگ و رسالت علمای افغانستان / نمایندگان جامعه المصطفی

۲۰. درسنامه درایة الحدیث / سید رضا مؤذب / ج ۳
۲۱. درسنامه عقاید / علی شیروانی / ج ۷
۲۲. رهیافتی به منظومه فکری حضرت امام خمینی علیه‌السلام و رهبر معظم انقلاب در حوزه فرهنگ و تربیت / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالامنه به سفارش جامعه المصطفی / ج ۲
۲۳. شکوه کلام در نهج البلاغه / حسن امیر انصاری
۲۴. علم درایة تطبیقی / سید محمد رضا مؤذب / ج ۲
۲۵. فصلنامه اطلاع رسانی
۲۶. فلسفه اشک / سید عبدالله حسینی
۲۷. قرآن و امام حسین علیه‌السلام (تحلیل استشهادهاد قرآنی و روایات تفسیری امام حسین علیه‌السلام) / حسین مطهری محب
۲۸. کوثر معارف شماره ۲۲
۲۹. مبنای کلامی فارسی اعجاز قرآن / روح الله رضوانی
۳۰. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرآن و مستشرقان / جمعی از مؤلفان
۳۱. منطق ترجمه قرآن / محمد علی رضایی اصفهانی / ج ۲
۳۲. منطق مقدمانی / ابوالفضل روحی / ج ۲
۳۳. نشریه پژوه شماره ۵۲
۳۴. ویژه‌نامه استشرق / جمعی از مؤلفان

کری

۳۵. ولایت الفقیه و الحکومة الاسلامیه فی عصر الغیبه / ودیع الحیدری
۳۶. القدس فی الشعر العربی الحدیث فی سوریه ولبنان وفلسطین / جهاد فیض الاسلام
۳۷. دراسات الاسلامیه فیعلم نفس النعمومرحله الطفولة مراحل النمو ومقومات التربية / سعید کاظم العادری
۳۸. النحو الجامع / سید حمید الحجازی / ج ۲
۳۹. القراءات والاخرق السبعة / عبدالرسول الغفاری
۴۰. القراء والمناقشة / مؤلف میثم الربیع / محمد الحیدری / شاکر افضل
۴۱. التعلیم المصنوع / مؤلف میثم الربیع / محمد الحیدری / شاکر افضل

انگلیسی

۴۲. نهج البلاغه / مؤلف: سید رضی ت: سید علی رضا
۴۳. کتاب احادیث (چهل حدیث) / مؤلف: سید علی لوسانی ت: سید علی فرید محمدی

فرانسوی

۴۴. امام اخلاقی سیاست / مؤلف: سید حسن اسلامی / ت: ابراهیم مونو

اردو

۴۵. قرآن و امام حسین علیه‌السلام / مؤلف محسن قرآنی / ت: سید نصرت علی جعفری / ج ۲

پنجابی

۴۶. آشنایی با احکام / ت: منتظر داگلاس بنگال
۴۷. شیعه پاسخ می‌گوید / ت: منتظر داگلاس بنگال

پشتو

۴۸. شفاعت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی ت: سرفراز علی محمدی
۴۹. رویکرد اخلاقی برپاوری و هایت / مؤلف: سید حسن طاهری خرم آبادی ت: محمد رحیم درانی

ویغوری

۵۰. نهج البلاغه / مؤلف سید رضی ت: عبدالرحمن (ما موهای مای)، اساماساق (ما سوفیا)

اندونزی

۵۱. شفاعت / مؤلف: حسن طاهری خرم آبادی ت: احمد مرزوقی امین
۵۲. رویکرد عقلانی برپاوری و هایت / نجم الدین طیبی ت: حسن تونو

تایلندی

۵۳. جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام / مؤلف: محمد شریف کت سیبمون

چاپ ۱۳۹۰

فارسی

۱. اسلام در هند / دکتر محمد رضا موحدی
۲. اعجاز قرآن / سیدرضا مؤذب
۳. اعجاز قرآن و مصونیت از تحریف / محمد مهدی اسکندریلو
۴. انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌ها و فرآیند شکل‌گیری / محمد مهدی باباپور
۵. آداب و اخلاق پزشکی در اسلام / ت: محمد رضا صالح
۶. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید صدر / علی رضا بی‌بیان محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۷. آشنایی با اندیشه سیاسی شهید مطهری / علی رضا بی‌بیان، محمد مهدی باباپور، منصور میراحمدی
۸. آشنایی با آموزه‌های اسلام (اول راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۹. آشنایی با آموزه‌های اسلام (دوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی
۱۰. آشنایی با آموزه‌های اسلام (سوم راهنمایی) / علی بمان ملک احمدی

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

۷۲. ویژه‌نامه همایش شیخ طوسی / پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی
۷۳. همایش حوزه‌های علمیه افغانستان / نمایندگی جامعه المصطفی در افغانستان
۷۴. یهودیت / محمد حسین طاهری آکردی

عربی

۷۵. أساليب التبليغ عند الأئمة دراسة قرآنية / السيد منتظر الموسوي (الجابري)
۷۶. أولياء عقد النكاح / حمودي حسن عباس الصفي
۷۷. آية الأظهر بين عالمية الإسلام والعولمة المعاصر / رياض عبد الرحيم الباهلي
۷۸. پرتو پوزویش، ج ۱ / ت: رعد الحجاج
۷۹. تأثير الثورة الإسلامية على البلدان العربية / ت: عبد الكريم بحرأوى طعمه
۸۰. التنشيل في التجويد والترتيل / حسن عالمي بكتاش
۸۱. تداعيات الثورة الإسلامية في العالم الإسلامي / دكتور منوچهر محمدی
۸۲. تطور حركة الاجتهاد عند الشيعة الإمامية / عدنان فرحان تنها
۸۳. التفسير التبروي للقرآن الكريم / شيخ هاشم ابوخمسين
۸۴. تهذيب البلاغة في تلخيص مختصر المعاني لسعد الدين الفتازاني / علي عرب خراساني
۸۵. الحرية الاقتصادية ضوابطها وحدودها في الفقه الاستدلالي / عبد الكريم بحرأوى
۸۶. الحقوق الزوجية / سوسن علي حسين (دادرس)
۸۷. الحكومة الإسلامية في روية الإمام خميني / ت: محسن زين العابدين
۸۸. الحكومة الإسلامية والولاية الفقيه في روية الإمام خميني / ت: محسن زين العابدين
۸۹. الذر الباهر في مقتضيات الجواهر ج ۱ / السيد جمال الدين پروز
۹۰. نهديك أدلة إثبات وجود الواجب في ضوء الحكمة المتعاليه / السيد أحمد السيد صالح الموسوي

۹۱. دراسة تطبيقية مبدأ التكافؤ في الترجمة (من الفارسية إلى العربية) / انور بنام الرصافي
۹۲. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي، تلغيفي ج ۲ و ۳ / الشيخ باقر الأيوبي
۹۳. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي، ج ۱ / الشيخ باقر الأيوبي
۹۴. دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي، ج ۲ و ۳ / الشيخ باقر الأيوبي
۹۵. دروس في الأصول الفقه المقارن / محمد النسي
۹۶. دروس في التاريخ الفقه واداره / آية الله جعفر السبحاني
۹۷. دروس في علم الداراة / ت: قاسم البيهاني
۹۸. دروس في نصوص الحديث ونهج البلاغة / ت: انور الرصافي
۹۹. شقائق الرجال / عادل المزميل المباحي
۱۰۰. علم الداراة المقارن / ت: انور الرصافي
۱۰۱. الفقه المقارن (العبادات والأحوال الشخصية) / سيد كاظم مصطفوي
۱۰۲. القواعد الفقهية ۲ (قواعد لأصول، حجية البينة و...) / السيد محمد كاظم المصطفوي
۱۰۳. قيام المهدي أمانا المنتظر / السيد حسن فيروز آبادي
۱۰۴. مباني نقد متن الحديث / قاسم البيهاني
۱۰۵. النجوم الزاهرة في إثبات خلافة الأئمة الطاهرة / السيد خليل الشوكي

انگلیسی

۱۰۶. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / ت: حامد حسین وقار
۱۰۷. آشنایی با صحیفه سجادیه / ت: حامد حسین وقار
۱۰۸. حفظ موضوعی قرآن کریم / ت: حامد حسین وقار
۱۰۹. خاطرات امیرالمومنین / ت: علی فرید محمدی
۱۱۰. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
۱۱۱. در آغوش نور ولایت / سيد علي فرید محمدی
۱۱۲. قیام مهدی / منتظر ماست / ت: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
۱۱۳. نگاهی دوباره به نظریه شفاعت / ت: سلام جودی

فرانسوی

۱۱۴. آموزش احکام / ت: البرز کابنا
۱۱۵. پیام آور رحمت / فریده مهدوی دامغانی
۱۱۶. در آستان رحمت / فریده مهدوی دامغانی
۱۱۷. سروده‌های عاشورایی / فریده مهدوی دامغانی
۱۱۸. فلسفه اخلاق / ت: ابراهیم منتونو
۱۱۹. نامه‌های امیرالمومنین / فریده مهدوی دامغانی

تاجیکی

۱۲۰. اهل بیت / در قرآن و سنت / ت: حکیم جان کمالی
۱۲۱. پختنای پیرامون اسلام / حکیم جان کمالی
۱۲۲. پرتو پوزویش، ج ۱ / ت: حکیم جان کمالی
۱۲۳. تفسیر سوره عنکبوت / ت: شهرالدین محمد امین
۱۲۴. چهل حدیث مقام زن در روایات / محمد رحیمی
۱۲۵. حکمت‌نامه جوان / حکیم جان کمالی
۱۲۶. حکمت‌نامه کود / ت: حکیم جان کمالی
۱۲۷. دنیا و آخرت / ت: حکیم جان کمالی
۱۲۸. سید جمال الدین مصلح شرق / ت: سید اکبر پرهان
۱۲۹. شرح چهل حدیث خدائشانی / بحرالدین قربان

۱۳۰. مساله حجاب / ت: سید اکرم خان زیاد الله
۱۳۱. مسئولیت والدین در قبال فرزندان / ت: محمد الله حلیم اف
۱۳۲. مقام و منزلت ازدواج / محمد رحیمی
۱۳۳. نگاهی به مسیحیت / ت: محمد الله حلیم اف

آذری

۱۳۴. اهل بیت / در قرآن و سنت / ت: رضا شکراف
۱۳۵. آداب معاشرت (از نگاه معصومین) / ت: محمد خليل اف
۱۳۶. پرتو پوزویش، ج ۱ / ت: رضا شکراف
۱۳۷. پرتویی از فضائل امیرالمومنین علی / ت: علاء الدین ملک‌اف
۱۳۸. پیام‌های دین، حقیقت و کثرت / ت: علاء الدین ملک‌اف
۱۳۹. پیام‌های از نگاه قرآن و اهل بیت / ت: علاء الدین ملک‌اف
۱۴۰. توحید و زیارت / ت: محمد خليل اف
۱۴۱. جسم انکاری خدا از نگاه شیعه و سنی / ت: حسین مهدی اف
۱۴۲. حکمت‌نامه زان / توفیق اسداف / افضل الدین رحیم اف
۱۴۳. حیات پیامبر اسلام حضرت محمد / ت: علاء الدین ملک‌اف
۱۴۴. خصائص امیرالمومنین / ت: جبرئیل ابی اف
۱۴۵. زندگی در پرتو اخلاق / ت: رضا شکر بیگلر
۱۴۶. سیری در صحیحین / ت: رشاد اکبراف
۱۴۷. شفاعت / ت: المان اقام اعلان‌اف
۱۴۸. صد و پنجاه درس زندگی / ت: اسماعیل اسماعیل اف
۱۴۹. عقل، ایمان و انسان‌شناسی / ت: علاء الدین ملک‌اف
۱۵۰. گفت‌وگو مهدوی زبان آذری / ت: علاء الدین ملک‌اف

اردو

۱۵۱. آداب دعا / رجب علی حیدری
۱۵۲. پرتو پوزویش، ج ۱ / سید حسید اختر رضوی
۱۵۳. تعلیمات قرآن / موسسه قرآن و معترت
۱۵۴. تفسیر القرآن وهو الهدی و الفرقان / سید محمد عباس رضوی
۱۵۵. معارف قرآن و معترت / موسسه قرآن و معترت

استانولی

۱۵۶. پرتو پوزویش، ج ۱ / ت: رسول نور
۱۵۷. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی / گردآورنده: بحری اکیول

هوسایی

۱۵۸. التربة الدينية / ت: محمد میسر

اینگلیسی

۱۵۹. صحیفه سجادیه / فریده مهدوی دامغانی

فولانی

۱۶۰. تاریخ اسلام زندگی حضرت زهرا / ت: محمد باری
۱۶۱. سیره پیشوایان / ت: محمد باری

پشتو

۱۶۲. پرتو پوزویش، ج ۱ / ت: محمد رحیم درانی

فارسی

۱. از سی مرغ تا سیم مرغ / محمد رضا یوسفی
۲. از قیادبان تا یگان / محمد رضا یوسفی، رفیع ابراهیمی شهرآباد
۳. آسیب شناسی تمدن اسلامی / علیرضا عالمی
۴. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران / حسین علوی مهر
۵. آشنایی با صحیفه سجادیه / محمد علی مجد فقهی
۶. آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۵، ۶، ۷) / اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر قیچی
۷. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۲ / محمد فتحعلی خانی
۸. با نور قرآن هدایت شدم / ت: محمد قاسم احمدی
۹. بدایه المبتدی، ج ۲ / سید یونس استروشنی، فرهاد الدین افضل
۱۰. پراهمین جهان شناختی از دیدگاه ابن سینا و اگویناس / حمید زکی
۱۱. پرتو پوزویش، ج ۱ / معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه
۱۲. تاریخ پیامبر و اهل بیت / ج ۱ / ۶ / علی ملک بهمان احمدی
۱۳. تاریخ تحلیلی آلدلس / محمد رضا شهیدی پاک
۱۴. تاریخ تحلیلی مغرب / محمد رضا شهیدی پاک
۱۵. تاریخ حدیث / سید رضا مذهب
۱۶. تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و...) / فتح الله نجارزادگان
۱۷. جایگاه جامعه المصطفی / العالمية در بعثت جهانی / اداره کل دفتر ریاست جامعه المصطفی / العالمية
۱۸. جهانی در خلوت / مرتضی طالبی
۱۹. چهل حدیث در مورد استقامت اسلامی / جمعی از مؤلفان مجتمع امام خمینی
۲۰. حفظ موضوعی قرآن کریم سید علی میرداماد نجف آبادی

چاپ ۱۳۸۹

منشورات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ ﷺ

۷۷. تاریخ شیعیان کشمیر / غلام محمد گلزار
۷۸. تحریف قرآن کی بطلان کاتحلیلی جائز / ت: عارف حسین مبارک‌پوری
۷۹. ترجمه گریده غرر الحکم و درر الکلم / ت: محمد فاتر باقری
۸۰. چگونه قرآن را حفظ کنیم / شهریار پرهیزگار
۸۱. قصه‌های قرآنی. قرآن قصی / صالح فتادی
- تذکی استانبولی**
۸۲. عقاید اسلامی در پرتو قرآن حدیث و عقل / ت: بحری اکیول
- پتکلیایی**
۸۳. چهل حدیث اسراف / ت: محمد ابوسعید
- هوسایی**
۸۴. رابطه والدین با فرزندان / حافظ محمد سعید
۸۵. زندگی زناشویی / حافظ محمد سعید
- ایتالیایی**
۸۶. صفات شیعه / ت: عباس دیپالما
- ترکی**
۸۷. آموزش مفاهیم قرآن کریم / ت: شیرعلی اف
۸۸. ترجمه گریده غرر الحکم / سید قمر غازی

۲۱. خلوص کامیاب / عبدالحسین طالعی، مرتضی طالبی
۲۲. درآمدی بر سیره اهل بیت ﷺ / حسین عبدالحمیدی
۲۳. درسنامه آیات الاحکام جزایی / محمد مهدی کریمی نیا
۲۴. درسنامه صرف / علی عرب خراسانی
۲۵. درسنامه عقاید / علی شیروانی
۲۶. دیکشنری فارسی-اندونزی / یانور فیری ن
۲۷. رهیافتی به منظومه فکری امام خمینی ﷺ و مقام معظم رهبری / جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالامه ﷺ
۲۸. شناخت استعمار / مصطفی اسکندری
۲۹. قرآن کتاب رشد و تعالی / روح الله دهقانی
۳۰. قصه‌های قرآنی / صالح فتادی
۳۱. مبانی و روش‌های تفسیری / محمد کاظم شاکر
۳۲. مبانی و اصول طراحی کتاب درسی / محمد شریفی نیا
۳۳. مجموعه مقالات برتر سیزدهمین جشنواره شیخ طوسی / جمعی از مؤلفان
۳۴. مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی امام خمینی ﷺ، ج ۱ / مجتمع آموزش عالی امام خمینی ﷺ
۳۵. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۱ / ستاد برگزاری همایش
۳۶. مقام محبت الهی از منظر حکمت و عرفان نظری و عملی / محمد حسین خلیلی
۳۷. منشور جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمية
۳۸. منطق پیشرفته / عسکری سلیمانی امیری
۳۹. مهدویت در ادیان آسمانی / ابراهیم کوثری
۴۰. مهندسی اوقات فراغت / محمد علی متولیان، احمد هوشمند
۴۱. نخل نسیم / حسن ابراهیم‌زاده
۴۲. نظام حقوقی اسلام / جلیل قنوتی

عربی

۴۳. بحوث فی علم الرجال / آية الله محمد آصف المحسنی
۴۴. تاریخ الحدیث / سید رضا مؤذب
۴۵. التعرف علی خط التنبی / مرتضی الشیبانی
۴۶. درس تمهیدی فی السیرة القادة الهداء، ج ۱-۲ / سید منذر حکیم
۴۷. دروس فی الفقه المعاملات (البيع) / السيد محمد کاظم المصطفوی
۴۸. دروس فی المسیحیة / علی الشیخ
۴۹. دروس فی المناهج والاتجاهات والتفسیرة للقرآن / ت: قاسم البیضانی
۵۰. دروس فی علوم القرآن / حسین جوان آراسته
۵۱. دروس فی فقه الاستدلالی، ج ۱ / عبد الکریم آل نجف
۵۲. دروس موجزة فی علمی الرجال والدرایة / آية الله جعفر سبحانی
۵۳. العلم فی إطار الدین / عبدالکریم الجنابی
۵۴. قرآن الحسین وحده المنهج والهدف / السيد لیث الحیدری
۵۵. المحکم والمتشابه / عبدالرسول غفاری
۵۶. المرأة فی الاسلام / عبدالرسول غفاری
۵۷. معجم الاعمال المتداولة ومواطن استعمالها / السيد محمد الحیدری
۵۸. معرفة ابواب الفقه / محسن الفقیهی
۵۹. النسخ بین المفسرین / عبدالرسول غفاری
۶۰. رعاية الحکمة فی شرح نهاية الحکمة / حسین عشافی الاصفهانی

انگلیسی

۶۱. اشعار عاشورایی، ج ۱ / محمد رضا فخرروحانی

فرانسوی

۶۲. سخنان حسین بن علی ﷺ از مدینه تا کربلا / ت: فریده مهدوی دامغانی

تاجیکی

۶۳. اربعین مولانا جامی / داستان حفظ‌زاده
۶۴. پدر و مادر و معلم من را خوب تربیت کن / ت: سید امان‌الله بابایوف
۶۵. پیامبر اعظم ﷺ / رجب جمعه خان
۶۶. تفسیر سوره محمد ﷺ / محسن قرآنی
۶۷. حوریت شراب / روح‌الله قلندر
۶۸. فضیلت صدقه / مصطفی علی
۶۹. مقام پدر و مادر / محمد رحیمی
۷۰. مقام قرآن کریم / اسماعیل محی الدین
۷۱. مقام نماز / عبداله‌هاشم میرزا

آذری

۷۲. حجاب چرا و چگونه / ت: جمال‌الدین شکراف
۷۳. دعا و توسل / حسن طاهری غرم آبادی
۷۴. سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه / ت: رضا شکراف
۷۵. قرآن کریم چنانکه هست / ایلغار اسماعیل زاده

اردو

۷۶. آداب اسلامی، ج ۱ / محمد عندلیب